

مضمون ناب

همیشه عاشورا

آیا هنوز وسوسه گندم «ری» عمر سعد نمی‌رویاند؟
آیا امروز هم رقابت شمر با عمر سعد، گودال قتلگاه نمی‌آفریند؟
آیا درخشش سکه‌ها و جاذبه صله‌ها، اسب‌ها را برای سم‌کوب پیکر حقیقت آماده نمی‌کند؟
هنوز و همیشه کربلاست و دشنه‌های تشنه‌ای که در کوری وجدان و قحطی ایمان، جز شقاوت و درشتی و زشتی نمی‌شناسند.

و خاکی که خاکستر است

تشنه‌تر از فرات، آبی نیست
و روشن‌تر از خون
آفتابی

بوی سکه
بوی بیعت
پزندگان را نیز مسموم می‌کند
و خاکی که خاکستر است
به گیاهان مجال بارور شدن نمی‌دهد
زمین
میدان کوچکی‌ست
که آتش شقایق‌ها و آینه‌ها برافروخته است
و میدان
به قهرمان به خاک افتاده‌ای می‌ماند
که چون برمی‌خیزد
آسمان
زمین اوست
و پیشانی‌اش قرآنی گشوده است

و میدان اینک
نه سنگ است نه خاک
جویباری‌ست
جاری‌ست
و خلیفه‌ها
هماره آب را بر مسافران می‌بندند

مصطفی علی پور

هنوز و همواره عاشوراست و سلسله جبال سخاوت و صبوری و صلابت ایستاده و در طوفانگاه شرارت و بی‌شرمی، رسته از هر هراس و هزیمت! مردان و زنانی که رُستن در عطش، شکفتن در شعله، به بار نشستن در خاکستر و تبسم در تازیانه را می‌دانند و می‌توانند.
کربلا زادگاه ارزش‌هاست و عاشورا روز ولادت شهادت!
کربلا پیام‌گزار این حقیقت است که باطل آن‌گاه می‌رود که تو بایستی، سیاهی آن‌گاه می‌میرد که تو روشن زندگی کنی و روشنی بیفشانی.

کربلا، رویشگاه مجد و عزت و شرف است و مگر حسین [ع] در هنگامه تهدید دشمن به مرگ نگفت که: اقبال‌الموت تُخوفنی؟! از مرگم می‌ترسائید؟ هیهات طاش سَهْمُکْ وَ خَابَ ظَنُکْ؛ بیهوده انگاشته‌اید و به ناروا رفته‌اید. لَسْتُ أَخَافُ الْمَوْتَ وَ هَلْ تَقْدِرُونَ عَلٰی اَکْثَرِ مِیْنِ قَتْلِی؟؛ من مرگ‌هراس و مرگ‌گریز نیستم و مگر بیش از مرگ و کشتن من می‌توانید؟
مرحبا بالقتل فی سبیل‌الله؛ چه خوش است مرگ در هنگامه سلوک و ره سپردن محبوب.
اگر باران مرگ ببارانید. اگر تیغ‌ها به امید شناوری در خونم از نیام آخته شود. اگر همه نیزه‌ها در رگ‌هایم فرو رود پروایم نیست؛ چراکه «زندگی» همسایه جان‌های عاشق است و جاودانگی را از ازل به نام عاشقان نوشته‌اند.
ولکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی و محو عزتی و شرفی. شما حقیرتر و ناتوان‌تر از آنید که مجد و شرف مرا لگدکوب کنید.
فاذا لا ابالی من القتل؛ پس هرگز و هرگز پروای مرگ ارغوانیم نیست.
هر کس عزت می‌طلبد از کربلا ناگزیر است و هر روح بی‌پروایی که شیفته تیغ است، قله‌نشین شرف خواهد بود.
اگر کربلا را دریابیم، ذلت فاتح حریم قلب و هستی‌مان نخواهد بود.

محمد رضا سنگری / سیب و عطش (نثر عاشورایی)، خورشیدباران

هفتاد و دو دلیل

نیمی از فواره پرواز است
نیمی فرود
چشم‌های جهان
به شگفت خیره مانده‌است
تا ابد
که سرانجام نیمه دوست کجاست.

حمیدرضا شکارسری

گنجینه گذشتگان

مشغول تدوین و تهیه آن هستیم، کتابی است شامل اشعار و شرح زندگی علمای تبریز.

خایه چگونه به فکر تدوین مجموعه گنجینه گذشتگان افتادید؟

مهم‌ترین کاری که تاکنون انجام داده‌ام، مجموعه گنجینه گذشتگان است. باید بگویم که وقتی مرحوم حسینی (سعدی زمان) به تهران مهاجرت کرد، تبریز از حضور استادان خالی شد. با وجود آن که شهر تبریز از نظر فرهنگ عاشورایی بسیار بالاست اما با گسترش چاپ و نشر، شعرهای بی‌محتوا به سرعت چاپ و در دسترس مردم قرار گرفت. البته با همت بزرگان، از همان زمان تا الان حداقل ۶۰ جلد کتاب مرثیه که محتوی اشعار قوی شاعران پیشین و معاصر است، به چاپ رسیده است. بنده مشاهده کردم که اشعار بی‌محتوا زیاد شده است و مجموعه‌های گلچین هم به دلیل سود مادی اغلب محتوی اشعار ضعیف و بی‌مایه هستند. به این نتیجه رسیدم که با رویکردی دیگر شروع به تهیه یک گلچین از اشعار قدیمی و جدید کنم. نخستین جلد، متأسفانه از نظر چاپی ضعیف بود؛ اما از آن بسیار استقبال شد. کار را ادامه دادم و کم‌کم جلد‌های دیگر را به چاپ رساندم تا جلد بیستم. یک جلد هم به کلی حاوی اشعاری در مورد اربعین است.

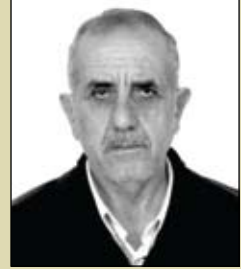
وجه تمایز این مجموعه با مجموعه‌های دیگر در این است که هر قطعه شعری که در کتاب آمده است، منبع و مأخذ آن هم در پاورقی قید شده است و شرح زندگی شاعرانی که اشعارشان را در مجموعه آورده‌ام، درج کرده‌ام. در انتهای کتاب هم عکس‌های قدیمی شاعران و هیئات را آورده‌ام.

خایه در مورد آرشبو عکستان توضیح دهید.

تاکنون حدود ۴ تا ۵ هزار قطعه عکس نایاب را از طرق مختلف گرد آورده‌ام. این عکس‌ها شامل عکس شاعران قدیمی، عکس هیئات و هیئت‌های معروف و مناسک عاشورایی مختلف مثل شبیه‌خوانی است. برخی از این عکس‌ها بسیار نایاب و قدیمی هستند؛ برای نمونه عکس پدر شاعری مرثیه‌گوی به نام «ثریا» را که ۱۰۵ سال پیش از دنیا رفته‌اند، پیدا کرده‌ام. دیوانش هم تاکنون چاپ نشده و اکنون دیوانش را برای چاپ آماده کرده‌ام. امسال قرار است، یک نمایشگاه عکس‌های قدیمی هیئات را برگزار کنم. در هر کدام از کتاب‌هایی که تاکنون منتشر کرده‌ام نیز در حدود ۱۰ عکس کار کرده‌ام. ان‌شاءالله در صورت مساعد بودن شرایط قرار است یک مجموعه عکس از هیئات قدیمی را به چاپ برسانم.

ان‌شاءالله در صورت مساعدبودن شرایط قرار است یک مجموعه عکس از هیئت‌های قدیمی را به چاپ برسانم. ■

✎ مجتبی زادصادق در سال ۱۳۳۱ در تبریز به دنیا آمد. او ۵۰ سال از عمر خود را برای گردآوری اشعار و تاریخچه مداحی و مرثیه‌سرایی ترکی صرف کرده است. وی هم‌اکنون صاحب مجموعه‌ای قابل توجه از نسخ خطی مرثیه، کتب مرثیه و عکس‌های تاریخی هیئات می‌باشد. زادصادق تحقیقات گسترده‌ای نیز درباره آداب و رسوم عزاداری مردم منطقه آذربایجان انجام داده است. آنچه می‌خوانید، ماحصل گفت‌وگویی است با ایشان در مورد فعالیت‌ها و آثار مکتوبشان.



گفت‌وگو با مجتبی زادصادق

داود بهلولی

ارتباط هستیم؛ مثلاً با کتابخانه‌های هندوستان، آذربایجان و ترکیه، تبادل کتاب می‌کنم. مقداری هم در مورد سنت‌های عزاداری تحقیق کرده‌ام. بنده به دلیل آن که یک عمر پای درس استادان و بزرگان زانو زده و تلمذ کرده‌ام، سعی می‌کنم بهترین اشعار را انتخاب کنم. از هر شعری به‌سادگی نمی‌گذرم و دیوان هر شاعری را مطالعه و مذاقه نمی‌کنم.

خایه در مورد آثار قلمی و کتاب‌هایی که تاکنون منتشر کرده‌اید و یا در دست چاپ دارید، صحبت کنید.

سه جلد کتاب در مورد هیئات و عزاداری آماده چاپ کرده‌ام. اشعار، زندگی‌نامه و تصاویر شعری گذشته را هم در سه جلد آماده کرده‌ام که با عنوان «مشاهیر سخن» به زودی چاپ خواهد شد. در این کتاب اطلاعات مربوط به شعری تمام محلات تبریز و شمال غرب کشور و ماورای قفقاز و استان وان ترکیه و آذربایجان تا تاجیکستان را که در کل ۴۰۰ نفر هستند را گرد آورده‌ام. از هر کدام از شاعران، شعرهای ترکی، فارسی یا عربی و نیز تصویر و زندگی‌نامه‌شان را آورده‌ام و بیست و چهار محله تبریز را مرزبندی کرده‌ام و شعرا و مداحان متوفی را که در هر محله ساکن بوده‌اند، معرفی کرده‌ام. در کنار آن نیز تصاویری از علم‌ها، کتل‌ها و تعزیه‌خوانی‌های تبریز آورده‌ام.

اکنون دیوان «فتاح مراغه‌ای» را تصحیح کرده‌ام و قرار است با همکاری اداره اوقاف چاپ شود. فتاح مراغه‌ای اولین شاعر مرثیه‌گوی است که دیوان نوحه ترکی تدوین کرده و در دوره صفویه می‌زیسته است. البته از این‌گونه شاعران که غریب مانده‌اند و اشعارشان تاکنون چاپ نشده، بسیار است. دیوان اشعار برخی شعرای پیشین را آماده کرده‌ام که از آن جمله می‌توانم به دیوان شعر شاعرانی هم‌چون مرحوم روفه‌گر، سهیلی، ثریا و فتاحی اشاره کنم. مجموعه دیگری که الان

خایه کمی در مورد گذشته خود و اینکه چگونه به عرصه تحقیق در وادی مرثیه و فرهنگ عاشورایی وارد شدید، توضیح دهید.

بنده از همان دوران کودکی در مجالس عزاداری شرکت می‌کردم و علاقه وافری به مجالس شعر و شاعری و سوگواری و قرائت قرآن داشتم. هنوز هفت ساله نشده بودم که درس قرآن را تمام کردم. در نه سالگی هم کتاب گلستان را تمام کردم. در آن دوران از کسانی که شغل کاتبی و کتابت داشتند، و یا از کتابفروش‌ها، اشعار و مرثیه‌های قدیمی را با پول توجیبی می‌خریدم و می‌خواندم و نگه‌داری می‌کردم. این اشعار هم‌اکنون گنجینه‌ای شده است و حتی الان ۲۰۰ جلد از این‌گونه اشعار را می‌توانم چاپ کنم که البته تاکنون ۲۰ جلد را با عنوان گنجینه گذشتگان به چاپ رسانده‌ام. کم‌کم این قبیل فعالیت‌ها را جدی‌تر پیگیری کردم و در طی ۲۰ سال در خدمت استادانی همچون عابد، ذهنی‌زاده، تائب، زائر و سعدی زمان شاگردی کردم و در کل از خدمت ۲۵ نفر از شاعران پیشین کسب علم کرده‌ام.

خایه در مورد فعالیت‌های علمی و تحقیقی‌تان توضیح دهید.

اکنون هزار جلد از دیوان شاعران قدیمی فارسی‌گوی که اشعار در خور توجهی دارند، گردآوری و برای هر شاعر پرونده ایجاد کرده‌ام. دیوان بسیاری از شاعران ترکی‌گوی آذربایجان در کتابخانه من موجود است. حتی همه اشعار برخی شاعران کهن را که اشعارشان نایاب است، در اختیار دارم؛ شاعرانی مانند حقیر خوبی، واقف و وافی. با شاعران شهرها و کشورهای همسایه نیز در

نوحه‌های قدیمی آرامش بخش و از این رو دلنشین است

میراث ماندگار



گفت‌وگو با متین رضوانی پور

گروه ادبیات: «نوحه‌خوانی در ایران» نام کتابی است که «متین رضوانی پور» در آن به گردآوری نوحه‌ها از شهرها و روستاهای مختلف کشور پرداخته است. رضوانی پور دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی است و نزد استادان و خوانندگانی چون محمدعلی یزدیان، محمود مخدوم، حسام‌الدین جعفری و مجید کیانی ردیف‌های موسیقی ایرانی را آموخته است. این کتاب با هدف اجرای بهتر نوحه‌خوانان در دستگاه‌های مختلف و نواهای عاشورایی و حفظ نوحه‌های ماندگار و نغمه‌های اصیل شیعی و ایرانی نگاشته شده است و از جمله ویژگی‌های آن، آوانگاری نوحه و ۲ سی‌دی ضمیمه کتاب که اجرای نوحه‌ها را به مخاطب نشان می‌دهد، است. در ادامه، گفت‌وگوی خیمه را با متین رضوانی پور، مؤلف کتاب «نوحه‌خوانی در ایران» درباره کتاب و موسیقی مذهبی بخوانید:

شعر نوحه آورده شده، دستگاه آن معرفی شده و اطلاعات مربوط به شهر و منطقه و محله‌ای که نوحه را در آنجا یافته‌ام، آورده شده است؛ همچنین راویان و مداحانی که اشعار را خوانده‌اند، معرفی شده و در نهایت نوحه‌ها در سی‌دی‌ها با صدای راویانشان خوانده شده‌اند. در حقیقت، این کتاب یک منبع آموزشی برای مداحان جوانی است که علاقه‌مند به نغمه‌ها و آهنگ‌های اصیل هستند و هر مداح با چندبار گوش دادن هر تراک (track) از نوحه‌ها می‌تواند نحوه اجرای آن را یاد بگیرد.

این کتاب از طریق نت هم با فضای نوحه‌های ایرانی آشنا شوند.

خیمه: بنابراین فقط کسانی می‌توانند از این کتاب استفاده کنند که حداقل‌هایی از سواد موسیقی داشته باشند.

خیر؛ همراه کتاب ۲ سی‌دی صوتی وجود دارد که همه نوحه‌های کتاب با صدای راوی آنها در آن ۲ سی‌دی، ضبط شده‌اند. در واقع در این مجموعه،

خیمه: مهم‌ترین ویژگی کتاب «نوحه‌خوانی در ایران» از نظر شما که مؤلف کتاب هستید، چیست؟

این کتاب، اولین کتاب درباره نوحه‌خوانی‌های سنتی در ایران است. در این کتاب، من طی یک تحقیق ۴-۵ ساله در شهرهای مختلف حدود ۷۰۰-۸۰۰ نوحه و آهنگ اصیل را جمع‌آوری کرده‌ام که هر کدام با دیگری متفاوت بود؛ سپس از بین آنها برای اولین کار، ۷۲ نوحه را گلچین کردم؛ به گونه‌ای که کارها، هم از حیث ضرب‌آهنگ، هم دستگاه و هم از نظر شعر در فضای متفاوت باشند تا مجموعه‌ای متنوع باشد؛ بعد به پیشنهاد استاد «مجید کیانی» نوحه‌ها آوانگاری شدند تا محققانی که به ایران می‌آمدند، با استفاده از کارهایی نظیر

خیمه: مختصری از مراحل تألیف کتاب بگویید. ابتدا اجازه دهید تا از استاد عزیزم آقای «یعقوب قمری شریف‌آبادی» که مشوق من برای تألیف این کتاب بود، یادی کنم. من در زمستان سال ۱۳۸۳، سرباز بودم و بعد از یک مرخصی به همراه استاد با هیئت عزاداری محله در راه یک امام‌زاده بودیم که هیئت‌های مختلف از آنجا می‌گذشتند. عمده نوحه‌ها با سبک موسیقی پاپ اجرا می‌شد و استاد من از این موضوع بسیار ناراحت بود تا

■ متأسفانه اگر هم کلاس‌های مداحی برپا شود پیش می‌آید که استاد خودش هم دستگاه‌های موسیقی را نمی‌شناسد یا شناختش جزئی است برای نمونه «بیات اصفهان» می‌خواند اما نمی‌داند کجای کار «پردۀ عشاق» است کجا «سوز و گداز» و ... ■

شاهزن که در جوار اراک است و از شهرستان‌های استان مرکزی است، پیدا کردم که مضمونش این چنین است:

بین من بی کس و یارم
ز جا برخیز علمدارم
بین من بی کس و یارم
ابوالفضل ای علمدارم
در این صحرا گرفتارم
ابوالفضل ای علمدارم

همین آهنگ و نوا را در کار یکی از استادان معروف موسیقی دیدم که خود را آهنگساز کار معرفی کرده بود و روی شعر «الا یا ایها الساقی ادر کاساً فناولها» آن آهنگ را اجرا کرده بود. در واقع این آهنگ پیش‌تر یک نوحه بوده است.

وقتی تاریخ موسیقی و تعزیه را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم در دوره صفویه و فکر می‌کنم، زمان شاه تهماسب در یک دوره، موسیقی‌دانان را می‌کشتند. در واقع در آن دوره آن قدر موسیقی را بد می‌دانستند که به شکستن سازها و کشتن موسیقی‌دانان و از بین بردن نغماتی که به قول آنها شیطانی است، پرداختند. من در جایی خوانده‌ام که در آن وقت، بسیاری از موسیقی‌دانان فرار می‌کنند و به سمت پادشاهان هند که از آنها استقبال می‌کردند، می‌گریزند. عده‌ای هم خانه‌نشین می‌شوند و دیگر دست به ساز نمی‌زنند. در آن سال‌ها خوانندگان و موسیقی‌دانان به تعزیه وارد می‌شوند و آن نغمات و دستگاه‌ها را در موسیقی تعزیه به کار می‌برند. بررسی‌ها در صفحات موسیقی به‌جا مانده از اواخر دوره قاجار نشان می‌دهد، آواز استادان موسیقی به‌طور دقیق مانند نغمات تعزیه است؛ برای مثال، استادانی مانند اقبال آذر، حسینعلی نکیسا، سیداحمدخان ساقی تعزیه‌خوان هم بوده‌اند و آواز به‌جا مانده از آنها چه از لحاظ فواصل، چه گردش نغمات، چه از حیث اجرا یعنی صدادهی‌ای که از حنجره دارند، کشش‌ها و تحریرهایی که می‌زنند، به‌طور دقیق همان حالتی را که تعزیه‌خوانان قدیمی هم‌اکنون در گوشه و کنار ایران می‌خوانند، دارد. تفاوت میان موسیقی سنتی فعلی و تعزیه هم به دوره استاد بنان به بعد مربوط می‌شود که یک سری نوآوری‌هایی در موسیقی به‌وجود آمد. استادان قدیم‌تر، نوع موسیقی‌شان به‌طور دقیق شبیه موسیقی تعزیه است.

چایه آیا در حال حاضر موسیقی تعزیه آن قدر غنی هست که بشود چنان عقبه‌ای را برای آن متصور شد؟

در نوحه‌خوان‌ها و تعزیه‌خوانان قدیم، پیرمردهایی هستند که هنوز آن اصالت‌ها را حفظ کرده‌اند؛ اما من در تعزیه‌خوان‌ها و مداحی‌های جدید به‌ویژه آنها که زیر ۴۰ سال دارند، کسی را که ریزه‌کاری‌ها را رعایت کند، ندیده‌ام.

متأسفانه گاهی هم کلاس‌های مداحی برپا می‌شود؛ اما استاد خودش هم دستگاه‌های موسیقی را نمی‌شناسد یا شناختش جزئی است؛ برای نمونه «بیات اصفهان» می‌خواند؛ اما نمی‌داند، کجای کار «پرده عشاق» است، کجا «سوز و گداز» و طبیعی است که با این شرایط فضای نامناسبی به مداحی و مرثیه‌خوانی حاکم می‌شود.

چایه به نظر شما ظرفیت‌های لازم برای برطرف کردن این معضل وجود دارد؟

حتماً وجود دارد. مشکل اینجاست که برخی مسئولان، خودشان هم نمی‌دانند که چه کاری باید انجام دهند.

چایه چه کاری باید انجام دهند؟

ابتدا باید درک کنیم که رفع این مشکل در کوتاه‌مدت، میسر نیست. باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری شود. باید نوجوانان و جوانان علاقه‌مند را جذب کرد تا نزد استادان ذی‌صلاح، ردیف‌های موسیقی را بیاموزند. در حوزه مسائل مربوط به مدح و مرثیه موضوعات متعددی وجود دارد که یک مداح باید فراگیرد. من فکر نمی‌کنم، در کشور ما در این حوزه، مسئولی وجود داشته باشد که خودش کارشناس باشد. من به‌جرت می‌گویم که کارهایی که هم‌اکنون در صدا و سیما و یا در جاهای دیگر انجام می‌شود، کارشناسی شده نیست. هنگامی که من کارهای مربوط به چاپ این کتاب را پی‌گیر بودم، ارگانی به‌طور کلی کتاب را تأیید کرد؛ اما گفتند، چون در این کتاب نت وجود دارد، در شأن ما نیست که این کتاب را چاپ کنیم. از طرفی در صدا و سیما از آوانگاری و نت‌های موسیقی خوششان آمده بود؛ اما از اشعار و کیفیت ضبط ایراد می‌گرفتند. بسیاری از اظهار نظرها، سلیقه‌ای و دور از فضای کار کارشناسی است.

چایه من از برخی دوستانم شنیده‌ام که بسیاری از آهنگ‌هایی که خوانندگان و موسیقی‌دانان اجرا می‌کنند؛ حتی برخی کارهای به‌اصطلاح لس‌آنجلسی، پیش‌تر در قالب نوحه و مرثیه و یا در حین تعزیه‌خوانی اجرا شده‌اند و برخی استادان هم معتقدند، موسیقی سنتی ایرانی به‌کلی وام‌دار تعزیه و نوحه‌خوانی است؟ بله؛ برای نمونه، من نوحه‌ای را در شهرستان



اینکه یک هیئت آمد و نوحه‌خوان آن یک پیرمرد بود و نوحه‌ای را با آواز افشاری با مضمون زیر می‌خواند:

«حسین به میدان مرو تا خواهر تو
قرآن بگیرد حسین جان بر سر تو
کرده وصیت حسین جان مادر تو
تا من بیوسم حسین جان حنجر تو»

سپس استاد به من فرمودند: «فرق نوحه‌خوانی‌های قدیم و جدید در آرامش و اثر عمیقی است که نوحه‌های قدیم بر جسم و جان دارد که نوحه‌های جدید این امتیاز را ندارد؛ بنابراین جمع‌آوری نوحه‌های قدیمی خدمتی شایسته به فرهنگ مذهبی و ملی ماست.» استاد، مرا به جمع‌آوری این نوحه‌ها تشویق کردند و من هم با علاقه این کار را پی‌گیری کردم.

چایه گلایه از نوحه‌های جدید را نظیر آنچه از آقای قمری شریف‌آبادی نقل کردید، بسیار می‌شنویم. به نظر شما چرا وضعیت نوحه‌خوانی تا این حد گلایه‌آمیز شده است؟ زیرا مداحان جوان الگوهای مناسب را در اختیار ندارند. من احتیاج دارم، استادی نمونه‌های مناسبی که پیش‌تر ضبط شده‌اند، در اختیارم بگذارد. تازه بعد از این مداح جوان باید سال‌ها روی آنها تمرین کند تا نمونه‌های آموزشی ارائه نشود. بدیهی است که جوان هم نمی‌تواند در این زمینه رشد کند.

آن می‌تواند به این وحدت آسیب برساند و نتایج نامطلوبی داشته باشد.

خیلیا این وحدت در اجرای نوحه‌ها و استفاده از موسیقی ردیف-دستگاهی نمی‌تواند اتفاقی باشد.

اتفاقی نیست. آقای «جهانگیر نصری اشرفی» که از استادان بزرگ و محققان و پژوهشگران ارجمند کشور هستند، درباره این موضوع معتقد است که بخشی از این نعمات توسط تعزیه‌خوانان که به شهرهای مختلف می‌رفتند، نفس‌به‌نفس به تعزیه‌خوانان دیگر انتقال داده شده است. هر نوحه‌خوان و تعزیه‌خوان با اقامت در یک شهر چیزی را میراث می‌گذاشت و چیز دیگری را می‌آموخت. در حقیقت این نواها و نوحه‌ها سینه‌به‌سینه در جوامع اسلامی می‌گشت و ترویج می‌شد. ■

موسیقی مذهبی ما حدود هزار سال قدمت دارد و این موسیقی همان موسیقی ردیف-دستگاهی معروف است. در لرستان، ایلام، بلوچستان، کرمان، اهواز و ... دیده می‌شود که هر منطقه برای خود فرهنگ و موسیقی جداگانه‌ای دارد؛ اما در حوزه موسیقی مذهبی و به‌ویژه نوحه‌خوانی فقط یک نوع موسیقی ردیف-دستگاهی وجود دارد. من در لرستان و در شوشتر و در بسیاری از مناطق دیگر با گوشه‌هایی از موسیقی محلی روبه‌رو شدم که هیچ‌یک از نوحه‌های مذهبی در آن گوشه‌ها اجرا نشده است و جالب است که همه نوحه‌های مذهبی در همه آن مناطق در موسیقی ردیف-دستگاهی اجرا شده‌اند. حتی نوحه‌های اصیل عربی در لبنان، عراق و ... نیز در موسیقی ردیف-دستگاهی ایران اجرا شده‌اند. به نظرم این موسیقی مذهبی مشترک نوعی وحدت را باعث شده است که بی‌توجهی به

خیلیا در حال حاضر ما در ساخت ملودی‌های جدید هم به نوعی نقصان دچار هستیم.

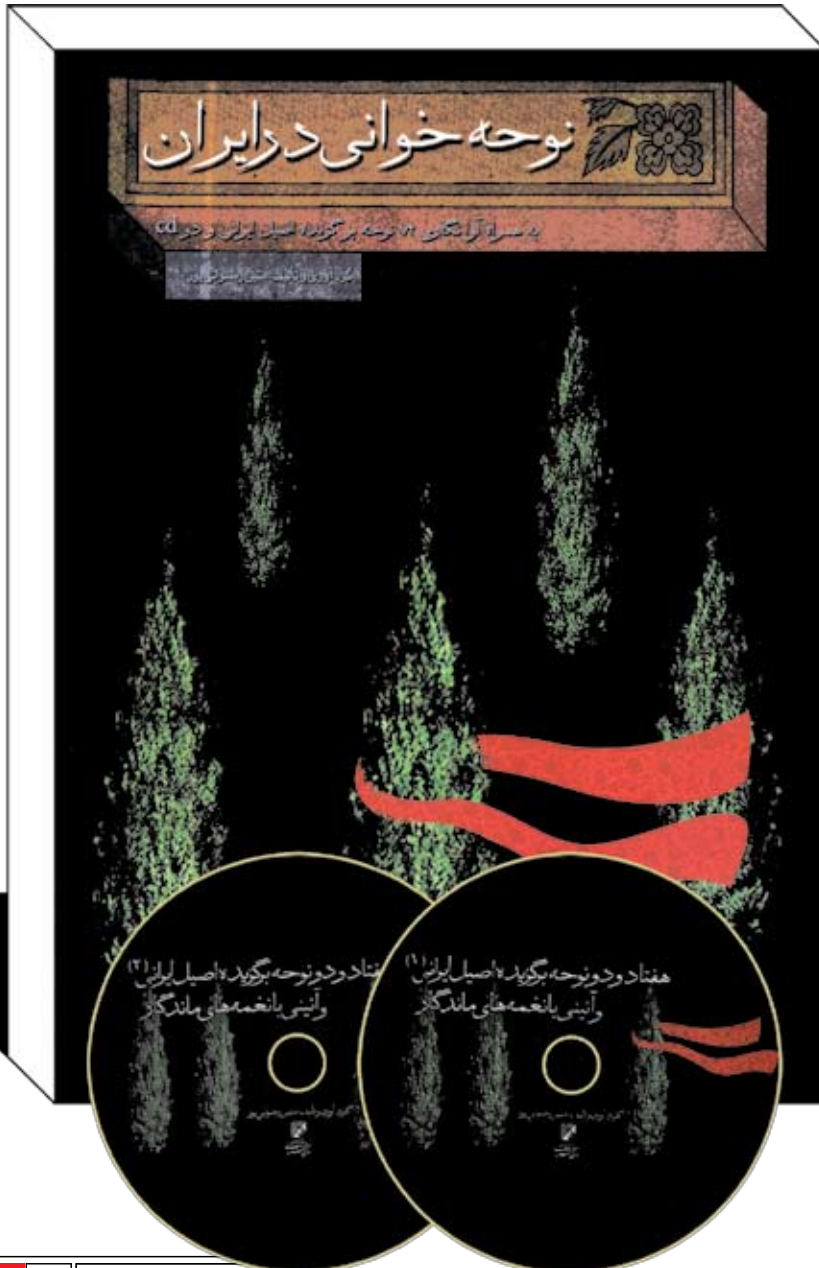
همین‌طور است. کسی که می‌خواهد آهنگ‌سازی کند و نوحه جدید بخواند، باید یک پشتوانه قوی داشته باشد. نوحه جدید ساختن نیازمند تسلط به موسیقی ردیف - دستگاهی است. در حقیقت با چنان پشتوانه‌ای و با نوع آوری می‌توان کارهای جدید و خوب ارائه کرد. اینکه ما الگوبرداری از آهنگ‌های پاپ و غربی و یا خواننده‌های به اصطلاح لس آنجلسی و استانبولی را شاهد هستیم، نتیجه بی‌توجهی یا کم‌توجهی به میراث خودمان است. در حقیقت این فقری که در ملودی‌سازی در حوزه مراسم مذهبی وجود دارد، از بی‌توجهی به میراث ارزشمند خودمان ناشی می‌شود.

خیلیا آقای «قاسم رضایی» در ابتدای کتاب به این موضوع اشاره کرده‌اند که «در کتاب پیش رو مضامین نامناسب در متن نوحه‌ها عوض و مضامین مناسب‌تری جایگزین شده است.» آیا این کار شما با انتقاد روبه‌رو نشده است؟

در یک اثر تحقیقی، محقق موظف است، امانتدار باشد و یک میراث را همان‌طوری که هست، به مردم عرضه کند؛ اما با محدودیت‌هایی که برای اجازه چاپ وجود داشت، ناچار شدیم، این کار را انجام دهیم تا اجازه چاپ بگیریم؛ البته از حیث محتوایی این کار، کار بدی نیست؛ زیرا برخی اشعار کمی موهن و سبک به نظر می‌رسند؛ برای نمونه در نوحه‌خوانی شوشتر در یک نوحه، مضمونی اینچنینی بود که
شه گلگون قبا، تنها
ذلیل زمره اعداء ...

این نوحه از حیث موسیقی، بسیار غنی و یک نوحه اصیل و درجه یک است؛ اما از حیث محتوا عبارت «ذلیل» زمره اعداء مناسب نیست و ما آن را به «شهید» زمره اعداء تغییر دادیم.

خیلیا در مقدمه‌ای که خود شما در ابتدای کتاب نوشته‌اید، اشاره کرده‌اید: «موسیقی این نوحه‌ها در پنج عنصر اصلی موسیقی (صدا، فواصل، گردش نعمات، وزن و تزیین) ارتباط ناگسستنی با موسیقی ردیف-دستگاهی دارند و حتی موسیقی نوحه مناطق مختلف شیعه‌نشین ایران با کشورهای چون عراق، لبنان، افغانستان و ... همچون ریسمانی محکم پیوند دارد؛ به طوری که گسستن آن سبب از بین رفتن اتحاد و انسجام دینی خواهد بود.» لطفاً قدری بیشتر درباره این موضوع توضیح دهید.



نوحه خوانی هنری پیشتان

درباره ضرورت جمع‌آوری و ثبت نوحه‌های قدیمی

یادداشتی از مهدی امین‌فروغی *

مذهبی از روی آهنگ‌ها و قطعات آهنگسازان مختلف غیر ایرانی گرت‌برداری و نوحه‌ها را با اشعاری متناسب با این آهنگ‌ها اجرا می‌کنند. در اینجا قصد ما نفی پویایی و نوآوری در کار نیست، بلکه نفی آثاری است که با هویت ما ناهمگون و ناسازگار است.

بدیهی است شناخت درست از آثار گذشتگان می‌تواند ما را در غنابخشیدن به آثار خود رهنمون باشد؛ پس در زمینه این نوع از موسیقی عاشورایی (نوحه‌خوانی) نیز باید آثار قدیمی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا بتوان با در نظر گرفتن پیشینه این عنصر به تکامل آن همت گماشت و در روند پویایی آن مؤثر بود.

یکی از راه‌هایی که باید پیموده شود، جمع‌آوری نوحه‌های قدیمی و ثبت کردن اشعار و آوانگاری آنهاست. با ثبت این گونه آثار، گذشته از اینکه می‌توان به محققان و پژوهشگران این عرصه یاری داد، از نابودی آنها نیز جلوگیری می‌شود. از آنجا که در گذشته، نوحه‌ها به صورت شنیداری و سینه‌به‌سینه از نسلی به‌نسل دیگر منتقل و با تکیه به حافظه مردم در حفظ آن سعی می‌شده است، در این روند بسیاری از اشعار تغییر یافته و مهم‌تر از آن، آهنگ‌های این آثار دستخوش دگرگونی شده و حتی در بسیاری از موارد به‌طور کامل به‌دست فراموشی سپرده شده است.

یکی از آثاری که برای حفظ نوحه‌های قدیمی منتشر شده است «نوحه‌خوانی در ایران» است که گردآورنده و مؤلف آن به ثبت و آوانگاری ۷۲ نوحه قدیمی اقدام کرده است. آثار ثبت شده، مربوط به شهرستان و روستاهای مختلف است که امیدواریم، با نشر آثاری از این دست، متولیان امر با گذشته این هنر بیشتر آشنا شوند و برای حفظ و اشاعه درست آن بکوشند. ■

* نویسنده کتاب هنر مرثیه‌خوانی

در طول تاریخ، موسیقی ردیفی و دستگاهی ما با عرفان اسلامی به‌صورت هماهنگ حرکت کرده است و اساساً هنر موسیقی در ایران به‌طور کامل بر پایه‌های حکمت و عرفان قوام یافته است؛ پس باید در نظر داشت که اگر در زمان ما، موسیقی به‌طور عمومی و موسیقی مذهبی به‌طور ویژه ناگهان از بستر خود خارج شود و با بهره‌گیری و رنگ‌پذیری از فرهنگ و موسیقی بیگانه به راه خود ادامه دهد، چه اتفاقی خواهد افتاد که در این صورت باید خود را برای عواقب آن آماده کنیم.

نوحه‌خوانی همیشه عنوان هنری پیشتان بوده است و موسیقی ایران همواره از محتوای موسیقایی نوحه‌های عاشورایی بهره‌مند شده است. با اندکی تحقیق در این مورد درمی‌یابیم که از میان آهنگ‌ها، تصنیف‌ها و قطعاتی که ساخته موسیقی‌دانان ماست، شمار درخور توجهی از این آثار متأثر از نوحه‌ها هستند و نوحه‌ها و ملودی‌های عاشورایی، الهام‌بخش موسیقی‌دانان ما بوده است؛ اما در روزگار ما نوحه‌خوانی به‌صورت دیگری درآمده است. خوانندگان

در میان مردم، گروهی هستند که در ایام سوگواری به مساجد و حسینیه‌ها و تکایا می‌روند و با شرکت در این مراسم، موسیقی عاشورایی را در عمل و از نزدیک می‌شنوند.

عده‌ای از آنان نیز به موسیقی عاشورایی از طریق شرکت در مجالس تعزیه گوش فرا می‌دهند؛ اما کم‌وبیش عامه مردم از طریق شنیدن انواع نوحه‌هایی که نوحه‌خوان‌ها اجرا می‌کنند، با موسیقی عاشورایی ارتباط می‌گیرند؛ چراکه دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی از خیابان‌ها و هرکوی و گذر عبور می‌کنند و حتی مردمی که در خانه‌های خود هستند، صدای نوحه‌خوان و نوحه‌هایی را که می‌خواند، می‌شنوند و از سوی دیگر، با وجود صدا و سیما و انبوه آثار صوتی (نوار کاست و سی‌دی) هرکس می‌تواند در هر کجا، انواع سوگواری را ببیند و بشنود؛ اما در این میان اقبال عمومی به شنیدن نوحه‌خوانی بیشتر از سایر انواع مرثیه‌خوانی است.

نوحه که در حقیقت تصنیفی است مذهبی، از آنجا که از ملودی و ضربانگ خاص و مطابق با ذوق عمومی برخوردار است، از کودکی در گوش ما نقش می‌بندد و برای ما تبدیل به خاطرات نوستالژیک و مؤثری می‌شود. در ضمیر ناخودآگاه ما حضور می‌یابد و دیگر در تمام زندگی لحظه‌ای هم از ما جدا نمی‌شود و در یادها باقی خواهد ماند و به نسل بعد منتقل می‌شود.

اکنون باید در نظر داشت که این روند فوق‌العاده مؤثر، چگونه می‌تواند نسل به‌نسل انتقال یابد و به حیات خود ادامه دهد.

از آنجا که موسیقی عاشورایی به‌طور عام و نوحه‌های عاشورایی به‌صورت خاص در حفظ و نگهداری و اشاعه موسیقی ایران و گوشه‌های متعدد موسیقی ردیفی و دستگاهی ما نقشی اساسی داشته‌اند، در روزگار ما نیز وظیفه بسیار مهم خوانندگان مذهبی، حفظ میراث گذشتگان است.

■ از میان آهنگ‌ها، تصنیف‌ها و قطعاتی که ساخته موسیقی‌دانان ماست شمار درخور توجهی از این آثار متأثر از نوحه‌ها هستند و نوحه‌ها و ملودی‌های عاشورایی الهام‌بخش موسیقی‌دانان ما بوده است اما در روزگار ما خوانندگان مذهبی از روی آهنگ‌ها و قطعات آهنگسازان مختلف غیر ایرانی گرت‌برداری و نوحه‌ها را با اشعاری متناسب با این آهنگ‌ها اجرا می‌کنند ■

دیدگاه‌های فلسفی در باب هنرهای تجسمی

نقل شده است، سلیمان (ع) بر تختی می‌نشست، استوار بر دو مجسمه که نیم‌تنهٔ پایین آنها شیر و نیم‌تنهٔ بالای آنها خروس بود. هرگاه بر تخت بالا می‌رفت، شیرها پاهای خود را دراز می‌کردند و هرگاه پایین می‌آمد، خروس‌ها بال‌های خود را می‌گستراندند؛ پس اینها مجسمه‌های ساده‌ای نبودند، بلکه حرکت معینی داشتند.

همان‌گونه که به کار سلیمان استدلال کرده‌اند، به کار مسیح (ع) نیز استناد جسته‌اند که قرآن، از زبان وی می‌فرماید: «انسی اخلق لکم من الطین کهیثه الطیر فانفخ فیه فیکون طیراً باذن الله...»؛ «من برای شما از گل، چیزی چون پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم. به اذن خدا، پرنده‌ای می‌شود.» این حقیقت وجود دارد که هر فقیه و عالمی، در این موضوع، فتوای خاصی دارد که خود آن را پسندیده است و روایاتی موجود است که هر کسی برای اثبات نظریهٔ خود، به آنها استدلال کرده است.

و تمایل و...»؛ «برای وی، هر چه می‌خواست از بناهای بلند و تندیس‌ها و ... می‌ساختند.» گویند تمثال عبارات است از هر شکلی که به صورت انسان یا حیوان ساخته شود و نیز گویند که حضرت سلیمان، انواع مجسمه‌ها: از شیشه، مس و سنگ و مرمر داشت که برخی، مجسمهٔ پیامبران گذشته و عالمان و صالحان بودند و بعضی مجسمهٔ حیوانات.

✉ گروه هنر: این نوشتار تلخیصی است از عبدالمجید وافی، استاد دانشگاه الازهر مصر که در مجله «رساله الاسلام» شمارهٔ ۵۱-۵۲ به چاپ رسیده و محمدحسین واتقی آن را ترجمه کرده است. وی به بررسی مستندات و اشارات دربارهٔ نقاشی و مجسمه‌سازی در حوزه‌های مختلف «فقه»، «روایات» و «آیات» پرداخته است.

فقه

فتوای فقیهان در موضوع نقاشی و مجسمه، در مقدار تأکید و حدود سخت‌گیری بر حرام بودن، تفاوت دارند.

گروهی از علما، مجسمه، عکس و نقاشی را به طور مطلق جایز دانسته‌اند و برای اثبات جواز، به آیهٔ شریفه‌ای استدلال کرده‌اند که داستان حضرت سلیمان را حکایت می‌کند: «یعملون له ما یشاء من محاریب



روایات

روایات هم شمارشان زیاد است و هم گفت‌وگوهای فراوانی درباره آنها صورت گرفته است.

از عایشه نقل شده است: «در خانه، پرده‌ای آویخته شده بود که تصویرهایی داشت. پیامبر (ص) وارد شد و آن را کند. من پرده را پاره کردم و دو پشتی از آن ساختم و حضرت بر آنها تکیه می‌کرد.»

در این حدیث، واژه تصویر، به صورت جمع آمده است. آیا می‌توان از روی قطع گفت که پیامبر (ص) پرده را نپسندید و پاره کرد، فقط به این دلیل که نقاشی داشت؟

ما که نمی‌توانیم بپذیریم؛ زیرا خود حدیث می‌گوید: «تصویر در پشتی‌ها بود و پیامبر (ص) بر آن تکیه می‌کرد.»

اگر کندن و نپسندیدن به دلیل نقاشی بوده است، می‌توان گفت، فتوای بر حرام‌بودن، مورد دارد. اگر روایت دلالت می‌کرد که نقاشی پس از پاره‌شدن پرده، به طور کلی از بین رفت و یا به‌گونه‌ای قرار گرفت که از تصویر بودن خارج شد، حکم به حرام‌بودن پذیرفته است؛ ولی حدیث می‌گوید تصویر باقی بود و پیامبر (ص) بر آن تکیه می‌کرد؛ پس باید عامل دیگری را جست.

به نظر من، انگیزه واقعی آن بود که حضرت رفاه‌طلبی را دوست نداشت و می‌خواست منزلش از وسایل تزیینی و آسایش خالی باشد؛ نه آنکه آراستن منزل و داشتن پرده و فرش و مانند آن برای مردم حرام باشد، بلکه جایگاه پیشوایی پیامبر (ص) چنین اقتضا می‌کرد و سزاوار بود که از این وسایل استفاده نبرد.

بر این مطلب حدیث دیگری که مسلم از عایشه نقل کرده است، دلالت می‌کند.

او می‌گوید: «ما پرده‌ای داشتیم که عکس پرنده داشت. چنان آویخته شده بود که هرگاه کسی وارد می‌شد، روبه‌روی آن قرار می‌گرفت. حضرت فرمود: «آن را تغییر بده، چون هرگاه وارد می‌شوم، دنیا به نظرم می‌آید.»

شماری از علی (ع) گفته‌اند که برداشتن پرده و دستور آن حضرت به کنارنهادن لباس عکس‌دار از باب ورع بوده است؛ زیرا جایگاه پیامبری و رسالت، بلند است؛ پس این برخوردها، ارتباطی به نقاشی در این یا آن پرده ندارند.

ابوهریره می‌گوید: «پیامبر (ص) فرمود: «جبرئیل نازل شد و گفت: «شب گذشته آمد، به دلیل مجسمه مردی که در منزل شما بود، به نزدتان نیامدم.»»

در منزل پیامبر (ص) پارچه نازکی بود که مجسمه داشت و بچه سگی نیز آنجا بود. پیامبر (ص) دستور داد، سر مجسمه را بریدند و به شکل درخت درآمد و امر کرد، پرده را به تشک کردند که زیر پا نهاده

می‌شد. امر فرمود، بچه سگ را بیرون کردند.

در حدیث صراحت دارد که جبرئیل به حضرت دستور داد، سر مجسمه را جدا سازد و پرده را تغییر دهد و سگ را بیرون کند؛ ولی به نظر ما این دستور جز برای آن نبود که حالت رفاه‌طلبی را که این چیزها، برای آن قرار داده شده بود، دگرگون سازد؛ زیرا پیامبر (ص) والا تر از آن است که به مظاهر رفاه‌طلبی و برتری جویی بپردازد که شیوه و ویژه فرمانروایان و حاکمان دنیا است.

تردید نیست که فرق است، بین برپا بودن مجسمه مردی که بیانگر شکلی از شکل‌های علاقه‌مندی و فزونی خواهی و تجمل‌پرستی است و نگهداری بچه سگ، بدون هیچ نیازی، جز برای لهو و لعب نیست؛ زیرا نگهداری سگ نگهداری و همانند آن جایز است و اشکالی ندارد؛ اما نگهداری سگ از سر لهو و تظاهر به برتری، برخاسته از علاقه‌مندی خاص است که اسلام آن را نمی‌پسندد.

به همین دلیل این حدیث، ربطی به حرام‌بودن نقاشی و مجسمه و حرام‌نبودن آن ندارد.

از ابن عباس نقل شده است: «کسی آمد پیش من و گفت: «من، این تصویرها را نقاشی می‌کنم، نظر خود را درباره اینها ابراز بدار.» گفتم: «از رسول خدا شنیدم، فرمود: «هر تصویرگری در آتش است. خداوند، در برابر هر تصویری که تصویرگر کشیده است، چیزی می‌آفریند که او را در جهنم عذاب دهد؛ پس اگر ناگزیرید که نقاشی کنید، درخت و آنچه روح ندارد، نقاشی کنید.»»

این حدیث مورد اتفاق است.

از حدیث ابن عباس فهمیده می‌شود که بحث در مورد تصویر معینی بوده است؛ زیرا تصویرگر می‌گوید «من «این» نقاشی‌ها را می‌کشم. در مورد آن برای من فتوا بدهید.» در این صورت، اینها تصویرهای معینی بوده و کلام بر مبنای آن جاری شده و حکم بر آن استوار شده است. شاید تصویرهایی بوده با شعارهای اعتقادی و مخالف اعتقاد مسلمانان چون (بت) که پرستیده می‌شود.

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر (ص) درنوکی (چیزی شبیه حوله) را که عایشه داشت و تصویر اسب‌های بالدار در آن بود، پاره کرد و از آن دو بالش ساخت.

این روایت، از گونه مشخص نقاشی بحث می‌کند که همانا اسب بالدار باشد. عادت به کشیدن فرشتگان بالدار معروف و رایج بوده است. این توصیف را از کتاب‌های دینی گرفته بودند، همان‌طور که خداوند متعالی می‌فرماید: «اولی اجنحه مثنی وثلاث وربا؛ «فرشتگان دارای بال؛ دو و سه و چهار.»

به ذهن می‌آید که تصویر اسب بالدار، شکل فرشتگان و بال‌هایشان را تلقی می‌کند؛ پس گویا پیامبر (ص) جایز ندانست که بر موضوع فرشتگان بدون شناخت پرداخته شود؛ هرچند از دور؛ پس حضرت این نوع تصویرگری را نپسندید.

برخی روایات نیز از عذاب صورت‌تگرنان خبر می‌دهند؛ مانند «ان اشد الناس عذاباً یوم القیامه المصورون.» «عذاب صورت‌تگرنان در قیامت، از همه شدیدتر است.»

ابوعلی فارسی در این موضوع می‌گوید مراد از تصویرگران که عذابشان در قیامت از همه سخت‌تر است، «فرقه مجسمه‌اند؛ کسانی که می‌گویند خداوند جسم است و خدا را به خلق تشبیه می‌کنند. این فرقه، با قرآن مخالفت کرده‌اند که می‌فرماید: «چیزی همانند خداوند نیست.» یا «کسی همتای خداوند نیست.»

این گروه، با این اعتقاد، مستحق عذاب سخت خداوند شده‌اند؛ چرا که در امور اعتقادی به خداوند افترا زده‌اند.

بر این اساس گمان نمی‌رود که مجرد ساختن مجسمه و نقاشی، به‌طور مطلق، در نزد شارع شدیدترین عذاب اخروی را موجب شود.

خداوند در داستان قوم موسی (ع) به این نکته اشاره می‌کند که گوساله را خدا قرار دادند و می‌فرماید: «ان الذین اتخذوا العجل سنیالهم غضب من ربهم وذله فی الحیاه الدنیا.» «آنان که گوساله را برگزیدند، به‌زودی به غضب پروردگارشان گرفتار خواهند شد و در زندگی این جهانی، به خواری خواهند افتاد.»

روشن است کسی که گوساله را بسازد یا بتراشد و یا هرگونه کاری روی آن انجام دهد، سزاوار خشم خداوند و در نزد مسلمانان، مستحق وعده عذاب نمی‌شود. [پس باید پرستش گوساله منظور باشد.]

این کارها قطع نظر از هر مطلب دیگر، ممکن نیست که سبب خشم خداوند شود. هرگاه کسی اشکال کند که این حدیث را چه می‌گوید که «ان اشد الناس عذاباً یوم القیامه المصورون.» پاسخ او همان تأویلی است که در عبارت فوق آمده است. تردیدی نیست که این دیدگاه، درخور توجه است و جهان در موضوع صورتگری به آن نزدیک می‌شود. در جهان قرن چهاردهم زمینه آماده می‌شود برای کسی که اطمینان ندارد به حرام‌بودن و یا ناگزیر می‌شود بسان ابوعلی فارسی، به توجیه روایات عذاب بپردازد.

تا اینجا روشن شد که استنباط حکم حرمت از احادیث پیامبر (ص) امری قطع و پایدار نیست و دیدگاه‌های سخت‌گیرانه، برداشتی است از روایات پیامبر (ص) و ما برداشت دیگری داریم که با آن، ناسازگار است.

بررسی آیات

۱. برخی کلمه «الانصاب» را متعال که می‌فرماید: «انما الخمر و المیسر والانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه.» «همانا شراب و قمار و بت‌ها و گرویندی با تیرها، پلیدی و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید.» به «اوثان» تفسیر کرده‌اند؛ درحالی که روشن‌ترین



تفسیر، آن است که انصاب، سنگ‌هایی بوده که نصب و بر آنها قربانی می‌کرده‌اند. هیچ‌کس مخالفت نکرده است که بت‌گرفتن مجسمه و ساختن بت، ترویج شرک است و حرام بودن آن مورد اتفاق؛ ولی درست نیست که حکم به تحریم را بگسترانیم و همه‌گونه مجسمه را در زیر پوشش آن قرار دهیم؛ حتی آن مواردی که قصد ترویج بت‌پرستی نیست و این معنی از آن فهمیده نمی‌شود.

۲. خداوند در سوره سبأ از سلیمان و آنچه را که به او داده بود، چنین خبر داده است: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجَفَانَ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٍ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ»؛ «برای وی هر چه می‌خواست از بناهای بلند و تندیس‌ها و کاسه‌هایی چون حوض و دیگ‌های محکم می‌ساختند. ای خاندان داود برای سپاس‌گزاری کاری کنید و اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند.»

شماری از عالمان، با استناد به همین آیه، ساخت تمام گونه‌های مجسمه و صورت‌نگری را جایز می‌دانند. کسانی که آن را منع می‌کنند، در تفسیر آیه می‌گویند که حکم جواز صورت‌نگری،

مربوط به شریعت دیگر، به جز شریعت ما بوده است و در دین اسلام، صورت‌نگری حرام است! بسیار بعید می‌نماید، خداوند چیزی را برای پیامبری از پیامبران، مباح کند و آن را چنین مورد ستایش قرار دهد و از جمله نعمت‌هایی بر شمارد که سبب سپاس عملی می‌شود و در پایان بگوید، اینها از اموری است که شریعت اسلام آنها را نسخ کرده است؛ زیرا شریعت اسلام نیامده است که مانند این موارد را نسخ کند.

روشن است مجسمه‌هایی که برای حضرت سلیمان (ع) ساخته می‌شد، مجسمه‌های بت و شرک نبودند؛ وگرنه در هیچ دینی و در هیچ لحظه‌ای جایز نمی‌شدند.

دلالت این آیه، بر جواز روشن‌تر است تا بر حرمت و همانند است با آنچه در قرآن، از حضرت عیسی (ع) حکایت شده است: «انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیه فیکون طیرا باذن الله»؛ «من برای شما، از گل، چیزی چون پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم؛ به اذن خدا، پرنده‌ای می‌شود.» اگر انجام این کار از جانب انسان‌ها زشت بود، خداوند به پیامبری از پیامبرانش اجازه نمی‌داد که آن را انجام دهد.

گفته نشود که این مجزه است و در خور شخصیتی چون حضرت عیسی (ع)؛ زیرا پاسخ این است که ساختن گل به صورت مجسمه پرنده، مجزه نبود، بلکه دمیدن و تبدیل مجسمه، با اجازه خداوند، به پرنده، مجزه بود.

چگونه خداوند از مردم می‌خواهد که به شگفتی‌های آفریده‌ها و به آفرینش دقیق و استوار، که در همه آفریده‌ها جلوه‌گر است، بیندیشند و بنگرند تا به ایمان به خداوند و یگانگی او دست یابند و سپس تصویرگران را از به تصویر کشیدن این چیزها یا نقاشی را از نقاشی و مجسمه‌سازان را از ساختن مجسمه آنها بازمی‌دارد؟

آیا تمام اینها ستایش آفریدگاری خداوند و جلوه‌گر ساختن زیبایی‌ها به قلم موی هنرمند و ابزار پیکرتراش نیست؟

آیا تمام اینها با بیان شگفتی‌های آفرینش خداوند به وسیله شعر که خود نیز هنر است، فرق می‌کند؟ اینها جز گفت‌وگو با عاطفه و احساسات نیست که یا از راه شنوایی صورت می‌گیرد، هرگاه شعر و نثری بگویید، یا از راه تصویر حاصل می‌شود، اگر نقاشی و مجسمه‌سازی و صورت‌نگری کنید و از راه چشم پدید می‌آید، اگر در زمین سیر و درنگ کنید. ■

تمثیل‌نگری و استعاره‌گرایی



رضا صابری

در فضای کنونی فرهنگی و دینی جامعه ما توجه به مضامین دینی در حوزه هنرهای نمایشی، باید از اهم توجهات هنرمندان تئاتر کشور محسوب شود. با یک برآورد جدی و پژوهشی، هنرمندان ما در این زمینه‌ها، بیش از سایر مضامین اجتماعی دستشان باز است؛ اما روش برخورد و بهره‌برداری از دریای مضامین دینی به پژوهش، تحقیق و خلاقیت‌های فردی نیاز دارد. از آنجا که هنر نمایش از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فراوانی برخوردار است؛ بنابراین در طرح هر نوع دستمایه برای پرداختن به بن‌مایه‌های دینی، به‌ویژه عنایت به تاریخ گرانقدر اسلام که هر گوشه‌اش قهرمانان و شخصیت‌های برجسته‌ای است، می‌توان با درایت و دریادلی و بنا به معتقدات و باورهایی که هنرمندان اساساً به این نوع مضامین دینی و انسانی دارند، آثار برجسته و فاخری در این حوزه خلق کرد و به تماشای عموم مردم گذاشت. یکی از نکاتی که در این باره وجود دارد و ما متأسفانه در این سال‌ها از آن غافل بوده‌ایم، بهره‌برداری تئاتر دنیا از قهرمانان و شخصیت‌های

برجسته است و آثار ماندگار و با طراوتی از نویسندگان و درام‌نویسان صاحب‌نام جهان برجای مانده؛ اتفاقی که متأسفانه درام‌نویسان ما کمتر به آن پرداخته‌اند؛ با وجود اینکه تاریخ پرّخم و خیز اسلام، مملو از شخصیت‌های برجسته‌ای است که هر کدام از آنها می‌توانند، به چند اثر ماندگار نمایشی تبدیل شوند و به گنجینه ادبیات نمایشی ایران که از فقر متن و مضامین انسانی محروم است، افزوده بشوند.

قهرمانان و شخصیت‌های صاحب‌نام جهان اسلام و نیز کتبی که درباره وقایع و اتفاقات شاخص و در ابعاد گوناگون پژوهش و مکتوب شده‌اند، گنجینه‌ای ارزشمند است که با نهایت تأسف و هنرمندان و به‌ویژه درام‌نویسان ما از این همه غنای انسانی و تاریخی غافل مانده‌اند یا شرایط برای پرداختن به این همه مضامین و بن‌مایه‌های نمایشی مهیا نبوده است و یا هنرمندان ما در سایر زمینه‌ها چنان درگیر بوده‌اند که به خلق این نوع آثار موفق نشده‌اند.

مقصود من از شرایط همان است که حساسیت بیش از حد، معتقدات و باورهای دینی و مذهبی ما، متأسفانه مجال را از آنها گرفته است.

شخصیت‌های برجسته دینی ما به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته امامان معصوم (ع) هستند که طرح آنها اساساً برای سینما و تئاتر مذموم تلقی شده است و به احتمال بسیار زیاد کسی برای پرداختن به آنها جرئت ندارد و هنرمندان در ورود به زندگی امامان معصوم (ع) با ترس و احتیاط برخورد کرده‌اند؛ یا اینکه برای ورود هنرمندان به چنین فضایی اجازه داده نشده است.

در کنار امامان معصوم (ع)، شخصیت‌های نافذ، شاخص و تعیین‌کننده‌ای وجود دارد که مجال پرداختن به آنها فراهم است؛ اما بازهم ادبیات نمایشی ما با نهایت تأسف، خالی از این لطف است.

با چنین وضعیتی من فکر می‌کنم که پرداختن به دستمایه‌های دینی و مذهبی و یا نشان دادن امامان معصوم (ع) به منزله آسوه‌ها و الگوهای انسانی و آسمانی به خلاقیت‌های فردی هنرمندان

بستگی دارد.

خوشبختانه در تئاتر به واسطه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه‌ای که دارد، امکان پرداختن به هر کدام از این شخصیت‌ها و مضامین و موضوعات وجود دارد که بشود با زبان امروز و با نمادهای آشنا و در قالب تمثیل و استعاره به جنبه‌های پنهان و آشکار چهره‌های نام‌آشنای دین جهان شمول اسلام پرداخت و به زیباترین و چشم‌نوازترین صحنه‌های لطیف انسانی، به جهان تشنه امروز که پیام‌های اخلاقی و آسمانی را نیازمند است و متأسفانه در چرخه سرسام‌آور فناوری گرفتار شده و از اخلاق و عواطف انسانی فاصله گرفته است، یاری رساند و من فکر می‌کنم، ادبیات فقیر نمایشی ما به این متون شایسته نیازمند است.

تمثیل‌نگری و استعاره‌گرایی بهترین روش برای ورود به عرصه دستمایه‌های دینی و مذهبی است؛ اما به ظرافت و حساسیت‌های ویژه‌ای نیاز دارد. پژوهش و تحقیق، بدون تردید، مهم‌ترین وظیفه برعهده هنرمندان است.

متأسفانه یکی از نکاتی که عقب‌ماندگی تئاتر دینی ما در دهه‌های اخیر را موجب شده است، نپرداختن به موضوع تحقیق و پژوهش بوده است و عموماً نگاه هنرمندان تئاتر به این نوع مقولات، نگاه برداشتی غریزی است؛ بی‌آنکه به نکات پنهان و آشکار حوادث و اتفاقات دینی عنایت داشته باشند. در نتیجه برای نشان دادن امامان معصوم (ع) و آسوه‌ها و اسطوره‌های دینی روی صحنه نمایش، پرده سینما و قاب تلویزیون، همان بهتر که هنرمند با شناخت و اشراف لازم، تحقیق و پژوهش با عنایت بر باورها و معتقدات به این قبیل موضوعات بپردازد و ضمن اعتبار به ادبیات نمایشی ایران، راه را برای نسلی جوان‌تر هموار کند.

بار دیگر پیشنهاد می‌کنم عالی‌ترین روش برای نشان دادن وجوه اخلاقی و انسانی شخصیت‌های شاخص جهان اسلام و تاریخ پر بار اسلام، باید به تمثیل و استعاره و نمادگرایی پناه برد. ■

چگونگی تصویر ائمه (ع) در تئاتر

أَنَا بَشَرٌ مِثْلَكُمْ...

شاید بتوان سابقه نمایش مذهبی شیعی در ایران را به اجرای مجالس تعزیه پیوند زد. این هنر نمایشی-آیینی که سده‌های متمادی است در کشور به اجرا درمی‌آید، در بیشتر نسخ خود، به حوادث و ماجراهای مربوط به ائمه معصوم (ع) می‌پردازد و همچنان نیز برپاکندگان، پژوهشگران و مخاطبان خود را دارد؛ اما در تئاتر، به معنای غربی آن، حضور امامان معصوم (ع) با محدودیت‌هایی روبه‌روست که یکی از آنها حضور فیزیکی ائمه (ع) است و اینکه براساس فتاوی علمای دینی و در نظر گرفتن «حفظ حرمت ائمه (ع)» و «برقراری ارتباط با مخاطب» به چه صورت باید باشد. نظر برخی هنرمندان تئاتر را در این مورد جویا شدیم.

و محسوس به درام وارد شود، باید خصلت‌هایی به خود بگیرند و خود را با ساختار درام هماهنگ کند.

دژاکام توضیح می‌دهد که درام، قهرمان و ضد قهرمان دارد و زمانی که این دو روبه‌روی هم قرار می‌گیرند، اگر تجسد داشته باشند و دیده شوند، بهتر می‌توانند، از مواضع عقلانی خود دفاع کنند و می‌گویند: «حیطه هنر تئاتر، عقلانیت است و به همین دلیل ما به کسانی نیاز داریم که این عقلانیت را بگویند، زندگی و آن را در وجه مثبت خودش رؤیت‌پذیر کنند.»

وی اظهار می‌کند: «اگر ما به زندگی امامان (ع)، رویکرد تاریخی و دقیق داشته باشیم و آنها را در مسیر داستان‌ها به همراه رنج‌ها و سختی‌هایی که تحمل می‌کنند، ببینیم، می‌توان از آنها دفاع کرد و آنها را بررسی نمود. اصلاً شاید لازم باشد، به خودمان «فرستاده» و «بنده» بودن پیامبر (ص) را که در هر نماز شهادت می‌دهیم، یادآوری کنیم. «فرستاده» بودن به بخش عبادی ناظر است و «بنده» بودن نیز به تجسم خاکی و هیبت انسانی اشاره دارد.»

این نویسنده و کارگردان تئاتر، رسیدن به این مفاهیم را به تلاش نیازمند می‌داند و معتقد است، می‌توانیم حضور فیزیکی ائمه معصوم (ع) را در یک چرخه عقلانی داشته باشیم «هرچند که می‌دانم، ممنوعیت‌هایی در این مورد وجود دارد.»

وی البته این ممنوعیت‌ها را بیشتر زائیده ذهن هنرمندان می‌داند و می‌گوید: «در بین هنرمندان تئاتر این فکر وجود دارد که نمایش چهره و فیزیک ائمه (ع) ممنوع است و برحسب آن نیز فعالیت می‌کنند؛ اما اگر فتوای شرعی درباره حرمت این

هانیه خاکپور

می‌گوید: «ما در فعالیت‌های عبادی خودمان که یکی از آنها تعزیه است، حضور فیزیکی ائمه (ع) را داشته‌ایم.»

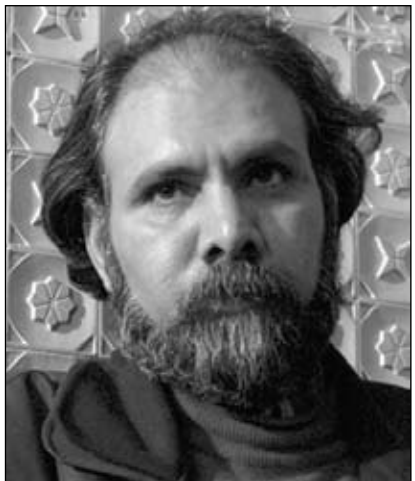
وی درباره امور عقلانی بیان می‌کند: «امور عقلانی با چون و چرا و دلیل و برهان و تجربه همراه هستند که یا باید استدلال عقلانی برای آنها داشت یا مصداق تجربی داشته باشند و در شرایط آزمایشگاهی تکرارپذیر، سنجش‌پذیر و دیدنی باشد.»

دژاکام می‌افزاید: «ورود به حوزه زندگی امامان (ع) به این دلیل است که بخشی از نیازهای ما در امور متعالی یا امور طبیعی پاسخ داده شود؛ پس رویکرد ما نسبت به ایشان باید پاسخ‌های محسوس و سنجش‌پذیری داشته باشد که هر دو در امور مادی تبلور دارد.»

وی نمایش این «تبلور» را از طریق یک داستان با ابعاد عقلانی، محسوس و درک‌شونده ممکن می‌داند و اضافه می‌کند: «اگر بپذیریم، امور طبیعی و متعالی باید با ویژگی‌های سنجش‌پذیر

امیر دژاکام، نویسنده و کارگردان تئاتر است.

وی آثاری همچون «ملکه جنیان»، «غزل کفر»، «میر عشق»، «منطق الطیر سلیمانی» و «دزداب» را نوشته یا کارگردانی کرده است.



دژاکام:

لزوم حضور فیزیکی ائمه معصوم (ع) در یک چرخه عقلانی

امیر دژاکام معتقد است که لازم است امامان (ع) بر روی صحنه نشان داده شوند. وی با تقسیم‌بندی امور به دو دسته «عقلانی» و «عبادی» توضیح می‌دهد که امر عبادی، امری است که به ایمان مربوط است، روبه‌روز می‌تواند محکم‌تر بشود و یا حتی اتفاقاتی باعث شود، از بین برود. بخشی از مراسم دینی ما امور عبادی هستند. دژاکام

■ امیر دژاکام:

در بین هنرمندان تئاتر این فکر وجود دارد که نمایش چهره و فیزیک ائمه (ع) ممنوع است و برحسب آن نیز فعالیت می‌کنند اما اگر فتوای شرعی درباره حرمت این کار وجود ندارد باید حکم رسمی یک فقیه وجود داشته باشد ■

کار وجود ندارد، باید حکم رسمی یک فقیه وجود داشته باشد.»

دژاکام درباره تعامل بین هنرمندان و علمای دینی می‌گوید: «دو نظر درباره تجسم بخشی به امامان (ع) وجود دارد؛ یکی آنکه اگر به این بزرگان و روحانیان تجسد دهیم، جنبه زمینی پیدا می‌کنند و طبیعی است که از روحانیت آنها کاسته خواهد شد. دیگر آنکه اگر این عده آن قدر آسمانی شوند که برای انسان زمینی دور از دسترس باشند، فراموش خواهند شد.»

در نظر گرفتن وجوه زمینی بدون فراموشی کردن وجوه آسمانی

وی معتقد است، باید در این امور حد وسط را در نظر گرفته شود؛ یعنی وجوه زمینی ایشان را در نظر بگیریم، بدون فراموشی کردن وجوه آسمانی‌شان؛ ضمن آنکه این وجه آسمانی آن قدر پررنگ نشود که هیچ انسانی به آن راه نداشته باشد؛ زیرا امامان (ع) انسان‌هایی هستند که برای راهنمایی و هدایت بشر آمده‌اند.»

دژاکام درباره استفاده از شیوه «فاصله‌گذاری» تعزیه در تئاتر معتقد است: «در ابتدا باید دانست که در تعزیه به هیچ وجه فاصله‌گذاری وجود ندارد و استفاده از واژه «فاصله‌گذاری» در تعزیه غلط است. آن چیزی که در تعزیه داریم، شبیه‌سازی است که با فاصله‌گذاری فرق می‌کند.»

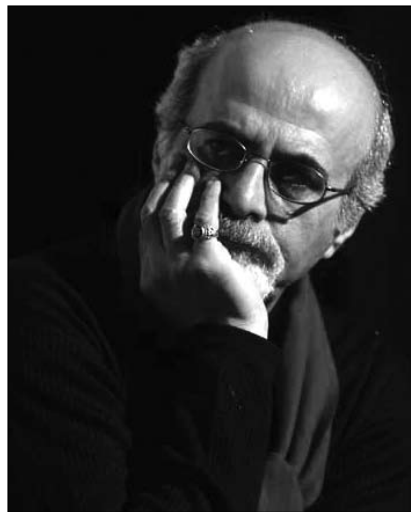
وی توضیح می‌دهد، فاصله‌گذاری یعنی ایجاد فاصله بین احساسات مخاطب و اثر تا تماشاگر دچار احساسات نشود، در حالی که آنچه در تعزیه وجود دارد، صمیمیت است و همین تحریک بیشتر احساسات مخاطب را باعث می‌شود.

نویسنده نمایشنامه «غزل کفر» با بیان اینکه «فاصله‌گذاری»، واژه‌ای متعلق به تئاتر اپیک است، تفاوت‌های «تعزیه» و «تئاتر اپیک» را برمی‌شمرد و اضافه می‌کند: «در تئاتر اپیک انسان اصلاً صاحب اصالت نیست. اصالت با اجتماع است، همه چیز در طول اراده اجتماع شکل می‌گیرد؛ در حالی که در تعزیه اصالت با انسان است. اومانسیم وجود دارد و انسان‌گرایی در طول اراده خداست. در ضمن در تعزیه غرق شدن در رویا وجود دارد که در تئاتر اپیک این کار انجام نمی‌شود.»

وی توضیح می‌دهد که آنچه در تعزیه وجود دارد، «شبیه‌سازی» است و «فاصله‌گذاری» در تعزیه، واژه اشتباهی است که متأسفانه سالیان سال گفته شده است؛ در حالی که «ما نمی‌توانیم، از هر اصطلاح و عبارتی به هر منظوری استفاده کنیم. نمی‌توانیم «فاصله‌گذاری» را هم برای تعزیه و هم «تئاتر اپیک» به کار ببریم. اگر می‌خواهیم بگویم که بازیگر تعزیه، نقش اشقیاء و اولیا را به عینه بازی نمی‌کند، درست است؛ اما اسم آن فاصله‌گذاری نیست.»

دژاکام ادامه می‌دهد: «در تئاتر می‌توان از تکنیک شبیه‌سازی استفاده کرد. بازیگر، شبیهی را بازی می‌کند و صورتش هم دیده می‌شود و تماشاگر حس و حال‌های وی را می‌بیند؛ اما چنین تکنیکی به همذات‌پنداری منجر می‌شود.»

بهرروز غریب‌پور، نویسنده و کارگردان تئاتر است که چندی پیش «اپرای عروسکی عاشورا» را به روی صحنه آورد که جدیدترین نمونه از این حیث به شمار می‌آید.



غریب‌پور:

راه حل، نمونه‌سازی است

بهرروز غریب‌پور موضوع «حضور فیزیکی ائمه (ع) در کارهای نمایشی» را بسیار مهم و بخرنج می‌داند و پاسخ هنرمندان را در این مورد تعیین‌کننده نمی‌داند و معتقد است، این نیاز وجود دارد که هنرمندان با برگزاری جلسه‌ها و ارائه دلایل به مراجع تقلید، فتاوی مقبول و مطلوب را دریافت کنند.

وی همچنین به این نکته اشاره می‌کند که قرن‌هاست، تعزیه‌خوان‌ها که نمایش‌هایشان به‌طور عمومی با محوریت زندگی ائمه (ع) و حضور خود آنها بر صحنه اجرا می‌شود، نتوانسته‌اند که یک فتوای راه‌گشا از مراجع محترم اخذ کنند.

غریب‌پور دلیل این امر از سوی مراجع را

■ بهروز غریب‌پور:

مسئولانی که دغدغه دارند

متوجه هستند

که اگر نتوان قصص قرآن

یا پیامبران (ع) یا ائمه (ع) را نشان داد

در حقیقت با زبان امروز

زندگی ایشان بیان نشده

و محکوم به فراموشی است ■

این‌گونه توضیح می‌دهد: «مراجع این دغدغه را دارند که مبدا هتک حرمتی صورت بگیرد و (ناتوان‌ها) از معصومین و ائمه (ع) چهره‌های نامطلوبی ارائه کنند.» و پیشنهاد می‌دهد: «راه حل میانی نمونه‌سازی است.»

وی درباره نمونه‌سازی توضیح می‌دهد: «نمونه‌سازی یعنی اینکه اثری جامع و کامل با همکاری یک کارگردان و نیروی هنری مورد قبول ساخته شود تا نظریات بر اساس آن صادر و دیالوگ برقرار شود؛ یعنی چیزی وجود داشته باشد که راجع به آن صحبتی انجام شود؛ زیرا اگر وجود نداشته باشد، بر اساس تصوراتشان می‌گویند: «اصلاً نباشد.»»

غریب‌پور به فیلم «گاو» اشاره می‌کند که پس از ساخته شدن، باعث شد سینما مورد پذیرش قرار بگیرد و «اپرای عاشورا» را مثال می‌زد که راه را برای بیان سوزهای مذهبی صرف از طریق شیوه عروسکی باز کرد.

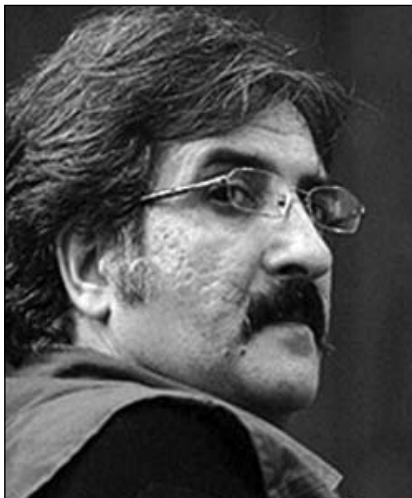
وی البته حمایت مسئولان فرهنگی از هنرمندان را برای تولید کارهایی جدید و متفاوت ضروری می‌داند و می‌گوید: «مسئولانی که دغدغه دارند و متوجه هستند که اگر نتوان قصص قرآن یا پیامبران (ع) یا ائمه (ع) را نشان داد، در حقیقت با زبان امروز زندگی ایشان بیان نشده و محکوم به فراموشی است؛ در نتیجه با هنرمندی که می‌تواند این نظر را متجلی کند، رایزنی می‌کنند، سرمایه و بودجه در اختیارش می‌گذارند و نمونه‌سازی انجام می‌شود.»

نویسنده و کارگردان «اپرای عروسکی عاشورا» تکنیک «فاصله‌گذاری» را که در تعزیه استفاده می‌شود، برای سینما پاسخگو نمی‌داند و البته تصریح می‌کند که «در تکنیک فاصله‌گذاری نیز بازیگر باید در لحظاتی از اجراء، چهره و حالت معصوم (ع) را ایفا کند؛ مگر در تعزیه جز این عمل می‌کنند؟»

وی درباره چرایی نمایش چهره پیامبران (ع) بدون اعمال محدودیت فیزیکی پاسخ می‌دهد: «برای جواب این پرسش باید به سراغ مسئولان فرهنگی بروید؛ اما در یک کلام اعتقاد دارم که حفظ حرمت و قداست در روایت زندگی ائمه (ع) و پیامبران (ع) در صدر ارزش‌های یک اثر، چه تئاتری، چه تلویزیونی و چه سینمایی است.»

غریب‌پور اضافه می‌کند: «بی تردید باید ابعاد قدسی ائمه (ع) نمایش داده شود؛ مثلاً فیلم «انجیل به روایت متی» ساخته پازولینی، با اینکه کارگردانی مارکسیست-فرویدیست دارد؛ اما زیباترین مسیحی طول تاریخ سینما را نمایش می‌دهد و چنان زمینی-آسمانی بودن حضرت مسیح (ع) را نمایش می‌دهد که بیننده او را با تمام ابعاد متفاوتش می‌پذیرد.»

علیرضا نادری، نویسنده و کارگردان تئاتر است که سال پیش نمایش «کوکوی کبوتران حرم» را بر روی صحنه داشت.



نادری:

هنرمندان بلندن چگونه امام خود را نمایش دهند

نادری به دیالوگی در «مجلس ضربت زدن» بهرام بیضایی که می‌گوید: «کسی که تصویرش نیست؛ درحالی که تصویر دشمن او هست، حقی از وی ضایع می‌شود.» از چگونگی وضع موجود در نمایش چهره ائمه (ع) انتقاد می‌کند و اظهار می‌کند که وقتی بازیگران با دیوار حرف می‌زنند، نمی‌توان از مخاطب انتظار داشت، قبول کند، اینان در حال صحبت با امام (ع) هستند.

نادری با بیان اینکه تاکنون به این مسئله فکر نکرده است، می‌گوید: «برای چنین موضوعی نظر مراجع، مرجع قرار می‌گیرد که به نظر من چنین اجازه‌ای نمی‌دهند. در چنین شرایطی هنرمند به طور کل از ذهن خود پاک می‌کند که امامی را بر روی صحنه نشان دهد.» و ادامه می‌دهد: «مشکل باید از آن طرف و نزد روحانیان طراز اول حل شود و در این صورت مشکلی نزد هنرمندان برای ارائه وجود نخواهد داشت.»

وی در مورد نمایش ائمه (ع) در تئاترها می‌گوید: «هنرمندان با امامان (ع) هم مانند یک کاراکتر برخورد خواهند کرد؛ زیرا تئاتر اصولاً از مقوله خرد و عقل و تجسم است و هنرمند آرتیستی که در حیطة تئاتر کار می‌کند، می‌فهمد و بلد است که امام (ع) را چگونه باید نشان دهد.»

وی می‌گوید: «ائمه معصوم (ع) انسان‌های عادی‌ای بودند که با کوشش به مراتب بالایی دست پیدا کرده بودند و البته فره ایزدی هم داشتند؛ همچنان که پیامبر (ص) می‌گوید: «انا بشر مثلکم یوحی الی...» ■

مسافراستانه می‌گوید: «کسی نمی‌تواند جایگزین شخصیت ائمه معصوم (ع) در روی صحنه شود؛ اما در قالب فاصله‌ای که بین بازیگر و آن نقش به وجود می‌آید، می‌توان آن را اجرا کرد که ممنوعیت شرعی ندارد و می‌تواند تأثیرات ویژه خودش را بر روی مخاطب داشته باشد.»

به ممنوعیت نمایش امامان (ع) قائل نیستیم اما باید راهکار پیدا کرد

مسافر آستانه استفاده از این تکنیک را بسته به خلاقیت هنرمند می‌داند و در مورد کاربردنداشتن گسترده این تکنیک در نمایش‌های با محوریت ائمه معصوم (ع) می‌گوید: «نگاه هنرمندان نسبت به چنین موضوعی، برگرفته از فرهنگ عامه است و با این نگاه به تولید نمایش دست می‌زنند؛ بنابراین چون این ممنوعیت شرعی برای نمایش چهره بزرگان، وجود دارد، احتیاط می‌کنند و تحقیق و پژوهش زیادی در این باره انجام نمی‌دهند.»

وی اضافه می‌کند: «باید دانست که نمایش به چه علومی نیاز دارد؛ مثلاً در حوزه نمایش دینی، لازم است که هنرمندان پژوهش عمیق دینی در اختیار داشته باشند که نظر فقها و مراجع در آن مطرح شده باشد؛ زیرا ما متخصص فقه نیستیم، همچنان‌که برای تولید نمایش‌های اجتماعی، باید نظر جامعه‌شناسان را در اختیار داشته باشیم؛ بنابراین اینکه هنرمند تئاتر بخواهد، تنها با تکیه بر تخصص تئاتری خودش، بدون مطالعه عمیق نسبت به مسائل مذهبی و تاریخی، کاری را روی صحنه ببرد، با وجودی که آن کار ممکن است به لحاظ فنی زیبا باشد؛ اما به لحاظ محتوایی نمی‌تواند عمیق باشد.»

کارگردان «در قاب ماه» محدودیت‌نداشتن برای نمایش چهره پیامبران دیگر را به دلیل نبود محدودیت در سایر ملل و کشورها می‌داند و می‌گوید: «طبیعی است، سایر مسلمان‌ها نیز همان چیزی را که به نام فرهنگ عمومی در تمام دنیا رایج است، استفاده می‌کنند و اینکه برخی را نشان می‌دهیم و برخی را نه، هم بحث شرعی را در پی خود دارد و هم بحث عرفی را؛ با این حال من به در نظر گرفتن ممنوعیت برای به نمایش درآوردن هیچ‌کدام از بزرگان دینی و مذهبی معتقد نیستم و فکر می‌کنم باید راهکار لازم را پیدا کرد.»

■ علیرضا نادری:

وقتی بازیگران

با دیوار حرف می‌زنند

نمی‌توان از مخاطب انتظار داشت

قبول کند

اینان در حال صحبت با امام (ع) هستند ■

حسین مسافراستانه، کارگردان و نویسنده نمایشنامه‌هایی همچون «غزل کفر»، «در قاب ماه»، «خورشید کاروان» و «وقتی زمین نان می‌شود» است.



مسافراستانه:

با «فاصله‌گذاری» می‌توان ائمه (ع) را نمایش داد

حسین مسافراستانه «حضور معنوی» و «فاصله‌گذاری» را به مثابه دو راهکار برای محدودیت به نمایش درآوردن چهره ائمه معصوم (ع) برمی‌شمرد. وی حرمت‌ها و ممنوعیت‌های مشخص و روشن برای حضور فیزیکی ائمه (ع) در صحنه را می‌پذیرد و معتقد است که «به لحاظ باورهای مذهبی و نیز حرمت‌هایی که در این مورد وجود دارد، قطعاً نمی‌توانیم بازیگری را در جایگاه امامان (ع) روی صحنه بیاوریم؛ اما این‌طور نیست که نمی‌توانیم درباره زندگی ایشان کاری انجام دهیم.»

مسافراستانه وجود دو نوع نگاه در هنرمندان را در گذر از این موانع مؤثر می‌داند؛ اول اثر معنوی ائمه (ع) در نمایش بدون حضور فیزیکی آنها روی صحنه است؛ یعنی به شخصیت معنوی ائمه (ع) در قالب آثار و نشانه‌هایی که از ایشان داریم، می‌پردازیم.

وی راه دوم را استفاده از تکنیک نمایشی فاصله‌گذاری می‌داند و توضیح می‌دهد که این شیوه از قدیم برای ما گذاشته شده است و بین نقش و بازیگر، فاصله‌ای قرار می‌دهد و می‌افزاید: «با استفاده از این تکنیک، ما بازیگر را روی صحنه خواهیم داشت و نه آن شخصیت معصوم (ع) را. بازیگری که قرار است با یک طرفند نمایشی، نقش‌پوشی کند؛ مثلاً در تعزیه، نقش اباعبدالله (ع) را داریم و مخاطب می‌داند که این تعزیه‌خوان است که شبیه امام حسین (ع) را برای ما می‌خواند؛ نه اینکه بخواهد نقش وی را بازی کند و این دو معنای متفاوت دارد.»

«فاصله‌گذاری» داشتن و نداشتن

علیرضا سعیدی

در مورد این فاصله‌گذاری‌هاست. برخی از این صاحب‌نظران تعبیر غلطی از فاصله‌گذاری‌ها کرده و از آنها به مثابه قدرت شبیه‌خوانی در باورپذیر ساختن کنش یا واکنش‌ها یاد می‌کنند؛ برای مثال استفاده از تشبیه آب به جای رود فرات را از سوی تماشاگر پذیرفته شده می‌دانند و این باورپذیری را ناشی از قدرت شبیه‌خوانی در باورپذیر ساختن ناممکن‌ها ذکر می‌کنند. باید توجه داشت که هیچ تماشاگری چنین تصویری را باور نخواهد کرد، بلکه خاص بودن تماشاگر تعزیه که آن‌هم جای بحثی مفصل را می‌طلبد و از حوصله این سیاهه خارج است، معطوف شدن به مهمی دیگر را شکل می‌دهد که آن مهم، دریافت شالوده نمایش و در نهایت رسیدن به کاتارسیسم یا همان تزکیه است.

چه استفاده از فاصله‌گذاری در شبیه‌خوانی هدفمند بوده و چه هدفمند نبوده باشد، این تکنیک سال‌هاست که در دل تعزیه تولد یافته و این نمایش را شناسنامه‌دار و هدفمند کرده است. این تکنیک همانی است که ما از صدها سال پیش داریمش و از آن استفاده کرده‌ایم، بی‌آنکه به آن توجه کنیم؛ اما در آن سوی مرزها، برشت در شکلی محدودتر آن را قانونمند می‌کند و تئاتر حماسی، انقلابی می‌شود در تاریخ تئاتر جهان. ■

زمانی که برتولت برشت، شاعر نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان شهیر آلمانی تئاتر ایبیک یا تئاتر حماسی را که بنیانش، بیگانه‌سازی تماشاگر از اتفاقات صحنه نمایش و پرهیز از هم‌ذات‌پنداری او با احساسات کاراکترهای نمایش یا همان فاصله‌گذاری بود، پایه‌گذاری می‌کرد، بسیار آن‌سوتر و صدها سال پیش از او در ایران تکنیک بیگانه‌سازی یا فاصله‌گذاری در نمایش سنتی شبیه‌خوانی تکامل یافته بود.

برخی پژوهشگران عرصه نمایش معتقدند که برشت در پایه‌ریزی تئاتر حماسی، وام‌دار تعزیه بوده است؛ اما بررسی‌های دقیق، ثابت کرده است که چنین فرضی از واقعیت دور است و تشابه تئاتر برشت و تکنیک‌هایش با شبیه‌خوانی (تعزیه) اتفاقی بوده است.

فاصله‌گذاری یا بیگانه‌سازی که اساس تئاتر حماسی را تشکیل می‌دهد، استفاده از کنش یا واکنش‌هایی توسط بازیگران نمایش است که به صورت عمدی صورت می‌گیرد تا از هم‌ذات‌پنداری تماشاگر با شخصیت‌های قصه، جلوگیری کند و باور او را از واقعی بودن آنچه بر صحنه نمایش می‌بیند، دور سازد. این اتفاق با هدف از بین رفتن هوشیاری تماشاگر از موقعیتی که در آن قرار دارد و سوق دادن او به مسیر تفکر و تعقل درباره پیام نهفته در اثر، شکل می‌گیرد.

اینها چیزهایی است که برتولت برشت، هوشمندانه بدعت نهادشان و از آنها به منزله شالوده تئاتر ایبیک یاد کرد؛ اما در شبیه‌خوانی یا همان تعزیه هیچ سند مستدلی برای جرای استفاده از فاصله‌گذاری یا بیگانه‌سازی وجود ندارد و قاطعانه نمی‌توان گفت تعزیه‌سازان که اوج حیانتشان در دوره قاجار بود با چنین هدفی از چنین تکنیک‌هایی استفاده کرده‌اند.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن نظام‌مندی موجود در شیوه اجرایی این نمایش دیرین ایرانی، چنین پیش‌فرضی را به راحتی نمی‌توان انکار کرد، استفاده از تشبیه فلزی آب به جای رود فرات، طی کردن مسیرهای بسیار کوتاه با معنی طی طریق از شهری به شهر دیگر، حضور همیشگی معین‌الکاء با لباسی متفاوت با لباس سایر شخصیت‌های نمایش و نظارت مستقیم و آشکارا و در اجرای نمایش تا جایی که باید و نبایدهایی را وضع می‌کند، اجتناب‌نکردن شبیه‌سازان از ابراز احساسات واقعی و آشکار خود که گهگاه تا گریستن شخصیتی مانند شمر بر مظلومیت سیدالشهدا (ع) هم پیش می‌رود، استفاده از واژه‌ها و جملاتی که با در نظر گرفتن موقعیت نمایشی شخصیت که با رئالیزم موجود در دیگر شیوه‌های اجرایی فاصله فاحش دارد و ... همه و همه بیگانه‌سازی یا همان فاصله‌گذاری در تعزیه است. گستره فاصله‌گذاری در تعزیه آن قدر نامحدود است که متن نمایش را بر کاغذهایی به نام «نسخه» می‌نویسند و شبیه‌سازان زحمت از حفظ گفتن دیالوگ را هم به خود نمی‌دهند و یا در دست گرفتن این نسخه‌ها، دیالوگ‌ها را که منظوم و به شعر هستند، باز می‌گویند.

این گستره تا جایی پیش می‌رود که ریزترین و دور از ذهن‌ترین اتفاقات این نمایش را می‌توان به مثابه فاصله‌گذاری برشمرد. در کنار مجلس نشستن بازیگران و یا شبیه‌سازان نمایش در لحظاتی که حضورشان در صحنه لازم نیست، از این نمونه است؛ اما نکته دیگر در این مورد تعبیر غلط برخی صاحب‌نظران عرصه نمایش





جستجو...!

نیز از آن برخوردارند؛ ظاهری و زندگی معمولی. سینماگر امروز دنیا نیز بیشتر از این، از ائمه (ع) نمی‌فهمد؛ درحالی‌که ارزش و عظمت ایشان به درونشان است و آن چیزهایی که به چشم سر دیده نمی‌شوند.

وی می‌گوید: «ما عادت کردیم، تنها چیزهای ظاهری را ببینیم؛ درحالی‌که معنویات با چشم هم دیدنی می‌شود؛ ما باید معنویات را ببینیم، در این حالت است که می‌توان ائمه (ع) را به تصویر کشید؛ اما اگر نتوانستیم معنویات را ببینیم، ائمه (ع) را شبیه خودمان تصویر می‌کنیم.»

وی با این حال نگاه فرازمینی به امامان (ع) را رد می‌کند و توضیح می‌دهد، سینماگر باید عمق وجود ائمه (ع) را درک کند. سینماگر باید ایمان و تأثیرگذاری امامان (ع) بر روی سایر انسان‌ها را بفهمد، بداند عبادت و رابطه معنوی با خدا چیست و بعد آنها را به تصویر درآورد؛ زیرا به تصویر کشیدن اینها نیز ساده نیست.

تحقیق در زندگی ائمه (ع)

در چگونگی نمایش نقش دارد

سلحشور تحقیق و پژوهش در چنین کارهایی را در به تصویر کشیدن چهره ائمه (ع) بسیار مؤثر می‌داند و البته تأکید می‌کند که ایمان هم باید وجود داشته باشد؛ زیرا هنرمند باید به حرفی که

را بر اساس سلیقه خودشان انجام می‌دهند و اصلاً در روایات و آیات جست‌وجو یا به نظر بزرگان مراجعه نمی‌کنند؛ درحالی‌که باید شخص مرجع نظر دهد تا هنرمندان تکلیف خود را بدانند.»

وی درباره استفاده از تکنیک فاصله‌گذاری تعزیه در سینما می‌گوید: «در تعزیه، شبیه‌خوان، مرتب اعلام می‌کند، امام (ع) نیست، بلکه به جای ایشان روضه‌خوانی می‌کند و نظر علما راجع به تعزیه نیز اصلاً منفی نیست. این فاصله‌گذاری حساب فیلم را از تعزیه جدا می‌کند؛ همچنان‌که تئاتر برشت تا حدی به این مقوله نزدیک شده است؛ اما در فیلم اصلاً این‌گونه نیست و شخصیت‌ها طوری معرفی می‌شوند که گویی خود آنها هستند و وقتی کسی به جای یکی از ائمه (ع) بازی می‌کند، سعی می‌شود که مخاطبان او را باور کنند؛ بنابراین نمی‌توان از تکنیک فاصله‌گذاری تعزیه در سینما استفاده کرد.»

سلحشور معتقد است نگاه به ائمه (ع) با نگاه سینماگر امروز، هم‌خوانی ندارد؛ زیرا نگاه سینماگر امروزی، مادی، ظاهری و سطحی است و هرآنچه را که به چشمش می‌بیند، تصویر می‌کند؛ درحالی‌که عظمت ائمه (ع) به آن بخشی است که دیده نمی‌شود. آن دیدنی‌ها که از ایشان دیده می‌شود، همان چیزی است که بقیه انسان‌ها

📌 گروه هنر: هنرمندان سینما درباره چگونگی به تصویر کشیدن ائمه معصوم (ع) در سینما و تلویزیون، برای فراگیربودن این رسانه، با احتیاط بیشتری نظر می‌دهند و معتقدند که نمی‌توان نمایش ائمه (ع) در سینما یا تلویزیون را با تئاتر مقایسه کرد.

سلحشور:

نظر مراجع مهم است

فرج‌الله سلحشور، کارگردان سریال‌های «حضرت یوسف (ع)» و «مردان آنجلس» عقیده دارد که ائمه (ع) انسان‌هایی همه‌بعدی هستند؛ بنابراین نمی‌توان به صورت تک‌بعدی آنها را تصویر کرد و نیاز دارد، سینماگران به نظر علما در این باره احترام بگذارند و آن را بپذیرند.

سلحشور معتقد است، اجازه تصویر کردن چهره ائمه معصوم (ع)، حکمی شرعی است که مراجع، علما و بزرگان باید نظر دهند و انسان‌های عادی حق اظهار نظر ندارند و می‌گوید: «متأسفانه هنرمندان هیچ‌وقت برای انجام چنین کاری سراغ علما و مراجع نمی‌روند که نظر ایشان را در این مورد جویا شوند؛ بنابراین این‌گونه نمایش دادن‌ها

می‌زند و می‌خواهد بر مردم تأثیر بگذارد، ایمان داشته باشد؛ بنابراین هنرمند هم باید در این باره خوب تحقیق کند و هم به آن تحقیقات ایمان آورده باشد و بخشی از مسیری را که ائمه (ع) برای بشر ترسیم کرده‌اند، خودش رفته باشد. آن موقع است که از ایشان درکی دارد.

کارگردان سریال «یوسف پیامبر (ع)» دو شرط برای هنرمندی که قصد دارد در این حوزه فعالیت کند، برمی‌شمرد؛ یکی نداشتن عناد و مخالفت با ائمه (ع) و دیگری استفاده از محضر علما و مراجع.

وی در پاسخ به این سؤال که اگر بخواهد فیلمی با این محوریت بسازد، از چه تکنیکی استفاده می‌کند، توضیح می‌دهد که باید معصومی بطلبد تا هنرمندان بتوانند، درباره‌ی وی کار کنند و این را خود هنرمندان، وقتی راه‌ها برای ایشان هموار می‌شود یا استخاره می‌کنند، متوجه می‌شوند و می‌گویند: «در حال حاضر نمی‌دانم که چگونه

شورجه تأکید می‌کند که اگر هیچ مانع و مشکل خارجی درباره‌ی نمایش چهره‌ی ائمه (ع) وجود نداشته باشد، وی در شرایط فعلی از انجام چنین کاری خودداری می‌کند.

وی با اشاره به تعبیر «پیامبران لامپی» از سوی سیدحسین نصرالله درباره‌ی سریال‌های با محوریت امامان معصوم (ع) که ایشان را با تمهیداتی نشان می‌دادند، اشاره می‌کند و می‌گوید: «فیلمسازها به لحاظ نمایش چهره‌ی فیزیکی معصوم (ع)، دچار یک‌سری محدودیت‌هایی هستند؛ به عبارتی فیلمسازها ناگزیرند، چهره‌ی ائمه‌ی معصوم (ع) را نشان ندهند؛ بنابراین از هاله‌ی نور استفاده می‌کنند و چون چهره‌ی معلوم نبوده است، محل بحث و صحبت قرار می‌گرفت؛ زیرا برای درام‌پرداز و به‌ویژه سینماگری که با تصویر سروکار دارد، نشان‌دادن چهره‌ی اصلی و محور فیلم، نقصان و نقیصه است و نمی‌تواند احساس و عواطف شخصیت را به مخاطب منتقل کند. هرچند سینماگران ما نیز به این شأنیت

خودش اجازه نمی‌دهد، به این حیطة‌ها و حریم‌ها وارد شود.»

چه کسی نقش امام (ع) را بازی کند؟

وی با بیان اینکه علما و مراجع باید مجوز حضور فیزیکی ائمه‌ی معصوم (ع) را صادر کنند، می‌گوید: «اوایل انقلاب از امام (ره) پرسیدند که می‌توان چهره‌ی معصوم (ع) را نشان داد یا خیر؟ ایشان معتقد بودند که نشان‌دادن چهره‌ی اشکالی ندارد؛ اما چه کسی می‌خواهد این نقش را بازی کند و چگونه می‌خواهند آن را ارائه کنند. اینکه چه کسی نقش امامان (ع) را بازی می‌کند و چقدر می‌تواند در ایفای نقش خود موفق باشد و چقدر در قداست آن معصوم (ع) باقی می‌ماند، امر مهمی است.

این کارگردان سینما ادامه می‌دهد: «خود من معتقدم که در حال حاضر صلاح نیست، چهره‌ی معصوم (ع) در سینما یا تلویزیون به وسیله‌ی یک هنرمند بازی شود، زیرا هرچه باشد، برخی حریم‌هایی وجود دارد و هرکسی در ذهن خود یک سری تصاویر ذهنی از



چهره‌ی معصوم (ع) دارد؛ بنابراین چه بسا نشان‌دادن و مجسم کردن آن درست درنیاید و در باورهای مخاطبان و معتقدان به معصومین (ع) خدشه وارد کند. اگر به اختیار من باشد، من جرئت نمی‌کنم، چنین کاری را انجام دهم؛ چراکه ممکن است بعد از این کار، بازیگر نقش معصوم (ع) در فیلمی سطحی و مبتذل بازی کند که باعث شود، شأن و مقام امام (ع) شکسته شود.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا با نگاه منفی به قدرت هنرمندان در ارائه‌ی تصویر مناسب از معصومین (ع)، می‌توانیم از این کار صرف نظر کنیم، می‌گوید: «بازیگرانی که در نقش ائمه (ع) ظاهر می‌شوند، بعدها نقش‌های دیگر را نیز ایفا می‌کنند که این مسئله خلل و تشمت در باور مردم ایجاد می‌شود و این شرط اساسی و مهمی است که امام راحل (ره) فرمودند؛ البته شاید بتوان با تمهیداتی در این باره اقدام کرد؛ با این حال حرمت و حلیت آن را مراجع باید تشخیص دهند.»

شورجه درباره‌ی نشان‌دادن چهره‌ی پیامبران معتقد است، حریم به نمایش درآوردن چهره‌ی پیامبران در سینمای کشورهای دیگر شکسته شده است و به هر حال این کار انجام شده و منعی هم از جانب

نرسیده‌اند که بتوانند معصوم (ع) را آن‌طور که باید باشد و آن‌گونه که شایستگی دارد، به تصویر بکشند.»

شورجه می‌افزاید: «نمی‌دانم، واقعاً ممنوعیت شرعی وجود دارد یا نه؛ اما تا به حال کسی جرئت نکرده است، این کار را انجام دهد و معصوم (ع) را با اجزا و میمیک و آناتومی صورت به تصویر بکشد؛ حتی خارجی‌ها هم که با موضوع ائمه (ع) فیلمسازی کرده‌اند، نتوانسته‌اند، آن‌قدر به ایشان نزدیک شوند که به چهره‌ی آنها پردازند. البته چنین برخوردی فقط از نظر محدودیت نیست، بلکه نوعی احترام‌گذاشتن به اعتقادات و باورهای مسلمانان است که فیلمساز مسلمان و حتی غیرمسلمان به

این کار را انجام خواهیم داد. فعلاً برای خودم روشن نیست که اگر زمانی سراغ کار با مضمون ائمه (ع) بروم، یک لامپ روی صورت هنرپیشه روشن کنم، یا چهره‌ی ایشان را نمایش دهم یا اصلاً هیكل ایشان را نشان ندهم. همان قدر می‌دانم که ائمه‌ی ما انسان‌های چندبعدی هستند و طبیعی است ساخت فیلم درباره‌ی زندگی انسان‌هایی که با دیگران تفاوت زیادی دارند - البته نه بدان معنا که دست‌نیافتنی هستند، بلکه انسان‌های کاملی هستند - شناخت همه‌بعدی و کارگردان همه‌بعدی و شعور همه‌بعدی می‌طلبد. اینها انسان‌های معمولی نیستند که کسی بخواهد از زاویه‌ی دید خود به آنها نگاه کند و هرچه درک کرد، همان را تصویر کند. موضوع بسیار پیچیده‌ای است و به فهم مخاطب و سینماگر بستگی دارد.»

شورجه:

کسی جرئت نکرده است، این کار را بکند

جمال شورجه به نظر امام (ره) اشاره می‌کند که چنین کاری را به خودی خود دارای مشکل ندانستند؛ اما بر ضرورت داشتن ویژگی‌های خاص برای هنرمندی که می‌خواهد در قالب ائمه (ع) ایفای نقش کند، تأکید کردند.

■ سلحشور:

فعلاً برای خودم روشن نیست

که اگر زمانی سراغ کار

با مضمون ائمه (ع) بروم

یک لامپ روی صورت هنرپیشه روشن کنم

یا چهره‌ی ایشان را نمایش دهم

یا اصلاً هیكل ایشان را نشان ندهم ■

و حال در هیچ دین دیگری نیست؛ هر چند که بحث و محور اصلی همه ادیان خدای یگانه و توحید است.»

وی همچنین درباره تعامل هنرمندان و علما بر سر رفع این مسئله معتقد است که در این زمان مراجع دینی باید کاری کنند و با توجه به فضای مجازی که در تمام دنیا و در کشور ما در حال اتفاق است، نظر به روزی صادر کنند.

علی اکبری یادآوری می کند که هنرمندان دوست دارند، ائمه (ع) را نمایش دهند؛ اما باید آن راهکار را پیدا کرد و این کار ما نیست. کار علما و مراجع است و می افزاید: «به نظرم در چنین فضایی مراجع باید کمی بیشتر تأمل داشته باشند و راهکاری پیدا کنند و آن را به هنرمندان نشان دهند.»

محمود فلاح:

استفاده از تکنیک های کامپیوتری

پاسخگو نیست

محمود فلاح، تهیه کننده، در حال حاضر مشغول پروژه «مختارنامه» به کارگردانی داوود میرباقری است.

وی به میزان کمی نقش ائمه (ع) در سریال ها و فیلم های مرتبط با ایشان اشاره می کند و می گوید: «اگر امامان معصوم (ع) در کاری نقش اول را داشته باشند، نمی توانیم همایش چهره را به صورت نور و نامشخص نمایش دهیم، خوب و عالی در نخواهد آمد. در نقش های اول باید تصمیمی برای نمایش چهره گرفته شود؛ مگر اینکه نقش ها به صورت حاشیه ای کار شوند.»

فلاح توضیح می دهد، اگر شخصیتی که نقش اصلی است و مخاطب به طور مرتب با آن سروکار دارد، همواره به وسیله نور یا سیستم های کامپیوتری نشان داده شود و چهره، معلوم نباشد، خوشایند نیست و درباره راهکار آن نیز می گوید: «باید راه حلی پیدا شود که چهره نمایش داده شود و آقایان علما باید درباره این موضوع تصمیم بگیرند و تصمیماتی که می گیرند با نقش متناسب باشد.» وی ادامه می دهد: «هنرمندان مایل اند چهره امامان (ع) را نشان دهند و اتفاقی که اکنون در فیلم ها و سریال هایی با محوریت ائمه معصوم (ع) رخ می دهد، به دلیل تصمیمی است که آقایان علما صادر کرده اند.»

فلاح درباره چگونگی نمایش امامان (ع) در سریال هایی که تاکنون ساخته شده است، می گوید: «در نهایت وقتی فیلمساز ناچار باشد، چهره و فیزیک معصوم (ع) را نشان ندهد، از تکنیک هایی استفاده می کند؛ اما این شیوه ها فقط برای دفعات محدودی می تواند پاسخگو باشد و اگر بیننده بخواند به صورت مستمر چنین وضعیتی را ببیند، شاید نتواند با آن ارتباط درستی برقرار کند.»

«به تصویر درآوردن چهره ائمه (ع) پیش زمینه های زیادی می خواهد. پروژه های مختلفی باید اجرا شود و تجربه های مختلف در صحبت با مردم بیان شود که مقصود از این کار تنها فیلمسازی است و این طور نیست که فیلمساز بخواهد تعیین تکلیف کند که فلان امام (ع) به لحاظ فیزیک و ظاهر چگونه است.»

علی اکبری تأکید می کند که اگر زمینه سازی چنین کاری انجام شود، می تواند در طولانی مدت جواب بدهد.

وی اضافه می کند که برای تصویر کردن ائمه (ع)، انتخاب بازیگر بسیار مهم است؛ زیرا وقتی کسی نقش معصوم (ع) را بازی می کند و پس از آن سراغ کارها یا نقش های دیگر می رود، به نوعی قداست ایشان را در ذهن مخاطب خدشه دار می کند.

تهیه کننده «مریم مقدس» توضیح می دهد: «امامان (ع) در قلب ها نقش بسته اند و نشان دادن ایشان بسیار سخت است؛ اگر چه همچنان معتقدم که باید نشان داده شوند، راهکار آن را نمی دانم و اتفاقاً بر روی این مسئله زیاد فکر کرده ام. به نظرم اگر یک نفر تنها این نقش را در طول زندگی بازی کند و تغییر شغل دهد، شاید مسئله حل شدنی تر شود.»

وی با اشاره به بحث نبود موضوعیت قبح تصویرسازی از چهره پیامبران (ع) توضیح می دهد که تصویر کردن این پیامبران به دلیل آنکه از جانب سینماگران مسیحی و یهودی بوده است، برای طرفداران آنها عادی شده است؛ همچنان که فیلم ده فرمان در ۱۹۵۴ میلادی ساخته شد و حضرت موسی (ع) را به نمایش درآورد یا حضرت مسیح (ع) را در سینما در بیش از بیست مدل و با تیپیکال های متعدد دیده شده است.

علی اکبری ادامه می دهد: «در اسلام چنین کاری با پیامبر (ص) و امامان (ع) نشده است؛ زیرا بیشتر از آنکه موانع و محدودیت ها مطرح باشد، شاید دلی است. در میان مسلمانان و به ویژه شیعه، حرمت و قداست خاصی نسبت به ائمه (ع) وجود دارد؛ مثلاً می بینیم که در ایام محرم، حال و هوای خاصی بر شیعیان حاکم است که این شور

علما و مراجع دیده نشده است؛ زیرا شیعه اعتقادی ندارد که چهره پیامبران (ع) نشان داده نشود. بر همین اساس ما نیز مانند بقیه عمل می کنیم و البته سعی می کنیم که تصویر خوبی نشان دهیم؛ نه مثل پاره ای از فیلم های غربی قصد تخریب پیامبران (ع) یا زیر سؤال بردن آنها را داشته باشیم.»

علی اکبری:

نشان دادن چهره امام (ع)

بحث سینمایی است نه اعتقادی

محسن علی اکبری که تهیه کنندگی سریال های «مریم مقدس» و «اصحاب کهف» را برعهده داشته است و در کارنامه نیز پروژه های به سرانجام نرسیده «امام حسین (ع)» و «ابوطالب» را دارد، معتقد است سینماگر دوست دارد، چهره ائمه (ع) را در فیلم به تصویر بکشد؛ زیرا تأثیرگذاری آن بیشتر خواهد شد.

وی البته اظهار می کند که نزدیک شدن به باور ۲۵۰ میلیون شیعه در سطح جهان کار پیچیده ای است؛ زیرا هر شیعه با باور قلبی خودش به امامان (ع) اعتقاد دارد که این امر نمی تواند جنبه ظاهری پیدا کند و بنابراین رسیدن به یک تصویر واحد از ائمه (ع) و نمایش آن، همچنان نشدنی است و باید از تروکاژهای نور استفاده کرد.

علی اکبری می گوید: «البته من با این روش اصلاً موافق نیستم و دوست دارم امام (ع) را در فیلم ببینیم؛ زیرا در اینجا بحث فیلمسازی مطرح است و اینکه برای تأثیرگذاری بیشتر باید دیده شود؛ اما در شرایط کنونی مخاطبان پذیرفته اند که امام (ع) را در کارها به صورت یک نور ببینند؛ اگر چه به نظر من متخصص این کار غلط است.» وی به بازی آنتونی کوئین به نقش حمزه در فیلم «الرساله عقاد» اشاره می کند و تصریح می کند که بازی ای که چهره حمزه می کند، می تواند بر رفتار و گفتار و عملکرد برخی اقشار جامعه تأثیرگذار باشد؛ همچنان که برخی در زمان پخش هر چند به مزاح، می گفتند، عموی پیامبر (ص)، آنتونی کوئین! یعنی بازی خوب و انتخاب درست چهره، تأثیر گذاشته و توانسته است، اتفاقی را در مخاطب ایجاد کند.

باید نشان داده شوند

اما راهکار آن را نمی دانم

علی اکبری تأکید می کند، باید به دنبال اتفاقاتی از این دست در سینما و چهره پردازی از ائمه (ع) باشیم؛ اما متأسفانه در ایران، هنرمندان پس از ایفای نقش معصوم، تعهدی برای خود احساس نمی کنند و در نقش های دیگر که گاه پیش پا افتاده هستند نیز بازی می کنند که این کار غلط است و مخاطب را اذیت و تولیدکنندگان را نیز پشیمان می کند.

وی همچنین به پذیرش تصویرسازی از ائمه (ع) از سوی مخاطبان اشاره می کند و می گوید:

علی اکبری:

وقتی کسی نقش معصوم

را بازی می کند

و پس از آن سراغ کارها

یا نقش های دیگر می رود

به نوعی قداست ایشان را

در ذهن مخاطب خدشه دار می کند

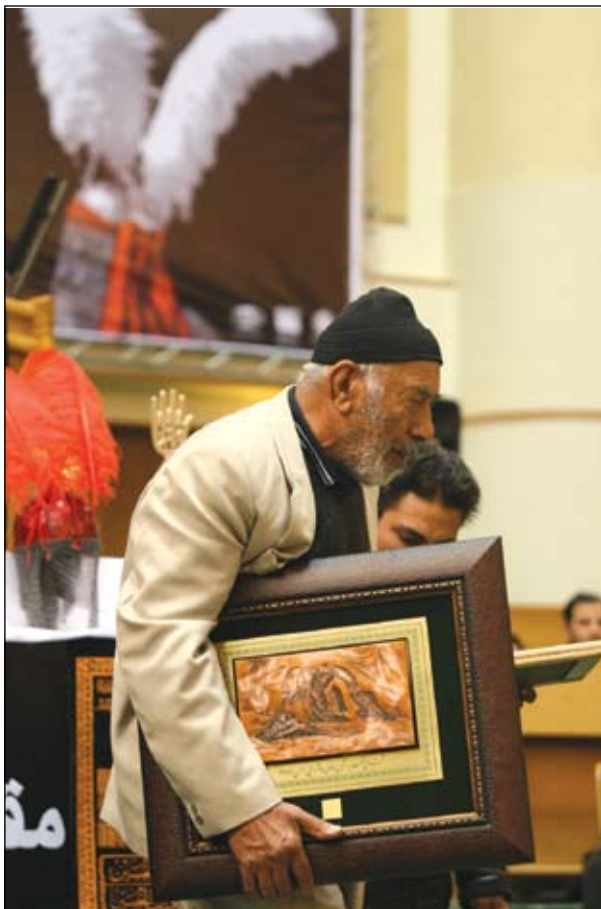
مدیریت مناسب فرهنگی

جای خالی استادان و پیشکسوتان در مراسم ثبت ملی تعزیه



سال گذشته بیست و ششم بهمن ماه، تعزیه، ثبت ملی شد. پیش‌تر در شماره ۴۴ و ۴۵ ماهنامه در شه‌ریور و مهرماه ۱۳۸۷ دربارهٔ دغدغه‌های کارشناسان و استادان مبنی بر اینکه «هیچ سازمانی به تعزیه نگاه جدی نداشته و برای احترام به یک‌چنین هنر یکتایی کار بنیادی نکرده است.» موضوعاتی را مطرح و از موضوع طرح ثبت جهانی تعزیه در مرکز هنرهای نمایشی در تابستان سال ۱۳۸۳ و پروندهٔ ثبت ملی تعزیه گزارشی ارائه کردیم.

در ادامهٔ پی‌گیری‌های خیمه دربارهٔ موضوع تعزیه در فرهنگ آئینی کشور در نشست‌هایی که با رئیس انجمن تعزیهٔ ایرانیان و مسئول ستاد تعزیهٔ ادارهٔ کل اوقاف و امور خیریهٔ استان تهران داشتیم (که گزارش این نشست‌ها را می‌توانید در سایت خیمه (www.kheimhnews.com) و شماره‌های اخیر ماهنامه پی‌گیری کنید.) به ضرورت حمایت عالمانه و منطقی از این میراث ارزشمند ملی و مذهبی تأکید کردیم.



بی‌تردید هر اقدام مفید برای ساماندهی به تعزیه و تعزیه‌خوانی، نیازمند مشاوره از استادانی است که سال‌ها دربارهٔ این موضوع تحقیق و پژوهش کرده‌اند. جای خالی بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران تعزیه در مراسم ثبت ملی تعزیه این گمان را ایجاد می‌کند که حتی بعد از ثبت ملی، شاهد تغییر و تحول جدی در روند مدیریت و ساماندهی این میراث ارزشمند نخواهیم بود و ثبت ملی تعزیه، تنها یک مراسم تشریفاتی و تبلیغاتی باقی خواهد ماند و تأثیری در بهینه‌شدن شرایط و ضوابط آن نخواهد داشت و در آینده هم شاهد نقاط ضعف و مشکلات آن خواهیم بود که امیدواریم این‌گونه نباشد.

از میان همهٔ کسانی که در مراسم ثبت ملی تعزیه جای خالی‌شان احساس می‌شد، نبودن «دکتر جابر عنصری» بیش از همه به چشم می‌آمد. عنصری بیش از ۴۱ سال در دانشگاه‌های تهران به تدریس و تحقیق پرداخته و بیش از ۴۰ کتاب نفیس در زمینهٔ فرهنگ ایران به رشتهٔ تحریر درآورده است. ایشان استادی ممتاز است و از طرف مراکز فرهنگی برای فعالیت‌های کم‌نظیر در عرصهٔ هنر تعزیه و شبیه‌خوانی، لوح ویژهٔ «پدر تعزیه» دانشگاهی ایران را دریافت کرده است.

جابر عنصری در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در اردبیل متولد شده و تحصیلات خود را تا سطح دکتری فلسفه و علوم تربیتی در ایران و کسب تخصص در انگلستان (دانشگاه لندن) ادامه داده است.

از مهم‌ترین خدمات فرهنگی ایشان، راه‌اندازی بزرگ‌ترین کتابخانهٔ تخصصی مردم‌شناسی ایران است. این کتابخانه ۲۶ هزار جلد کتاب در حوزهٔ فرهنگ ایران، سه هزار فیلم ویدیویی، اسلاید نسخه‌های نفیس تعزیه و ابزار و ادوات مربوط به آن را شامل می‌شود.

در ادامه معرفی اجمالی چند اثر از دکتر جابر عنصری و برخی کتاب‌های ایشان در قلمرو شبیه‌خوانی و تعزیه را به قلم خود آورده‌ایم:

دکتر جابر عناصری

استاد کرسی تعزیه‌شناسی
و شبیه‌خوانی دانشگاهها

دو ... صد و سی صد ساله - آماده‌ها - دانشه‌های ما که
ما به پیشان صد ساله محبت صد ساله با جاب - شده قبلی است و به نظر ریشتری
کتاب به مردم از دین غریب و داوطلب جاب که هم از نو گوید که بسوزان
خونیا و شرفان به بندید که ما غرا را بر گوید که رتا سلفی - بی‌نام
یا رساله‌ها - آلا - علمت عالم به

گیسوی حور در چنبرهٔ اهل حور

شب قتل است و مشکل باشد امشب راز دل گفتن که طفلان را ز خوف، اندر گلو فریاد می‌لرزد

نیمه‌شبی در دل سیاهی شب، آن زمان که طبل آشوب می‌زدند و زنده‌یاد استاد علی عناصری، چاووش قافلهٔ عشق بود و سرآهنگ عزا، بر طبل سینه می‌کوبید و به همراه عزاداران در گرگ و میش هوای مه‌آلود سپیده‌دم یوم عاشورا، سال ۱۳۲۴ شمسی، غم‌آواز سر داده بود و به حزن و اندوه مویه می‌کرد و دیگران واگویبه می‌نمودند که:

اصغر (ع)، شب عاشورا عطشان بود و دو دیده‌اش گریان و لب‌هایش بریان

و دخترکی شیرین‌غزل گهواره‌جنبان
این گل پرپر شده از جور خزان اشقیاء، نالان
آهسته، چفت از پشت در خانهٔ مرحوم استاد علی عناصری برداشتند و دایه، به دو دیدهٔ خونبار کودکی را به آغوش رئیس محلهٔ معمار و مسئول گروه شبیه‌خوانان آن محله سپرد که گویی این طفل نوزاد از همان لحظهٔ ولادت با باب‌الحوائج علی اصغر حریرحلقوم عهده کرده بود که از سینهٔ مادر عقیقه‌اش جرعه‌ای شیر نوشد و او (آخرین فرزند پیر قبیلهٔ عشق به آقا اباعبدالله الحسین (ع)) کربلایی علی عناصری، استاد تعزیه و نوکر بارگاه ملک پاسبان سیدالشهدا (ع) بود. قنذاقهٔ خون‌آلود این کودک که ناف‌بُرانش چند لحظه پیش انجام یافته بود، با پیکر نحیف او در آغوش پدر قرار گرفت و طرهٔ گیسوان بلندش به دست نسیم صبحگاهی پرپر شد.

استاد علی عناصری، آن شبیه‌گردان بی‌نظیر، با اشارهٔ دست از طبال خواست تا کجک^۱ بر طبل نکوبد و دوال^۲ طبل از کوبش بازماند. آن‌گاه، کودک لب‌عطشان را به روی دست‌ها گرفت و

فریاد زد: «ای ابی‌عبدالله (ع) سقش را به نام نخستین زایر بارگاه ملکوتی شما (جابر بن عبدالله انصاری) برمی‌دارم و نامش را «جابر» می‌گذارم.» چنین شد که صباهنگام «علی‌اصغر خوان» و شبیه طفل زبان باز کردهٔ مولا حسین (ع) شدم ... حدیث مفصلی است و داستان شیدایی من به «تعزیه» از همان زمان شروع شد تا آن‌گاه که شبیه علی‌اکبر گل‌جمال شدم و طرهٔ «گیسوان» آغشته به خضاب خون شبیه علی‌اکبر (ع) به چنبرهٔ شمر ستمگر افتاد ...

سال‌ها گذشت، پشت اوراق ناتمام شبیه‌نامه‌ها، مشق شب می‌نوشتم و آهسته گوشه‌چشمی به مصرع‌ها و دوبیتی‌ها و چهارپاره‌ها و بحر طویل‌ها و رجزها و ... می‌انداختم:

یکی چون تیر خولی در شکست آن قد موزونش
یکی چون کافری، شمری ستمگر تشنهٔ خونش
یکی می‌زد به تیر و ظالم دیگر به شمشیرش
ندانم زادهٔ زهرا (س) چه بود آن‌روز تقصیرش؟

زمان گذشت، اکنون ده‌ها و ده‌ها مکالمهٔ (نسخه) تعزیه فراهم دیده بودم و هنگام آن رسیده بود که بنویسم ... بنویسم که: «تعزیه حدیث معراج انسان خاکی بر بال براق عشق است به سوی سرزمین کروویان.»
بنویسم که آسمان بار امانت نتوانست کشید و

قرعهٔ فال در کربلای پرمالال به نام امضاکنندهٔ قبالهٔ عشق در عهد الست افتاد و تعزیه تذکار میثاق ابی‌عبدالله (ع) بود در یوم آفرینش که ساغر درد و بلا را در راه عشق خدا از «دست» جبرئیل، پیک امین الله گرفت و فریاد زد:

جبرئیل! رفتن در کربلا، کار من است
خوردن جام بلا، کار من است

جبرئیل! من حسینم، من حسینم، من حسین
پس مصمم شدم تا مرال و غزال قلم را در پهن‌دشت سینهٔ کاغذ به چمیدن^۳ و ژکیدن^۴ در بیاورم و نوشتم:

کتاب: مراسم آیینی و تئاتر

نخستین کتابی که دربارهٔ آیین و نمایش با نام فوق در ایران نوشته شد و مطلع و مقطع سختم در این وجیزه، سوگ سیاوش بود و سوگیاد مینو چهرگان اسطوره‌ای که:
«... مردم بخارا را در سوگ سیاوش نوحه‌هاست و ...»

آن‌سان که ابوبکر جعفر نرشخی در تاریخ بخارا نقل کرده بود ...
بنابراین از سوگیادها و سوگچامه‌ها و سوگنواها و سوگسرودها و سوگخانه‌های قلمرو اسطوره شروع کردم تا آن‌گاه که:

کتاب: تعزیه، نمایش مصیبت

را که مجموعهٔ ۳۳ مجلس شبیه‌خوانی بود، تنظیم کردم. از مرثیه‌خوانی آدم بر دردانهٔ عمرش، هابیل وجیه شروع کردم و گفتار دولت‌شاه سمرقندی در «تذکرهٔ الشعرا» را در پیشانی مطلب درج نمودم که گفته بود:

«... نخستین کس که در عالم شعر گفت: آدم بود علیه‌السلام، آن‌گاه که هابیل وجیه به‌دست

■ تعزیه حدیث معراج انسان خاکی
بر بال براق عشق است
■ به سوی سرزمین کروویان

شبهه‌نامه‌های فاخر و نفیس در اختیار دارم؛
باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است
شمشاد خانه‌پرور ما از که کمتر است

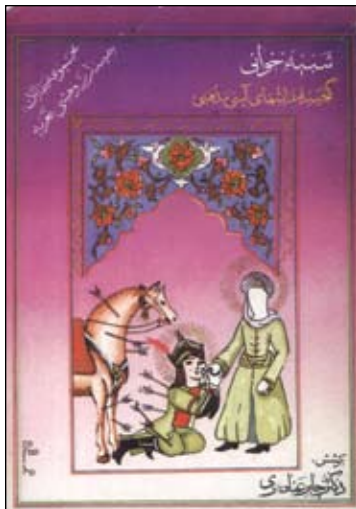
نام کامل کتاب:
فهرست توصیفی
نمایشنامه‌های مذهبی ایرانی
(مضبوط در کتابخانه واتیکان)



بهمن‌ماه سال ۱۳۷۱ «سمینار پژوهشی تعزیه»
با نظارت علمی راقم این سطور برگزار می‌شود

و سپس سه جلد کتاب تعزیه در سال ۱۳۷۲
از صاحب این قلم به چاپ می‌رسد؛ در حالی که
خبرنامه سمینار هم در چهل، پنجاه صفحه نوشته
من بود.

**معرفی اجمالی این سه جلد کتاب به
شرح زیر است:**
شبهه‌خوانی، گنجینه نمایش‌های آیینی مذهبی



با تیمور جهانگشا و گریز به شام پربلا، دارالظلم
یزید دغا و ...

چون بانگ نای و چنگ و عود
بر فلک شد ناله‌های رود رود
شامیان در شهر، هریک باده‌نوش
در برون، زن‌های بی‌کس در خروش
بی‌برادر، بی‌پدر، بی‌مادری

سربرهنه، بی‌نقاب و معجری
می‌کشید از سوز دل هر دم فغان
شمر می‌زد بر سرش چوب سنان

سال‌ها بود می‌دانستم که در روزگار وانفسای
بی‌اعتنایی به نسخ زرنشان شبهه‌خوانی، بسیاری از
این نسخه‌ها از ایران خارج و در آرشیو کشورهای
نظیر روسیه - که یغماگر اصلی و مشوق این کار،
الکساندر ادموند خوجکو بود- وابسته روسیه در
ایران؟! و سپس غارتگران ایتالیایی و آلمانی و
فرانسوی و انگلیسی و در این روزگار حاضر،
تعزیه‌شناسان؟! لهستانی-آمریکایی قرار گرفتند
... و من ...

به عشق «شبهه‌خوانی»، این دایه هنرهای
قدسی بود که از سال‌ها پیش به گردآوری و چاپ
مخطوطات و دست‌نوشته‌ها و نسخه‌های تعزیه
پرداختم و نسخه‌ای از فهرست تعزیه‌های به
یغمارفته ایرانی (موجود در واتیکان - ۱۰۵۵ سند)
را به دست‌آوردم و به زیر منقش دقت گرفتم.
همان تعزیه‌نامه‌هایی که به‌طور مسلم به بهایی
اندک خریداری شدند و در این بیع و شرای خریدار
و فروشنده، خونابه چشمان کاتبان گمنام به هدر
رفت. اجنبی سود کرد و محرمان سوخته‌دل، اشک
خون از دیدگان فرو ریختند.

درست بیست سال پیش بود که این کتاب چاپ
شد و امروز حتی یک نسخه از این کتاب به دست
نمی‌آید. در مورد تجدید چاپ، من نمی‌دانم چه
جوابی دارند؟! یعنی نیازمند دانستن هم نیستیم.
کتابی که بارها و بارها از سوی سارقان متون ...
مورد رونویسی ...

قرار گرفت و من در شأن خود ندانستم که حتی
توضیح و تذکر بدهم؛ چراکه در آرشیو و گنجینه
مدارک شخصی من، هزار هزار از این نسخه‌ها به
رامش و آرامش اتراق کرده‌اند و هر زمان که لازم
دیدم، نسبت به معرفی این نسخه‌ها اقدام کرده‌ام.
ادعا دارم که بیش از فراموشخانه آرشیو واتیکان،

■ جابر عناصری:
ادعا دارم
که بیش از فراموشخانه آرشیو واتیکان
شبهه‌نامه‌های فاخر و نفیس
■ در اختیار دارم

قابیل کره جان خسته کرد، داغ مصیبت آدم
دوچندان شد. یکی هبوط از عالم برین بر جهان
زیرین و دیگری پرپرشدن گل وجود نوبرانه
عمرش هابیل گلچهره؛ پس آدم در فراق فرزند
چندان گریست که در گودی چشمانش بحر احمر
جاری شد.

(قریب به مضمون از تذکره دولتشاه)

کتاب مزبور که مجموع نسخی را دربرمی‌گرفت
که پیش از این برخی از آنها را در جراید به چاپ
رسانده بودم، با اقبالی کم‌نظیر روبه‌رو و در
اندک‌زمان، نایاب شد.

همت از درگاه مولای عاشقان و عارفان،
حضرت ابوتراب گرفتم و این بار متدلوژی و روش
تحقیق در هنرهای قدسی را در خلعت کتابی به
نام:

کتاب: درآمدی بر نمایش و نیایش

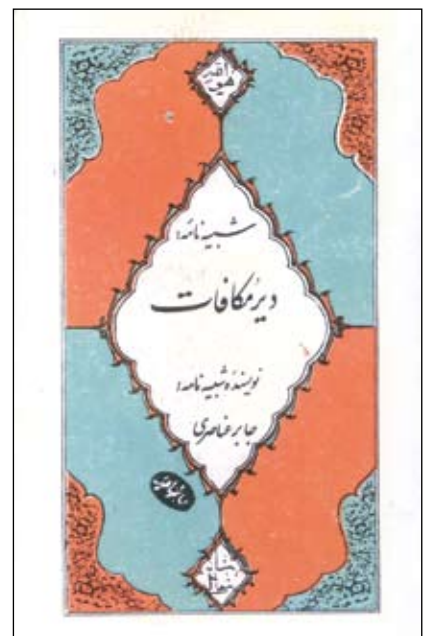
برای اهل دل تحفه آوردم.
از موسم رحیل و مراسم چاووشی‌خوانی نوشتم
تا به پرده‌گشایی وقایع عبرت‌آموز برسم و بگویم
که:

برده‌ای از عشق خواهیم کرد باز
گویم از عشق حقیقی یا مجاز

تا چشم برهم زدم، اهل نظر، این کتاب را از آینه
خانه قفسه کتاب‌ها برگرفته بودند؛ پس این نوشته
نیز تا امروز نایاب است و متن درسی دانشگاه‌های
هنر برای تدریس «شبهه‌های نمایش در ایران»
کتاب بعدی، شیرازه‌بندی شد:

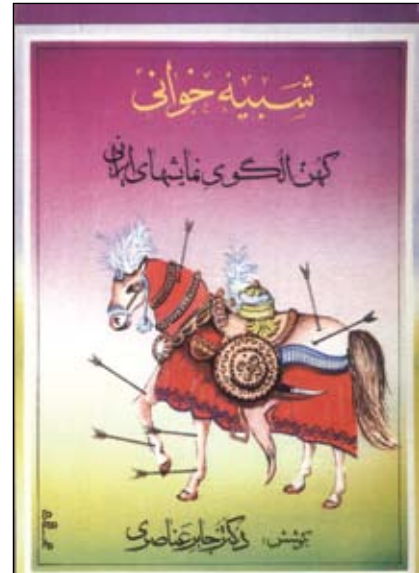
شبهه‌نامه دیر مکافات

ماجرای ملاقات حضرت حافظ، لسان الغیب،



(مجموعه مقالات ارائه شده در سمینار پژوهشی تعزیه) دربرگیرنده مطالب اساسی و متنوع و چندین مقاله به قلم من (با عناوینی مثل: شبیه خوانی، دُر یتیم نمایش های ایرانی، بحر طویل خوانی در قلمرو شبیه خوانی و ...) از لحاظ دسترسی: نایاب

شبیه خوانی، کهن الگوی نمایش های ایرانی: مجموعه مقالات دکتر جابر عناصری



در این کتاب که با کمال تأسف به کلی نایاب است، مباحث کاملاً بکر و علمی و مبتنی بر متدولوژی و روش تحقیق دقیق مطرح شده است.

برخی عناوین:

- جنبه های نمایشی شبیه خوانی در ایران
- شبیه خوانی، هنر جذبه و شیدایی
- آموزش و پرورش در شبیه خوانی
- زره پوشی، شیوه ای در نمایش رزمی در قلمرو شبیه خوانی
- موسیقی و شبیه خوانی

و ...
این کتاب متن بسیار دقیق برای تدریس در دانشگاه هاست؛ اما دروغا دریغ که: آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم

ادبیات نمایش مذهبی (معرفی هفت مجلس طرفه شبیه خوانی) هفت پرده عشق

هفت مجلس فاخر و نفیس تعزیه را در این کتاب می خوانیم:
- مجلس وفات ابراهیم، نور چشم حضرت محمد مصطفی (ص)
- ولادت قمر بنی هاشم حضرت ابوالفضل عباس (ع)



- مجلس جاخالی (حجة الوداع)
- مجلس غارت خیمه گاه حضرت حسین (ع) و ...
- واقعه حمل سر مبارک حضرت قاسم بن حسن (ع) به دارالظلم یزید
- مجلس حداد (ماجرای آهنگری که در صحرای کربلا، از بهر اشقیاء اسلحه می ساخت).
- مجلس شهادت شهزاده ابراهیم بن عبدالله بن موسی بن جعفر (ع)

از نظر دسترسی: نایاب و با وجود تذکر: «اقتباس مطالب و استفاده از طرح و تصاویر بدون اجازه کتبی مؤلف کتاب ممنوع است»، بارها و بارها این کتاب مورد دستبرد نااهلان قرار گرفته است و با پس و پیش کردن مطالب از رعایت این تذکر اخلاقی و قانونی سرباز زده اند.

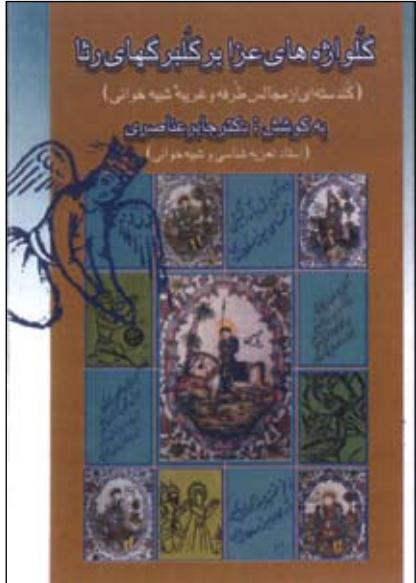
شاید بسیار کسان، از لخته بستن خون جگر انسان در دهان خشک و عطشان تصحیح کنندگان نسخه ها خیر نداشته باشند؛ اما من شاکی نیستم. عاشق از سر خود خیر ندارد؛ نه تاول های جای خوش کرده بر انگشتان را جدی می گیرد، نه گرد و غبار آرمیده در جوف این نسخه ها که نفس گیر هستند و آسیب رسان ریه ها و نه ... به هر حال کتاب دیگر آماده چاپ می شود. به پشتیبانی دنیوی مردی نیک نفس از قبیله شبیه خوانان و دوستدار تعزیه به نام آقای «عبدالرضا زارع اشکذری یزدی»

گلوآژه های عزا بر گلبرگ های رثا

(گلدسته ای از مجالس و طرفه و غریبه شبیه خوانی)
نزدیک به ششصد و چند صفحه. بار غم و خاطر خسته ما را در پیشگفتار کتاب می خوانید، به لفظ اندک و معنی بسیار:
«... حدود سی جلد کتاب آماده چاپ داشته باشی،

با سابقه نایاب شدن دست کم بیست جلد کتاب های چاپ شده قبلی ات و به انتظار بنشین که ساده مردی از دیار غریبی، داوطلب چاپ کتابی از تو شود که به سوزن خونپالای مژگان، بندبند گل واژه های عزا را بر گلبرگ های رثا بنگاری، بی هیچ یاری و همراهی؛ الا به همت عالی.»

حدود بیست و پنج مجلس نایاب تعزیه در این کتاب مندرج است و کماکان مورد دستبرد پخته خواران که



جانب ادب را هم در برابر تذکر مؤدبانه رعایت نمی کنند و من خوشحال و خوشدل که کار این تعزیه دزدان را راحت کردم و به خون جگر این نسخه ها را خریدم، تصحیح کردم، چاپ نمودم تا حضرات ...

و من با بیستی از شعر لسان الغیب حافظ خودم را تسکین می دهم:

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد کتاب دیگر امامان را می برد تا ماه ها در دل شب تا صبا هنگام چهل نسخه تعزیه را تصحیح و کتابی را شیرازه بندی کنم که:

جنگ تعزیه (از مدینه تا مدینه) مجموعه چهار مجلس شبیه خوانی

باز هم فتوت و پشتیبانی چاپی آقای عبدالرضا زارع اشکذری یزدی. تعداد صفحات، بیش از ۸۰۰ برگ. آذین یافته به طرح های زیبایی برگرفته شده از کمیاب ترین کتب چاپ سنگی. خسته نمی شوم. مرا اراده فولادین از آسمان برین و به مرحمت خدای کیهان آفرین داده شده است و به یاری مولایم علی (ع) تا دم مرگ و تا آخرین نفسی که از سینه ام برآید، به سوگندان گران، قلم را حرمت خواهم نهاد و در طریق خواندن و نوشتن دقیق زمان را نادیده خواهم گرفت و ...

و مجلس متفاوت که هر جا لازم بود، از قید الفاظ رکیک که گویا تکرار این کلمات، شیوهٔ مرضیه؟! دلگکان تعزیه فروش است، پرهیز شده است.

در این شبیه نامه، برای پیش واقعه از زبان امامزادهٔ سلطانعلی بن امام محمد باقر (ع) (در قالب مناجات) می شنویم که می فرماید:



بزرگوار خدایا، به عابد بیمار به بی نصیبی جدم، شهید قوم شرار به آن دمی که بیستند دست جدم را به ریسمان ستم، کوفیان بی پروا بکن ز مهر تو بر دوستان ما احسان به روز حشر بیر شیعیان ما به جنان شبیه نامهٔ مذکور در ده صحنه تنظیم شده است. (به خرج راقم این سطور و به صورت هدایی بخش شد) معرفی کتاب دیگری را در مد نظر قرار می دهیم به نام:

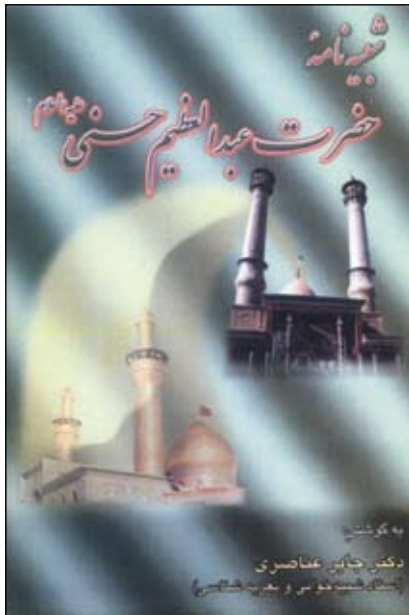
شهادت مه جبینان گل جمال

با طرح روی جلدی بسیار زیبا از فرزندم، علی مراد عناصری که پیش از این نیز طرح روی جلد کتاب «جنگ تعزیه و شبیه نامهٔ امامزاده سلطانعلی (ع)» را تهیه کرده بود.

این کتاب دربرگیرندهٔ چهار مجلس شبیه خوانی برای نوجوانان و جوانان است. شامل:

- مجلس شهادت: طفلان جناب مسلم (ع)
- مجلس شهادت: حضرت علی اکبر (ع)
- مجلس شهادت: حضرت قاسم (ع)
- مجلس شهادت: طفلان حضرت زینب (س)
- در گوشه ای از مجلس حضرت علی اکبر (ع) چنین می خوانیم:

شبیه نامهٔ حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام



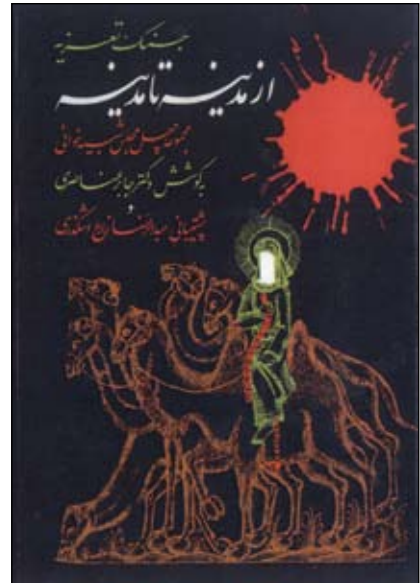
نام یافته است؛ امامزاده ای که در شهر ری مدفون دارد. ابن بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده اند که مردی از اهل ری به خدمت امام علی النقی (ع) رفت. حضرت از او پرسید: «کجا بودی؟» آن مرد گفت: «به زیارت امام حسین (ع) رفته بودم.» امام علی النقی (ع) فرمود: «... اگر زیارت می کردی، عبدالعظیم (ع) را که نزد شماس، قبر او، هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین (ع) کرده باشی.» از زبان مبارک این امامزاده شنیده اند که فرمود: «... منم ابوالقاسم، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن علی بن ابیطالب (ع) ...»

شناسید این دم که من کیستم نژاد از که دارم من و کیستم منم نوگل گلشن مصطفی بود جد نامی من: مجتبی دسترسی به کتاب: مقدور نیست. شمارگان کتاب، ۳۰۰۰ و در آغاز چاپ کتاب و توزیع و پخش آن، علاقه مندان نسخه ای تهیه کرده اند و اکنون نایاب است؟! مشتاقان خواندن این کتابها، هر روز خبر می گیرند که تجدید چاپ این مدارک، در چه زمانی صورت خواهد گرفت، در جوابشان، من سکوت می کنم؛ اما ...

کتاب: شبیه نامهٔ امامزاده واجب التعظیم: حضرت سلطانعلی (ع)

(دارندهٔ آرامگاه در مشهد اردهال) شرح واقعهٔ شهادت این امامزاده است در قالب مجلس شبیه خوانی و مطابقت سه نسخه

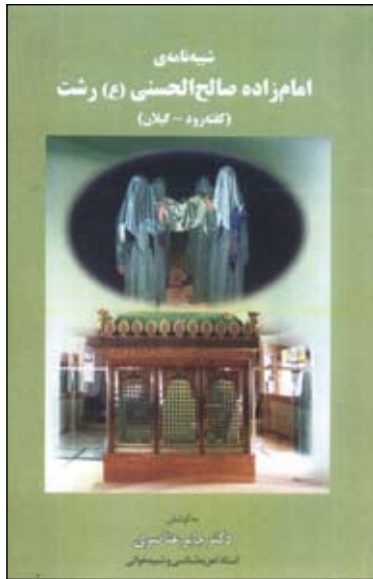
در کتاب یادشده، به توصیف حرکت و الوداع شاه شهیدان از مدینه النبی پرداخته می شود. منزل به منزل هم قدم قدم های مبارک ابی عبدالله (ع) هستیم و در رکاب آن حضرت، حضور محبان را نظاره می کنیم و به دشت بلا می رسیم و عمود خیمه ها را برپا می سازیم، بی آبرویی اشقیاء را می بینیم و با پوست و گوشت، شقاوت آنان را احساس می کنیم. علقمه را تماشا می کنیم و



طغیان این شط بخیل را ناظر می شویم و سپس عطشانی لب های همچون غنچه گل طفلان حرم را به دیدهٔ خونبار و به اشک کلناری چشمان، می بینیم. شرمنده می شویم و از بی حیایی اهل جور به طغیان احساس و بیان درمی آیم. اف باد بر این دنیاداران چپاولگر بی همت و بی حمیت ...

گودالهٔ آغشته به خون و پیکر ده ها پیکان خورده ابی عبدالله (ع) را با تعجب، اما با احترام زیارت می کنیم. از ناسپاسی ساریان غارتگر ناشاد می شویم. تا کوفه، دارالامارهٔ عبیدالله بن زیاد، با اسرا همراه می شویم.

ناول بر پاهای می نشانیم و زهر نیش خارهای مغیلان را در کف پاهای احساس می کنیم. تا دارالظلم یزید می رویم. نخست خشمه انگ یزیدیان و سپس «پشیمانی» یزید را به تماشا می نشینیم و در اربعین سالار شهیدان با جابر بن عبدالله انصاری آن پیر روشندل و نخستین زایر آرامگاه سیدالشهداء (ع) آشنا می شویم تا آن گاه که در معیت غزالان و اسیران خاندان طهارت به مدینه النبی، شهر پیامبر (ص) می رسیم و در کوچهٔ بنی هاشم، بشیر بن جزم، چاووش قافله فریاد می زند که: «... ای مردم، خاک بر سر بریزید و جیب جامه ها بدرید و مویه و شیون کنید ... و بدانید که شاه مدینه العرب را کشتند ...» کتاب دیگری را معرفی می کنم که:



تغزیه
نمونه بارز نبوغ نمایشی ایرانیان است
قدرش را بدانیم
و از دخل و تصرف بی‌مورد
در این قلمرو
پرهیز کنیم

کتاب:

ایران ما، سلطان علی بن موسی الرضا (ع)

را هم بر همان سیاق نوشته‌ام؛ در حالی که نمی‌دانم و شاید می‌دانم و دلم گواهی نمی‌دهد تا ماجرای محبوس شدن این کتاب در خور خواندن و در چنبره بهجت‌افتادن (در پستوی دفتر ناشر) را بازگو کنم. من برای تحریر این کتاب، همت کرده‌ام. حال اگر مشکل مالی یا ... برای چاپ کتاب وجود دارد، تنها دل نویسنده را نمی‌سوزاند، بلکه گاهی چنین رفتاری، آتش به خرمن فرهنگ معنوی یک قوم می‌زند ... در خانه کس است، یک حرف بس است؛ اما بعد ...

گیلان‌شناس جوان و بی‌ریا، دل‌سپار اولیاء بانی چاپ کتاب دیگری از صاحب این قلم می‌شود (آقای قاسم غلامی گفته‌رودی - رشت) به نام:

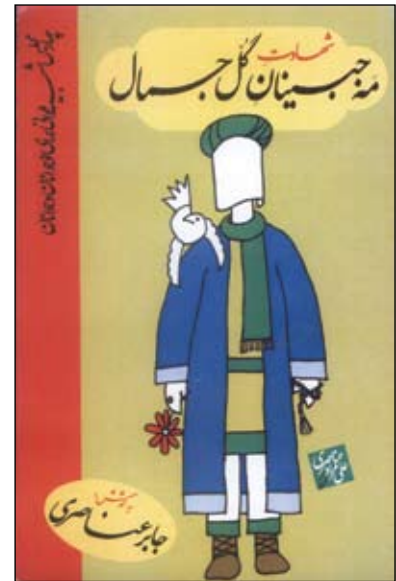
شبیبه‌نامه امامزاده صالح الحسنی (ع)

(مدفون در آبادی گفته رود - رشت)
چند خطی از پیشگفتار کتاب به قلم جابر عنصری را با هم مرور می‌کنیم:
«... طبال به ضرباهنگی دلنشین بر طبل می‌کوفت و صدای شیپور، تا دوردست‌ها می‌رفت و نی‌نوازی خبره، غم‌آواز می‌خواند. میدان شبیه‌خوانی، تماشایی بود و من از ذوق نظاره مجلس، سوز و هرم گرمای پرشرجی منطقه را از یاد برده بودم.»
در شجره‌نامه مربوط به آن حضرت می‌خوانیم که:

آقا سیدصالح فرزند محمد الاعلم بن عبیدالله بن محمد بن عبدالرحمن الشجری بن قاسم بن حسن بن زید بن امام حسن مجتبی (ع) است که به سال ۳۰۵ هجری قمری به دست اشیقاء و مأموران جور خلفای آن زمان در گیلان به شهادت رسید. در بخشی از شبیه‌نامه، در مورد گرانیپایه بودن بارگاه امامزاده صالح الحسنی چنین آمده است:

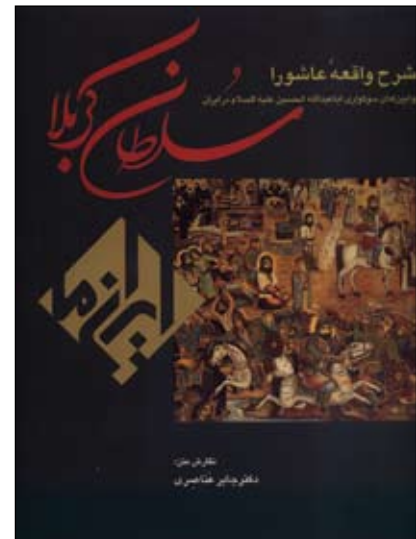
بی‌نوشت:

۱. کجک: کزک (به فتح کاف و جیم) میله و چوبی که بر طبل کوبند.
۲. دوال: (به فتح دال) تسمه چرمی که با آن طبل زنند.
۳. چمیدن: خرامیدن
۴. زکیدن: غضبناک شدن



چون شدم بهر شهادت مستقیم
قُلْتُ بسم الله الرحمن الرحيم
بهر کشتن آستین بالا زدم
ریشه کفار، از جا برکنم
دامن همت زدم اندر کمر
کوفیان را می‌کنم زیر و زبر
هر که باشد شیعه خاص علی
بر کشد از دل صدای یا علی

کتاب دیگر: ایران ما، سلطان کربلا



نام دارد. کتاب نفیسی که کلمه‌به‌کلمه، بندبند این کتاب را به جوهری از خون جگر نوشته‌ام. بیشتر طرح‌ها از آرشویو و گنجینه فرهنگی راقم این سطور است. با شمایل‌های زیبا و روایت واقعه الم‌بار کربلا از زبان مبارک حضرت سجاد (ع). شرح خونبارش به دشت تفتت کربلا. به همراه توضیح برخی مراسم مربوط به «آیین‌های عزا»

دین دات کام

نگاهی به غرفه‌های مذهبی سومین جشنواره رسانه‌های دیجیتال



محمد باقر تهرانی

انبوه جمعیتی که بیشترشان جوان‌اند، در حال رفت‌وآمد به سالن‌ها و یا تجمع در محوطه روباز، به‌ویژه در اطراف غرفه‌های عرضه مواد خوراکی هستند. این تصاویر در کنار پخش تیزرهای تبلیغاتی با صدای بلند از بلندگوها همراه با پخش موسیقی‌های تند و ... همگی نشان از برگزاری مراسمی شبیه نمایشگاه کتاب دارد. بله؛ این هم نمایشگاهی است از همان سنخ؛ با این تفاوت که قرار است محصولات عرضه‌شده نه مکتوب که «دیجیتال» باشند؛ برای همین است که در دست شرکت‌کنندگان کمتر کتابی دیده می‌شود و به‌ویژه خبری از حمل بسته‌های کتاب نیست. اینجا جشنواره «رسانه‌های دیجیتال» است.

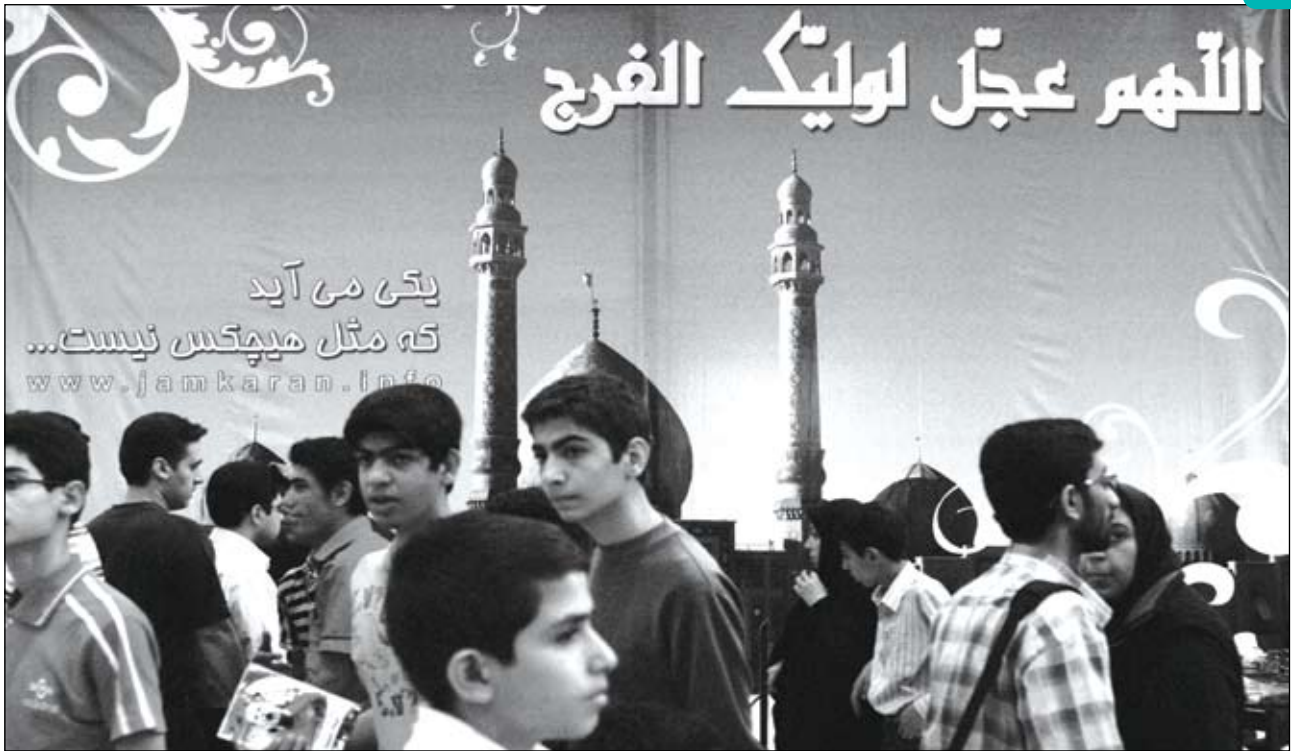
مصلاهی تهران، میعادگاه مشتریان فرهنگی

از چهار سال قبل که رئیس‌جمهور در اولتیماتومی به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از او خواست تا دیگر نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزارکننده نمایشگاه کتاب نباشد، به این امید که برای همیشه این مجموعه از شر برگزاری نمایشگاه‌های پرمخاطب خلاص شود و به تبع آن با پاک کردن صورت مسئله، مشکلات ترافیکی و ... موجود در محل هم حل شود، وزارت ارشاد محل مناسب‌تری از مصلاهی تهران را برای این کار نیافت که هم از دو طرف به دو اتوبان اصلی شهر مرتبط است و هم دارای سالن به‌نسبت بزرگی است و به ساخت‌وساز جدیدی در آن نیاز نیست. این‌طور شد که از آن سال به بعد نمایشگاه بین‌المللی کتاب به این مکان منتقل شد. بگذریم که این انتقال از اول بنا بود موقتی باشد و در ضمن گویا تنها مسئولان زورشان به نمایشگاه کتاب رسیده بود و سایر نمایشگاه‌ها همچنان در همان محل دائمی نمایشگاه‌های تهران برگزار می‌شود.

شاید بتوان گفت با انتقال نمایشگاه کتاب تهران، مصلاهی تهران هم از غربت درآمد و هرسال نه‌تنها در اردیبهشت‌ماه میزبان مشتاقان کتاب و فرهنگ‌دوستان است که در ماه رمضان هم از نمایشگاه بین‌المللی قرآن تهران و در آبان از جشنواره مطبوعات، میزبانی



📌 برگزاری هیئت و مجالس مذهبی در گذشته‌ای نه‌چندان دور کار زیاد سختی نبود؛ چون بیشتر هیئت‌ها ساده و معمولی برگزار می‌شدند و تنها آویزان کردن یک پرچم «یا حسین» و مقداری پارچه مشکی در محل برگزاری هیئت، به‌راحتی مقدمه‌ای برای دعوت از مردم برای شرکت در مجالس عزاداری بود؛ ولی امروز اوضاع بسیار تغییر کرده و گویی با گذر زمان و رشد فناوری، دامنه تغییرات، هیئت‌های مذهبی را نیز به‌شدت فرا گرفته است. در این شماره نشریه «خیمه» اقلام و محصولات مذهبی و تنوع آنها، مکان‌های ارائه‌دهنده این محصولات و مطالب مرتبط با این کالاها را بررسی می‌کنیم.



شهر مشهد و سفر به آن و البته بانک اطلاعاتی درباره زندگی، داستان‌ها و روایات منقول از امام رضا (ع) است.

تصاویر سه‌بعدی از دیار یار

یکی دیگر از جنبه‌های رضوی نمایشگاه، بخش «جلوه‌های رضوی در رسانه‌های دیجیتال» بود که به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران در گستره درخور توجهی از شبستان اصلی برگزار شده بود.

این بخش، ۸ غرفه موضوعی با محتوای پژوهشی در فرهنگ رضوی را شامل بود که کرامات حضرت، احادیث، تاریخ و تحلیل، زندگی‌نامه و کریمه اهل بیت (س) به صورت غرفه‌های جداگانه با تکنیک دیجیتال به نمایش در آمده بود.

یکی از مسئولان این بخش درباره دیگر قسمت‌های ارائه شده گفت: «معرفی پایگاه‌های اینترنتی درباره امام رضا (ع) و کریمه اهل بیت (س)، معرفی محصولات دیجیتال استان قدس رضوی و تولیدات دانش‌آموزی مربوط به جلوه‌های رضوی در آینه رسانه‌های دیجیتال از دیگر قسمت‌های این بخش است.»

به گفته او، دانش‌آموزان استان تهران با تولید آثار دیجیتال با موضوع امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) در سومین نمایشگاه و جشنواره رسانه‌های دیجیتال تهران حضور داشتند: «این دانش‌آموزان از تیرماه سال جاری با هماهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، دوره‌های آموزشی را طی کردند و پس از آن نیز

قدس رضوی، از حرم امام هشتم (ع) به نمایش گذاشته شده بود و همین امر، هم بُعد مذهبی نمایشگاه را در نگاه اول به رخ می‌کشید و هم نگاه ویژه‌ای که در این نمایشگاه به آستان مقدس رضوی شده بود. در نگاه اول، تصویر، ثابت به‌نظر می‌رسید؛ اما با نگاه دقیق‌تر به تصویر و مشاهده رفت‌وآمد زوار در صحن مطهر و توجه به تابلوی کنار مانیاتور، زنده‌بودن تصویر مشخص می‌شد. اینکه تصور کنی همان لحظه که در نمایشگاه هستی، می‌توانی هم‌زمان شاهد آن بارگاه ملکوتی باشی، ناخودآگاه احساس حضور در حرم داشتی و عبارت «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا (ع)» بر زبانت جاری می‌شد.

شاید بتوان گفت که سایت اینترنتی آستان قدس رضوی کامل‌ترین وب‌سایت مذهبی بود که در این نمایشگاه حضور داشت و یا دست‌کم حضور خود را پررنگ‌تر از سایر وب‌سایت‌های مذهبی کرده بود. از دیگر امکانات این وب‌سایت که با آدرس www.Aqrazavi.org در دسترس است، تالار گفت‌وگو، گالری عکس، خبرهای آستانه، اطلاعات مربوط به

می‌کند و البته در مهرماه هم به شکل دیگری پذیرای مشتریان فرهنگ است.

در همین حال این مسئله نمی‌تواند توجیهی بر ظلمی باشد که به این مجموعه گران‌قدر به واسطه برگزاری این قبیل نمایشگاه‌ها می‌رود. جدا از نمایشگاه قرآن، قدم‌زدن در شبستانی که قرار بوده است، تنها محل سجده نمازگزاران باشد و در دیوارش منقش به آیات و روایات است، شنیدن موسیقی‌های گاه مستهجن آن هم در وقت اذان و یا دیدن چهره‌های بیگانه با صلوات و مصلای در هیئت غرفه‌دار و بازدیدکننده، تا حدودی رنج‌آور است. در هر صورت چه بپسندیم چه نپسندیم، سومین جشنواره رسانه‌های دیجیتال در روزهای ۸ تا ۱۸ آبان ۸۸ در مصلای تهران برگزار شد.

زیارت آنلاین

«استعاره‌ای از حضور آقا در لحظه‌های ما و توصیفی از حضور ما در لحظه‌های آقا!... می‌دانید! آستان قدس هرگز نمی‌خواهد حرم در حرم بماند و چشم‌انتظار زایر باشد. شما طلب کنید، حرم، خود زایر دل رضوی شما می‌شود! تابلویی بی‌زمان و مکان از فیض سیال حضور آقا مقابل شماسست.» این عبارات بخشی از بروشور آستان قدس رضوی در معرفی امکانات وب‌سایت خود به بازدیدکنندگان، از جمله ارتباط مستقیم با بارگاه امام هشتم (ع) در بخش «زیارت از راه دور» است. بارزترین جلوه این نمایشگاه برای بازدیدکنندگانی که به شبستان اصلی مصلای وارد می‌شدند، تصویر بزرگی بود که از طریق یک مانیاتور بزرگ و البته به واسطه وب‌سایت آستان

■ **بارزترین جلوه مذهبی نمایشگاه**
تصویر بزرگ آنلاینی بود
 که از طریق یک مانیاتور بزرگ
 و البته به واسطه وب‌سایت آستان قدس رضوی
 از حرم امام هشتم (ع) به نمایش گذاشته بودند
 که بُعد مذهبی نمایشگاه را
 در نگاه اول به رخ می‌کشید ■

ترانه‌های کودکان بلند است با موزیکی تند و ریتمیک و از غرفه بغلی صدای نوحه بلند است. در یک غرفه سی‌دی سخنرانی‌های روانشناسی عرضه شده است و غرفه‌ای در کنار آن، سی‌دی سخنرانی‌های مذهبی. البته محمد قبول دارد که ایراد از محصولات دینی نیست و رسانه‌های دیجیتال در واقع وسیله‌ای هستند که از طریق آنها پیام‌های مذهبی هم می‌توانند منتقل شوند؛ اما او اعتقاد دارد که تنها سوار کردن پیام دینی بر مرکب رسانه دیجیتال کافی نیست، بلکه باید این مرکب را برای پذیرش این پیام کمی تغییر داد: «متصدیان امر باید در نظر داشته باشند که یک پیام مذهبی، به‌واسطهٔ مذهبی و دینی بودن، به امور مقدس مرتبط است؛ پس باید در انتخاب ابزار انتقال این پیام و سوساس به خرج داد؛ مثلاً سی‌دی مداحی باید با آلبوم موسیقی فلان خواننده متفاوت باشد و قرار نیست همان‌طور که آلبوم یک خواننده با عکس‌های نیم‌رخ و تمام‌رخ خواننده تزیین شده است، سی‌دی فلان مداح هم به همان شکل باشد و می‌توان از جذابیت‌های مذهبی در تزیین آن بهره برد.»

منبر دیجیتال

با این حال ظرفیت‌های یک رسانه دیجیتال را به‌طور تمام و کمال، تولیدکنندگان این قبیل محصولات استفاده نکرده بودند؛ جنبه‌ای که دربارهٔ سایر محصولات ارائه‌شده در نمایشگاه هم مصداق دارد. این نکته‌ای است که محمدحسین الماسی، دانشجو و یکی دیگر از بازدیدکنندگان، به آن اشاره داشت: «بخش عمده‌ای از محصولات ارائه‌شده از سوی غرفه‌های دینی در نمایشگاه، سخنرانی‌های برخی سخنوران نامی مذهبی از مرحوم شیخ‌احمد کافی تا شیخ‌علیرضا پناهیان روی سی‌دی است؛ یعنی یک قدم پیشرفته‌تر از نوارهای کاست؛ در کنار آن تبدیل برخی کتاب‌های مذهبی به سی‌دی از جمله رساله‌های عملیهٔ مراجع، این مسئله را به ذهن متبادر می‌کند که از سوی برخی فعالان فرهنگ دینی کشورمان دیجیتالی شدن رسانه‌های دینی فقط تبدیل سخت‌افزارهاست.»

به عقیدهٔ محمدحسین الماسی، جای خالی محصولات دینی چندرسانه‌ای در نمایشگاه کاملاً مشهود بود؛ درحالی‌که محصولات چندرسانه‌ای این امکان را به‌وجود می‌آورند که پیام به صورت کاملاً عینی و ملموس به مخاطب منتقل شود، امری که تأثیرش شاید بیشتر از یک منبر باشد و امروز در دنیا مبلغان فرهنگی به‌وفور استفاده می‌کنند؛ حال آنکه از دید مبلغان دینی ما مغفول مانده است: «شاید در غیاب استادان برجستهٔ حوزه‌های علمیه و مراجع عظام بتوان سی‌دی سخنرانی‌های فلان روحانی را در این نمایشگاه به‌راحتی به فروش رساند و یا سلیقه تنوع‌طلب جوانان را با ترانه‌های دوباره خواننده‌شده توسط خوانندگان مذهبی تغذیه کرد؛ اما هیچ‌یک از این موارد نمی‌تواند جای خالی تبلیغات دینی در عصر رسانه‌های دیجیتال را پر کند.»

و البته معرفی و ارائهٔ برخی نرم‌افزارهای مناسب گوشی‌های تلفن همراه که شایع‌ترین آنها نرم‌افزارهای قرآنی بود، فعالیت داشتند.

مشتریان غرفه‌های مذهبی

در نگاه کلی، بُعد مذهبی نمایشگاه بسیار پُررنگ بود که یکی از دلایل آن وفور غرفه‌های عرضه‌کنندهٔ محصولات مذهبی بود؛ اما از آنجا که تقسیم‌بندی مشخصی بین غرفه‌های مذهبی و غیر مذهبی انجام نگرفته بود، امکان ارزیابی از استقبال بازدیدکنندگان از این قبیل غرفه‌ها وجود نداشت و شاید بتوان گفت این نبود تقسیم‌بندی نتایج بهتری داشت؛ چراکه امکان آشنایی سایر اقشار بازدیدکننده از نرم‌افزارهای دینی و سایر محصولات مذهبی ارائه‌شده به وجود آمده بود. مسئول یکی از غرفه‌های مذهبی دربارهٔ میزان استقبال بازدیدکنندگان و اینکه این عده بیشتر از چه قشری بودند، گفت: «نمی‌توان مخاطبان محصولات دینی را مختص قشر خاصی طبقه‌بندی کرد؛ چراکه از اقشار گوناگون جامعه از ما سراغ نرم‌افزارهای قرآنی را می‌گیرند.» این نکته را یکی از متصدیان غرفه انتشارات رشد که یکی از محصولاتشان سی‌دی‌های قرآنی است نیز تأیید می‌کند: «شاید بشود گفت بیشترین فروش غرفه ما همین سی‌دی‌های قرآنی است و نمی‌توانم بگویم که مشتریان این سی‌دی‌ها از چه قشر خاصی هستند.»

رنگ دین در کنار محصولات رنگارنگ

پُررنگ‌بودن وجه دینی نمایشگاه به این دلیل نیست که محصولات مذهبی دارای کیفیت مناسبی نیز باشند. یکی از ابعاد پررنگ‌بودن وجه دینی نمایشگاه پرداختن برگزارکنندگان نمایشگاه به موضوعات دینی از قبیل همان «جلوه‌های رضوی در رسانه‌های دیجیتال» بود؛ اما محصولات غرفه‌های مذهبی کم‌وبیش همان محصولات سایر غرفه‌ها بود؛ منتهی رنگ‌آمیزی شده به رنگ دین. تعبیری که محمد رستگارنژاد که از قم برای دیدن نمایشگاه به تهران آمده بود، به کار برد، به این شرح بود: «یکی از محصولات پُرمشتری، انیمیشن‌های متفاوت است؛ از انیمیشن‌های تبلیغاتی مثل «سیاسکتی» و «قند عسل» گرفته تا سایر انیمیشن‌های کودکانهٔ سه‌بعدی و دو‌بعدی از قبیل «عصر یخبندان ۳» و «قصه‌های حسنی» و ... در برابر، برخی غرفه‌های مذهبی هم انیمیشن‌هایی با موضوعات دینی از قبیل قصص قرآنی ارائه کرده‌اند. در یک غرفه می‌بینید که

به تولید رسانه‌های دیجیتال شامل تم‌های موبایل، ویدئو کلیپ، نرم‌افزارهای مولتی‌مدیا، پویانمایی، پاورپوینت، هنرهای دیجیتال و ... دست زده‌اند. بیش از ۳۰۰ دانش‌آموز که آشنایی اولیه، دربارهٔ رایانه داشتند، دوره‌های آموزشی پیشرفته‌تری را طی کردند و در پایان موفق شدند، بیش از یکصد اثر رسانه‌های دیجیتال را تولید کنند.»

در قسمتی از این مجموعه، نقشهٔ جادهٔ ولایت به همراه عکسبرداری هوایی و دیجیتالی از مسیر حرکت امام رضا (ع) از مدینه تا مرو به نمایش گذاشته شده بود. این تصاویر در قالب بیش از ۵۰ قطعه عکس از شهرها و روستاهایی که حضرت امام رضا (ع) در طول سفر از مدینه تا مرو اقامت داشته‌اند و به نام قدمگاه، افزون بر ۳۱ منزل ثبت‌شده به همراه اسامی و شرح مختصر بود. این نمایشگاه را گروه پژوهشی جادهٔ ولایت به سرپرستی علی اصغر سالاری عرضه کرده بود که ورود آن حضرت از مرز شلمچه به ایران تا خراسان، با تمام جزئیات و قدمگاه‌ها به همراه تصاویر دیجیتال هوایی در آن موجود بود.

همچنین در فضایی افزون بر ۸۰ مترمربع، تصاویر سه‌بعدی حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) به صورت دیجیتال به نمایش درآمده و در سینمای سه‌بعدی نیز پخش ناهنگی از بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) برای بازدیدکنندگان در نظر گرفته شده بود. این تصاویر، مناظری از بارگاه، خادمان، زائران و نیایش مردم را به نمایش گذاشته بود که تنها با عینک‌های مخصوص، سه‌بعدی بودن آنها دیده می‌شد. این تصاویر را فرامرز قهرمانی‌فر، عکاس و نمایندهٔ انجمن بین‌المللی استریوسکوپی از سال ۱۳۸۵ تهیه کرده است. به گفتهٔ قهرمانی‌فر، تصاویر عرضه‌شده انتخابی از بهترین‌هاست که با تکنیک آنالگراف (Anaglyph) (عکاسی سه‌بعدی) چاپ شده است و در نوع خود ابتکاری تازه محسوب می‌شود.

تحصیل مجازی علوم اسلامی

دانشکدهٔ علوم حدیث وابسته به آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) هم با ارائهٔ دوره‌های مجازی آموزشی، یکی دیگر از غرفه‌های مذهبی نمایشگاه بود؛ البته وبسایت این آستانه و همچنین دانشکدهٔ علوم حدیث هم در این غرفه معرفی شده بود. این غرفه در پایان، یکی از غرفه‌های برتر نمایشگاه معرفی شد.

در کنار این چند غرفه، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) وابسته به مدرسه شهیدین قم از دیگر غرفه‌هایی بود که به عرضهٔ گستردهٔ نرم‌افزارهای اسلامی پرداخته بود و البته بیشتر محصولات آن دربارهٔ علوم اسلامی و حوزوی بود و مخاطبانیش بیشتر از طلاب و محققان حوزه بودند. به جز مرکز نور، سایر مراکز کامپیوتری شرکت‌کننده از قم نیز یا در همین زمینه و یا در ارائهٔ سخنرانی‌های مذهبی در قالب سی‌دی

■ جای خالی محصولات دینی چندرسانه‌ای در نمایشگاه کاملاً مشهود بود درحالی‌که این محصولات کمک می‌کنند پیام، کاملاً عینی و ملموس به مخاطب منتقل شود ■

بازار سی‌دی فروش‌ها، گرم‌تر از کتاب‌فروشی‌ها

«بانرا» کمپنی کی بوی «هدیئت» دارک

پاساژ قدس، ارائه‌دهنده محصولات مذهبی در قم

جلال بیطرفان



در حدود دویست متر بعد از حرم حضرت معصومه (س) روبه‌روی مرقد و کتابخانه بزرگ آیت‌الله نجفی (ره) پاساژ قدس واقع شده است. بیشتر مردم قم این پاساژ را به نام محل فروش «لوازم‌التحریر» می‌شناسند؛ ولی جالب اینکه، این مکان در شهرهای مختلف کشور بیشتر به نام مرکز فروش «محصولات مذهبی» شناخته شده است.

بیشتر سی‌دی‌های معروف مداحی و یا مستندهایی که رویکرد دینی دارند و یا به مباحث مختلف در حوزه‌های مذهبی می‌پردازند، مانند سی‌دی «شعبده شیطان» - که به بیان انحرافات مذهبی و طرح خرافات و ادعاهای بی‌پایه مدعیان دروغین می‌پردازد- برای اولین بار از این مکان در سراسر کشور توزیع شده است.

بیشترین تصویری که قبل از ورود به این پاساژ به چشم می‌خورد، حضور گسترده فروشندگان سی‌دی و کتاب است که در کنار یک پیرمرد واکسی که به گفته فروشندگان، گویا سرقلی! کنار پاساژ را در اختیار دارد، مشغول کسب و کار هستند.

پاساژ قدس دارای ۲ ورودی است که به فاصله کمتر از ۵۰ متر از یکدیگر قرار دارند. از حدفاصل میان دو در، می‌توان به طبقات مختلف و زیرزمین رفت و آمد کرد.

وقتی به پاساژ قدس وارد می‌شویم، بسیاری از مردم برای تهیه وسایل کامپیوتر و انواع و اقسام نرم‌افزارهای موجود به طبقات بالا، عده‌ای به‌ویژه جوانان برای خرید لوازم‌التحریر و به‌ویژه کتاب‌های کمک درسی به طبقات مختلف و زیر همکف می‌روند. طبقه زیرزمین این پاساژ نیز ویژه محصولات فرهنگی و مذهبی است. با توجه به هدفی که از تهیه گزارش داریم، به طرف طبقه زیرزمین روانه می‌شویم.

شده است و مصادیق فراوان آن را می‌توان در جامعه به‌ویژه در مناسبت‌های مذهبی اعم از شادی و عزا مشاهده کرد.

جانبازی، علت روی آوردن به این شغل را علاقه شخصی خود بیان می‌کند و درحالی‌که برق چشمانش را می‌توان مشاهده کرد، با لحن دلنشینی می‌گوید: «این کار از لحاظ مادی زیاد مناسب نیست؛ اما برای آخرت عالی است؛ از این‌روست که همچنان تمایل دارم، این حرفه را ادامه دهم.»

او می‌گوید که توان این را ندارد به هیئت‌های مذهبی و کسانی که توان مالی خرید اقلام مذهبی عزاداری را ندارند، کمک کند یا تخفیف دهد؛ چون این کار سود چندانی برای او ندارد؛ با وجود این وی ادعا می‌کند که اگر کسی تنها حقوق او را تأمین کند، حاضر است به‌صورت رایگان به مردم برای انجام فعالیت‌های مذهبی خدمات ارائه کند.

صدای خوب؛ پرطرفدارتر از محتوا

در کنار همین مغازه، مؤسسه «صوت الرحمن» قرار دارد که در آن به‌جز محصولات مذهبی، محصولات فرهنگی دیگر نیز به فروش می‌رسد. آقای میرصانع، مسئول مؤسسه فرهنگی «صوت الرحمن» جوانی در حدود سی‌ساله و خوش‌صحبت است که پدر و برادرش طلبه‌اند و به دلیل علاقه، به این کار روی آورده است.

وقتی دلیل فروش محصولات غیر مذهبی در کنار محصولات فرهنگی را از او پرسیدم، در پاسخ گفت: «به‌گونه‌ای همه اینها به هم ربط دارند؛ به بچه نمی‌شود گفت دائماً قرآن بخوان؛ باید از طریق سی‌دی‌هایی کودکانه، آنها را تشویق کنیم. مهم هدف است که نزدیک شدن به خدا و گسترش مفاهیم اخلاقی در جامعه است و این هدف را می‌توان به شکل‌های مختلف و متنوع در جامعه محقق کرد.»

مسئول مؤسسه «صوت الرحمن»، رویکرد مردم را بیشتر به سوی کالاهای مذهبی تزیینی مانند تابلو می‌داند و می‌گوید: «بسیاری، بیشتر از آنکه به کیفیت محصول توجه کنند، به دنبال مارک خاصی هستند و توضیحات ما به دلیل شنیده‌هایی که در ذهن آنها مثل یک حقیقت نقش بسته است، تأثیری ندارد و در نهایت، جنس مدنظر خود را می‌خواهند.»

میرصانع که انگار منتظر کسی است تا بتواند، درباره کار خود با او درد دل کند، با تمام وجود با ما صحبت می‌کرد، مثال‌های مختلف می‌آورد و حدیث و روایت در تأیید گفته‌های خود نقل می‌کند. می‌گوید: «مردم دنبال راحتی‌اند؛ چون سی‌دی یک وسیله شنیداری و دیداری است، بیشتر خریداری می‌شود تا کتاب که باید در آن غور و اندیشه کرد و به تأمل و در نظر گرفتن زمان اختصاصی و بیشتری نیاز دارد.»

کتاب‌هایی که در آنها به زندگی اباعبدالله الحسین (ع) و اصحاب ایشان در قالب داستان، اشعار و ... پرداخته می‌شود، بیشتر فروش می‌رود. در ماه رمضان نیز وضعیت خوبی حاکم است و کتاب‌های ادعیه به‌ویژه مفتاح از فروش خوبی برخوردار است.»

عضو هیئت امنای پاساژ قدس قم، نرخ بالای تورم در جامعه را در کمیت و کیفیت فروش محصولات مذهبی بسیار تأثیرگذار می‌داند و تأکید می‌کند: «با افزایش نرخ تورم، میزان فروش محصولات کم شده است و ذائقه مردم نیز از کتاب به سمت سی‌دی، به دلیل پایین‌تر بودن قیمت و تنوع بیشتر آن، سوق پیدا کرده است.»

از او می‌پرسم، برخورد شما با کسانی که توانایی خرید اقلام مذهبی برای هیئات را ندارند، چگونه است؟ در پاسخ با نگاهی که ملایمت در آن دیده می‌شود، اظهار می‌دارد: «تا آنجا که امکان دارد به این عده تخفیف می‌دهم؛ یعنی تا حدی که ضربه‌ای به ما نرسد، از سود خودمان می‌گذریم و تخفیف می‌دهیم.»

خدابنده، علت اشتغال به کتابفروشی، آن‌هم با موضوع مذهبی را علاقه وافرش به این حرفه می‌داند؛ ولی در همان حال، بعید می‌داند فرزندانش شغل وی را ادامه دهند.

معنویت کار خوب است، مادیات آن نه!

در انتهای پاساژ مغازه‌ای در حدود ۱۰ متری به نام «صوت الحیدر» است که مخصوص نوار و سی‌دی‌های مذهبی است. این مغازه هم به جز دو متری که مخصوص رفت‌وآمد است، مملو از سی‌دی بود. روی دیوارها هم عکس‌های فراوان و متنوعی از مداحان و منبری‌های معروف کشور به چشم می‌خورد. ژست‌ها و به قول امروزی‌ها، فیگورهای بعضی از آنها در زمان مداحی بسیار جالب به نظر می‌رسد.

آقای جانبازی، مسئول مؤسسه فرهنگی «صوت الحیدر» که جوانی در حدود سی‌وپنج ساله است، می‌گوید: «میزان فروش محصولات مذهبی تا سال ۸۴ خوب بود؛ ولی بعد از آن به دلیل تورم اوضاع نامناسب شد.» به گفته وی، البته این مسئله بدین معنا نیست که فعالیت مردم در عرصه‌های مذهبی کاهش یافته است، بلکه حتی فعالیت جوانان در کارهای مذهبی نسبت به سال‌های گذشته بیشتر

بازار سی‌دی‌فروشی‌ها، گرم‌تر از کتاب‌فروشی‌ها

وقتی به طبقه زیرزمین می‌رسیم، در نگاه اول، جعبه‌هایی که در کنار دیوارها و مغازه‌ها برای ارسال به نقاط مختلف کشور بسته‌بندی شده است، خودنمایی می‌کند. در بعضی از مغازه‌های موجود در زیرزمین این پاساژ، تنها کتاب فروخته می‌شود که در بین آنها کتاب‌های مذهبی مانند کتاب‌های شعر، مقاتل، کتاب‌های مداحی و ... به چشم می‌خورد.

تعدادی از مغازه‌ها فقط مخصوص فروش سی‌دی‌های مختلف به‌ویژه سی‌دی‌های سخنرانی و مداحی هستند که بازار این مغازه‌ها از دیگران گرم‌تر است و نرم‌افزارهای زیادی نیز در این مغازه‌ها دیده می‌شود. بقیه مغازه‌ها نیز مخصوص فروش لباس‌های مشکی، پرچم‌های منقش به نام ائمه اطهار (ع)، تابلوها، مهر و تسبیح و سایر وسایل عزاداری است.

درحالی‌که فضای پاساژ آکنده از نوای مداحی است، به یک مغازه وارد می‌شویم و با جوانی در حدود سی‌ساله که در حال صحبت با مشتری‌اش است، گفت‌وگو می‌کنیم. بعد از اینکه با هم آشنا می‌شویم و از علت حضور ما آگاه می‌شود، برای گفت‌وگو و به‌دست آوردن اطلاعات جامع‌تر، آقای خدابنده را که یکی از اعضای هیئت امنای پاساژ قدس و از قدیمی‌ترین فروشندگان کتاب است به ما معرفی می‌کند.

گراتی، دلیل تمایل مردم به سی‌دی

مغازه آقای خدابنده در کنار پله‌های ورودی است. مغازه‌ای در حدود سی‌متری که جز یک راهرویی یک متری برای رفت‌وآمد، بقیه فضا انباشته از کتاب‌های متنوع است.

خدابنده که در حدود پنجاه سال از عمرش گذشته است، مانند یک جوان در جنب‌وجوش برای ارسال مرسولات پستی به شمال کشور است و از ما درخواست می‌کند، چند دقیقه منتظر بمانیم تا بعد از ارسال مرسولات خود، با ما گفت‌وگو کند.

بعد از چند دقیقه انتظار به شوخی می‌گوید برای مصاحبه با من پول که نمی‌خواهید؟ بنده خدا، آقای خدابنده! شاید فکر می‌کند می‌خواهیم از او رپرتاژ آگهی بگیریم! آقای خدابنده اشاره می‌کند، افزون بر طبقه پایین این پاساژ، بیشتر کتاب‌فروشی‌های طبقه بالا هم مذهبی هستند. او با مثبت ارزیابی کردن وضعیت فروش کتاب‌های مذهبی در این پاساژ، تنوع کتاب‌ها و میزان استقبال بالای مردم به‌ویژه جوانان را که از فضای مذهبی حاکم بر شهر قم ناشی می‌شود، دلیل این وضعیت مثبت بیان می‌کند.

خدابنده درباره فروش محصولات مذهبی در ایام مختلف سال می‌گوید: «طبیعی است که در مناسبت‌های مذهبی، تولدها و اعیاد، بیشترین فروش را داشته باشیم. در ماه محرم هم

■ مغازه‌های مختلفی

مخصوص فروش لباس‌های مشکی

پرچم‌های منقش به نام ائمه اطهار (ع)

تابلوها، مهر و تسبیح و سایر وسایل عزاداری

در پاساژ قدس مشاهده می‌شود

ولی بازار مغازه‌هایی که مخصوص فروش

سی‌دی‌های سخنرانی و مداحی هستند

نسبت به سایر مغازه‌ها گرم‌تر است ■

سازمان تعزیرات حکومتی به تازگی بسیار زیاد شده است. آنها می‌گویند چرا قیمت را زیادتر می‌کنید؟ از دید آنها، ما باید تنها ۱۲ درصد سود کنیم؛ ولی اگر بخواهیم بر اساس نظر آنها کار کنیم، اجاره مغازه‌مان هم در نمی‌آید.»

تخفیف می‌دهیم تا حدی که بتوانیم

در همان طبقه مؤسسه نشاط و در ورودی پاساژ قدس، کتابفروشی «موسوی» قرار دارد. آقای موسوی، طلبه‌ای است پنجاه ساله و جدی که عضو هیئت امنای پاساژ نیز بوده است و چندین سال است در زمینه فروش کتاب‌های مذهبی فعالیت دارد. فعالیت وی بیشتر در زمینه کتاب‌های حوزوی و مذهبی اعم از کتاب‌های تاریخی، مفاتیح، مداحی و کتاب‌های ادبی است. وی میزان فروش کتاب‌های منبری و مداحی را قبل از ماه‌های محرم و رمضان بیشتر می‌داند؛ ولی تأکید می‌کند، به‌طور کلی، از آنجایی که قیمت

کتاب با افزایش نرخ تورم بیشتر می‌شود، به تبع آن استقبال مردم نیز از خرید کتاب کمتر می‌شود. این کتابفروش، نوع همکاری با هیئات را خوب می‌داند و تصریح می‌کند: «تا جایی که امکان دارد و در حد توانمان به هیئات و کسانی که توان خرید بالایی ندارند، کمک می‌کنیم و تخفیف می‌دهیم تا ما هم در ثواب آنها سهیم باشیم.» موسوی به‌رغم اینکه رویکرد مردم را نسبت به کتاب‌های مذهبی «خوب» توصیف می‌کند، در همان حال تأکید می‌کند، استقبال مردم از سی‌دی‌های مذهبی به‌ویژه مداحی‌ها بیشتر است.

وی از «علاقه» به منزله مهم‌ترین دلیل خود برای انتخاب این شغل نام می‌برد؛ ولی بعید می‌داند، فرزندانش تمایلی برای ورود به این عرصه و ادامه‌دادن کار وی داشته باشند.

از مجموع گفت‌وگو با فروشندهگان پاساژ قدس که به تعدادی از آنها در این گزارش اشاره شد و براساس صحبت با خریدارانی که به این مکان رفت‌وآمد می‌کردند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد؛ هرچند استقبال مردم به‌ویژه جوانان از محصولات متنوع مذهبی در چند سال اخیر خوب ارزیابی می‌شود، به دلیل بالا رفتن نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم، بسیاری از فعالان این عرصه نسبت به تداوم فعالیت خود چشم‌انداز روشنی ندارند و با دیده تردید به آینده این شغل می‌نگرند.

نکته مهم دیگری که از رهگذر عبور در این پاساژ به ذهن خطور می‌کند، نبود نظارت بر محصولات مذهبی به‌ویژه محصولات سمعی-بصری است. گفته‌ها و یا مسائلی در بعضی از سی‌دی‌های مداحی، حتی از زبان بسیاری از مداحان معروف شنیده و در فضای پاساژ پخش می‌شود که در سندیّت آن تردید جدی وجود دارد و بیان آنها دور از شأن ائمه اطهار (ع) است. ■



ماه‌های محرم و صفر مطلوب ارزیابی می‌کند و درباره نوع محصولات فروش رفته در تمام طول سال می‌گوید: «سی‌دی‌های سخنرانی قبل از ماه‌های محرم، صفر و رمضان و مجموعه‌های مداحی در ماه‌های رمضان و محرم بیشترین فروش را دارد؛ ولی به‌طور کلی، سی‌دی‌های مداحی در مقایسه با سایر اقلام مذهبی فروش بیشتری دارد.»

به گفته وی، در چند سال اخیر حجم فروش سی‌دی‌های مداحان نسبت به سخنرانان مذهبی به‌صورت چشمگیری افزایش یافته است. وی می‌گوید که پیش‌ترها، قشری خاص مانند طلبه‌ها و بسیجی‌ها برای خرید می‌آمدند؛ ولی بعد از ظهور مداحانی مثل مرحوم سیدجواد ذاکر، نوجوانان و جوانان و کسانی که به‌ظاهر، علائق مذهبی کمتری نیز داشتند، به جمع خریداران اضافه شدند.

این فروشنده مذهبی با بیان اینکه بیشتر محصولات ارائه‌شده مذهبی در این مغازه، تولید خود وی است، برعکس بسیاری از کسانی که با آنها گفت‌وگو کردیم، آینده کاری خود را چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی، «بسیار خوب» ارزیابی می‌کند.

حسین‌پور بزرگ‌ترین مشکل کار خود را اختلاف با سازمان تعزیرات حکومتی درباره قیمت‌گذاری‌ها می‌داند و تصریح می‌کند: «سخت‌گیری‌های

این فروشنده محصولات فرهنگی با اشاره به اینکه در مغازه خود، بیشتر، محصولات مراکز دیگر را توزیع می‌کند، نسبت به آینده شغلی خود تردید دارد و می‌گوید: «متأسفانه هر سال، رکود بیشتر می‌شود. قبل از سال ۸۶ مخاطبان و نهادهای خاصی مثل ارگان‌های مذهبی و طلاب بیشتر دنبال چنین محصولاتی بودند؛ اما اکنون با وجود اینکه به نظر می‌رسد، طیف گسترده‌تری دنبال این‌گونه محصولات هستند؛ اما متأسفانه به دلیل نرخ بالای تورم، بیشتر علاقه‌مندان به تهیه محصولات مذهبی، قادر نیستند، خرید کنند.» او می‌افزاید: «بسیاری از اوقات علاقه‌مندانی که مشخص است، هیئت کوچکی دارند و یا برای مراسم عزاداری در خانه خود به دنبال بعضی از اقلام مذهبی می‌گردند، به دلیل قیمت‌های بالایی که البته اجتناب‌ناپذیر است، ناامید و دست خالی برمی‌گردند.»

تأثیر مداحان جدید

در افزایش علاقه‌مندان به محصولات مذهبی

در این پاساژ تعدادی مغازه به نام «نشاط» وجود دارد که کار پخش انواع محصولات فرهنگی را به عهده دارند؛ به طبقه دوم رفتیم؛ جایی که یکی از مغازه‌های نشاط وجود دارد. این مغازه در حدود ۳۰ متری مرکز پخش انواع سی‌دی‌های مذهبی است. مسئول این مغازه، آقای حسین‌پور است که به گفته خودش، خانوادهاش نیز در این زمینه فعالیت می‌کنند. حسین‌پور جوانی است ترک‌زبان، در حدود سی‌وپنج ساله و خوش‌صحت؛ زمان ورود ما به مغازه، در حال خارج شدن بود که منصرف شد و به گفت‌وگو با ما پرداخت. وی علت ورود به این شغل را «علاقه» و «مشورت با دوستان» بیان می‌کند.

این فروشنده محصولات فرهنگی، وضعیت کاری خود را در گذشته، «عالی» و در حال حاضر با وجود این همه فروشنده سی‌دی، «خوب» توصیف می‌کند. حسین‌پور میزان فروش محصولات را در

■ به دلیل بالا رفتن نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم بسیاری از فعالان عرصه محصولات و اقلام مذهبی نسبت به تداوم فعالیت خود چشم‌انداز روشنی ندارند و با دیده تردید به آینده این شغل می‌نگرند ■

پاساژ

دیروز، امروز، فردا

محمدصادق امینی

بیشتری را در آن شاهد هستیم؛ به همین دلیل در چند نوبت از شب‌های بارانی فصل پاییز، سری به این پاساژ زدیم تا گزارشی از حال و هوای موجود در پاساژ، مشکلات کسب‌وکار، دیدگاه بازدیدکنندگان نسبت به محصولات ارائه‌شده در پاساژ و ... برای خوانندگان محترم نشریهٔ خیمه تهیه کنیم.

مِهستان چگونه تشکیل شد؟

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، به دلایل بسیار، بچه‌هیئت‌ها و سایر دوستداران مکتب اهل بیت (ع)، دسترسی چندانی به کالاهای مذهبی نظیر نوارهای صوتی و تصویری مداحان و علما نداشتند. در آن زمان استفاده از تجهیزاتی نظیر ویدئو، رایانهٔ شخصی، DVD PLAYER، ماهواره

بسیاری وجود دارند که صرف‌نظر از برخورداری از کالاهای مشابه، هرکدام بورس عرضهٔ کالاهایی خاص شده‌اند؛ اما به جرئت می‌توان گفت که تنها پاساژ شهر تهران که نمونهٔ مشابهی برای آن در سایر نقاط شهر وجود ندارد و در کنار مرکز خرید بودن، یک مرکز فرهنگی-مذهبی نیز محسوب می‌شود، پاساژ معروف مهستان واقع در خیابان کارگر جنوبی است؛ پاساژی که در تمام طول سال مشتریان بسیاری دارد؛ ولی هرچه به ماه محرم نزدیک‌تر می‌شویم، جنب‌وجوش

در تهران پاساژهای متنوع بسیاری وجود دارند که هرکدام به دلیلی معروف شده‌اند؛ یکی از نظر قرارگرفتن در موقعیت مکانی مناسب و دیگری به دلیل ارائهٔ اجناسی خاص؛ مثلاً پاساژ میلاد نور در شهرک غرب به دلیل فروش لباس‌های مارک‌دار و اجناس اورجینال خارجی و پاساژ تندیس در تجریش نیز صرف‌نظر از اجناسی که در آن ارائه می‌شود، بیشتر به علت قرارگرفتن در مناطق شمالی و مرفه‌نشین تهران معروف شده است؛ البته باید گفت که پاساژهای معروف پایتخت تنها به مناطق شمالی شهر محدود نیستند و در مناطق دیگری مثل میدان هفت‌تیر، جمهوری، انقلاب، آریاشهر، میدان شوش و ... نیز مراکز خرید



عکس: هاشم حسینی / انبیا



در سراسر کشور تهیه کنند. در گذشته هر چند حق انتخاب علاقه‌مندان به تهیه چنین محصولاتی بیشتر محدود به نوارهایی نظیر صوت‌الحبيب، صوت‌المهدی و ... بود، امروز تنوع محصولات مذهبی در پاساژ مهستان به حدی است که تصمیم‌گیری در انتخاب دشوار است.

تأثیرگذاران در شکل‌گیری

پاساژ مهستان

اشاره به چگونگی تأسیس پاساژی که امروز دوستداران تهیه کالاهای مذهبی به راحتی با مراجعه به آن می‌توانند، نیازهای خود را تأمین کنند، موضوعی نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت؛ پاساژی که شاید کمتر مراجعه‌کننده‌ای هنگامی که قدم به داخل آن می‌گذارد از خود بپرسد، مهستان چگونه تشکیل و چطور معروف شد؟

آن‌طور که کسبه پاساژ مهستان می‌گویند، آقایان خالصی، برهانی و مسعود دهنمکی (کارگردان فیلم اخراجی‌ها) سه نفری هستند که مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری پاساژ مهستان و تبدیل شدن آن به بورس اقلام مذهبی داشته‌اند. در واقع باید گفت، استقبال عمومی از فعالیت کسانی که در مقابل هیئت‌های بزرگ به فروش نوارهای صوتی و دعاهای کارت می‌کردند، به تدریج باعث می‌شود، این ضرورت در بین دوستداران فعالیت‌های دینی و فرهنگی تقویت شود که چرا

به یقین هنوز بسیاری از کسانی که از گذشته به دنبال چنین محصولاتی بوده‌اند، به یاد دارند که نوارهای «صوت‌الحبيب» و «صوت‌المهدی» چقدر زود به فروش می‌رفت و بسیاری که دیرتر به محل برگزاری مجالس می‌رسیدند، باید در انتظار فرصت دیگری برای تهیه چنین نوارهایی می‌نشستند؛ اما امروز دیگر چنین مشکلاتی وجود ندارد.

وجود رایانه‌های شخصی، ویدئو و DVD PLAYER در بیشتر منازل باعث شده است تا مردم نه تنها بتوانند از محصولات صوتی و تصویری با کیفیت تری بهره ببرند، بلکه با حضور پاساژ مهستان، دغدغه آنها در تهیه کالاهای مذهبی مورد نیازشان برطرف شده است و فقط با یکبار مراجعه به این پاساژ می‌توانند صدها لوح فشرده (سی‌دی) از برنامه‌های مداحان و روحانیان شناخته شده و حتی به نسبت مشهور

و ... آنچنان همگانی نبود و در همین حال استفاده از سی‌دی‌های مختلف مانند امروز آن چنان فراگیر نشده بود که هر کسی بتواند از سوپرمارکت نزدیک خانه خود نیز هر نوع سی‌دی که دوست دارد، تهیه کند و به تماشای آن بپردازد.

صرف نظر از دشواری تهیه نوارهای مذهبی صوتی و تصویری، یکی از مهم‌ترین مسائلی که در گذشته دسترسی مشتاقان به نوارهای مداحان و علما را دشوار می‌کرد، نبود مرکزی مشخص در تهران برای ارائه چنین محصولاتی بود.

همین مسئله باعث شده بود تا مشتاقان گوش کردن به سخنرانی علما و برنامه‌های مداحان همیشه در انتظار تشکیل مجالس بزرگ در مراکزی مانند مسجد ارگ و سایر مساجد و هیئت‌هایی باشند که مداحان و سخنرانان معروف در آنجا برنامه اجرا می‌کردند تا به این ترتیب بتوانند از طریق کسانی که در مقابل این هیئت‌ها بساط پهن می‌کردند، نوارهای مورد نیاز خود را تهیه کنند؛ البته در آن زمان چندین مغازه به صورت پراکنده در سطح تهران وجود داشت که در کنار سایر اقلام، محصولات مذهبی نیز می‌فروختند؛ ولی فعالیت آنها نیز در حد و اندازه‌ای نبود که بتوانند، پاسخ‌گوی نیازهای موجود در جامعه باشد و همیشه نوعی دلخوری وجود داشت که چرا جایی وجود ندارد تا دوستداران مسائل مذهبی بتوانند اقلام مورد نیاز خود را از آنجا تأمین کنند.

■ به گفته کسبه پاساژ مهستان
آقایان خالصی، برهانی و مسعود دهنمکی
مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری
پاساژ مهستان و تبدیل شدن آن
به بورس اقلام مذهبی داشته‌اند

انواع گوناگونی در پاساژ مهستان تولید می‌شود، می‌توان به خودکارهایی اشاره کرد که در قسمتی از آنها بخش‌هایی از دعا‌های مذهبی نظیر دعای توسل، زیارت عاشورا و ... وجود دارد؛ البته باید گفت هرچند خلایق مغازه‌داران مهستان در تولید محصولات جدید با استقبال عمومی همراه بوده و هست، هنوز دیدگاه‌های شخصی وجود دارد که اقداماتی نظیر چاپ ادعیه روی خودکار و جاکلیدی کار درستی نیست و به همین دلیل از این نوع فعالیت‌ها انتقاداتی می‌شود.

آن‌طور که ع.م می‌گوید با اینکه پاساژ مهستان به مکان معروف و شناخته‌شده‌ای در کشور تبدیل شده است، با وجود این هنوز قابلیت بسیاری برای پیشرفت دارد؛ زیرا کارهای فرهنگی و تبلیغاتی هیچ‌وقت پایانی ندارد. این مغازه‌دار معتقد است که مغازه‌داران در پاساژ مهستان همچنان می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های خلاقانه و تولید محصولات باکیفیت‌تر، فعالیت‌های خود را توسعه دهند و زمینه بهتری برای تولید محصولات دینی- فرهنگی فراهم کنند.

یکی دیگر از مغازه‌داران مهستان نیز با تأیید اظهارات همکار خود می‌گوید: «هیچ‌وقت فراموش نمی‌کنم، زمانی که برای اولین بار به همراه یکی از دوستانم از پاساژ بازدید می‌کردم، دوستم به من گفت: «فعالیت در این پاساژ محکوم به شکست است!»»

نگاهی به مشکلات کسبه

پاساژ مهستان هرچند امروز یک پاساژ شناخته‌شده در زمینه تولید و توزیع انواع گوناگون کالا‌های مذهبی در سطح کشور است و مراجعه‌کنندگان بسیاری نیز دارد، کسبه فعال در این پاساژ با مشکلاتی نیز دست به گریبان هستند.

علی محمودی، یکی از مغازه‌داران فعال در پاساژ مهستان درباره مشکلاتی که او و همکارانش در این پاساژ با آنها دست به گریبان هستند، می‌گوید: «ما این مشکل را داریم که فعالیت ما به منزله یک صنف، تعریف نشده است و هیچ حمایتی از ما صورت نمی‌گیرد؛ مشکل هم از اینجاست که چون تعداد نفراتی که در زمینه تولید کالا‌های مذهبی مشغول هستند، زیاد نیست، (در حدود ۴۰ مغازه، مذهبی کار می‌کنند). تلاشی برای ایجاد یک صنف نشده است.»

وی می‌افزاید: «در حال حاضر کسبه شاغل در پاساژ با جواز کسب صنوف دیگر فعالیت می‌کنند، در صورتی که اگر ما یک صنف بودیم، به دلیل اینکه زمینه فعالیتیمان، کارهای مذهبی و فرهنگی است، می‌توانستیم از برخی تسهیلات دولتی استفاده کنیم.»

محمودی که از سال ۸۰ در این پاساژ فعالیت می‌کند، می‌افزاید: «من به نیت کسانی که در

■ زیر تمام برجسب‌ها، دعا‌های کارتی و پوسته‌های مذهبی که در پاساژ مهستان چاپ می‌شد، اسم «پاساژ مهستان» منتشر می‌شد که این اقدام باعث شد «مهستان» به نامی آشنا در بین دوستداران کالا‌های مذهبی تبدیل شود ■

و در کشور توزیع شده است. این مغازه‌دار در این مورد می‌گوید: «ما هر محصولی که از قبیل سررسید، سی‌دی، نوار، ادعیه و ... در مهستان تولید و منتشر می‌کردیم، اسم «مهستان» را نیز روی آن چاپ می‌کردیم که همین اقدام نقش مهمی در معروف‌شدن اسم مهستان داشته است؛ البته باید گفت که خلایق مغازه‌داران در تولید کالا‌های مذهبی متنوع‌تر در گذر زمان نیز نقش مهمی در تبدیل مهستان به یک مکان شناخته شده داشته است.»

به این ترتیب با جمع‌شدن انسان‌های خلاق، تنوع اقلام مذهبی تولیدشده در مهستان و دامنه محصولات مذهبی به‌طرز وسیعی افزایش می‌یابد؛ مثلاً یکی از همین محصولات، تولید ساعت‌هایی بود که در قاب آنها عکس امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری وجود داشت.

آقای ع.م، مبتکر تولید چنین ساعت‌هایی در پاساژ مهستان در این مورد می‌گوید: «در آن زمان برای عملی کردن ایده‌های جدید نظیر تولید چنین ساعت‌هایی بسیار مردد و نگران بودیم که ارگان‌های مسئول با چنین مواردی برخورد کنند؛ ولی به هر حال تصمیم گرفتیم تا این ساعت‌ها را تولید کنیم که در نهایت با استقبال ارگان‌های فرهنگی و مذهبی روبرو و موجب شد تا سایر مغازه‌داران نیز جرئت بیشتری برای نوآوری‌های جدید پیدا کنند.»

خلایق‌های بدیع، محصولات متنوع

به این ترتیب زمینه‌ای ایجاد می‌شود تا در پاساژ مهستان محصولات فرهنگی-مذهبی جدیدی تولید شود که در این باره می‌توان به تولید ساعت‌های مچی تبلیغاتی اشاره کرد که اذکار ائمه و آیه شریفه «و ان یکاد» و ... در آنها چاپ شده است؛ البته از دیگر محصولات مذهبی تبلیغاتی که در این سال‌ها در مقیاس و

■ پاساژ مهستان در تمام سال رفت‌وآمد مشتریان بسیاری را شاهد است ولی در زمان‌های خاصی مانند ایام فاطمیه و نیمه شعبان بسیار شلوغ است و به‌ویژه در دهه اول محرم جای سوزن‌انداختن در آن وجود ندارد ■

مکانی در تهران برای مراجعه علاقه‌مندان به تهیه کالا‌های مذهبی وجود ندارد؟

از سوی دیگر، کسانی که دوست داشتند، در زمینه تهیه و تولید محصولات مذهبی فعالیت کنند نیز با توجه به استقبال مردم در خرید کالا‌های مذهبی نظیر نوارهای سخنرانی یا مداحی، به این فکر افتاده بودند که دفتری یا مغازه‌ای در جایی از تهران برای خود تأسیس کنند و اتفاقاً در همین زمان، یکی از فعالان امور مذهبی به نام آقای برهانی که در پاساژ تازه‌احداث مهستان دفتری برای فعالیت‌های چاپی گرفته بود، به دوستان خود می‌گوید که پاساژ نوسازی در خیابان کارگر جنوبی تأسیس شده است و مغازه‌های خالی زیادی دارد که اجاره آن نیز ارزان است.

همین پیشنهاد ساده، بهانه‌ای می‌شود تا علاقه‌مندان، بازدیدی از پاساژ مهستان داشته باشند که در نهایت آن را برای شروع فعالیت خود مناسب ارزیابی می‌کنند.

گفته‌های مغازه‌داران حاکی از آن است که در آن زمان یعنی سال ۱۳۷۹، اجاره مغازه در پاساژ مهستان بسیار ارزان بوده است و با پرداخت یک میلیون تومان برای پول پیش و پرداخت ماهیانه ۲۰ هزار تومان هرکسی می‌توانست در این پاساژ مغازه‌ای را برای خود اجاره کند.

در آن زمان مغازه‌های پاساژ مهستان برای خرید نیز متری ۶۰۰ هزار تومان ارزش‌گذاری شده بود و برهانی، سازنده پاساژ ۳۰ درصد ارزش مغازه‌ها را از مغازه‌داران پیش می‌گیرد و آنها را به صورت مدت‌دار به مغازه‌داران واگذار می‌کند که این اقدام نیز نقش مهمی در تشویق متقاضیان به فعالیت در این پاساژ داشته است؛ البته در این میان حمایت کسانی نظیر ده‌نمی از فعالیت در پاساژ که خود او نیز در آن زمان فروشگاه‌هایی به نام «جبهه» در مهستان داشت، باعث می‌شود تا به تدریج مراجعه‌های مذهبی‌ها و بچه‌هیئت‌ها به این پاساژ بیشتر شود و مهستان به مکانی برای فعالیت در زمینه توزیع محصولات دینی و فرهنگی تبدیل شود.

مهستان چطور مشهور شد؟

در پاسخ به اینکه مهستان چطور به شهرت امروزی دست یافت نیز باید گفت در آن زمان، زیر تمام برجسب‌ها، دعا‌های کارتی و پوسته‌های مذهبی که در پاساژ مهستان چاپ و در سراسر کشور فروخته می‌شد، اسم «پاساژ مهستان» نیز منتشر می‌شد که این اقدام به تدریج باعث می‌شود «مهستان» به نامی آشنا در بین دوستداران کالا‌های مذهبی تبدیل شود.

آن‌طور که یکی از مغازه‌داران پاساژ مهستان می‌گوید، از زمان تأسیس پاساژ تاکنون کم‌وبیش نام مهستان شاید بیشتر از یک میلیارد بار روی محصولات مذهبی بیرون‌رفته از این پاساژ، چاپ

زمینه تولید کالاهای مذهبی فعالیت می کنند کاری ندارم؛ ولی این پاساژ خدمت بزرگی به تقویت فرهنگ دینی در جامعه کرده است و نقش مهمی در فرهنگ سازی در داخل کشور داشته و دارد؛ با وجود این، دولت هیچ توجهی به فعالیت هایی که در این پاساژ صورت گرفته، نکرده است.»

محمودی تصریح می کند: «به نظر من فعالیت هایی که در این پاساژ انجام شده، در داخل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم انجام نشده است، وزارت ارشاد مجوز کتاب و فیلم می دهد، ولی اینجا فرهنگ سازی می کند؛ البته ممکن است مسئولان وزارت ارشاد از این اظهارات من ناراحت شوند؛ ولی من بارها خودم به آشنایانم در این وزارتخانه گفتم، کاری که در مهستان انجام شده، در بسیاری از مراکزی که قدرت مالی دارند، انجام نشده است.»

محمودی با اشاره به اینکه مغازه داران پاساژ مهستان برای ادامه فعالیت های خود با مشکلات مالی بسیاری دست به گریبان هستند، می افزاید: «ما اینجا کسانی را داریم که با دست خالی محصولات مذهبی بسیار مهمی تولید کرده اند که حتی دفتر برخی مراجع عظام تقلید با آن همه امکاناتشان چنین تولیداتی نداشته اند؛ ولی این عده با وجود همه فعالیت های مثبت فرهنگی که انجام می دهند، همیشه با مشکلات مالی دست به گریبان هستند. در اینجا نه تنها از فعالیت های ما حمایتی نمی شود، بلکه برخی سازمان ها که از استطاعت مالی خوبی برخوردارند، برای چند تومان ارزان تر خریدن محصولات چانه هم می زنند!»

محمودی با اشاره به اینکه خروجی فعالیت های انجام شده در پاساژ مهستان به ویژه در زمینه تولید کالاهای مذهبی، کاملاً شفاف است، می افزاید: «به نظر من نبود حمایت از فعالیت های فرهنگی و دینی که در پاساژ مهستان صورت می گیرد، باید مایه خجالت کسانی باشد که دست اندر کار امور مذهبی هستند؛ ولی هیچ کمکی به پاساژ مهستان نکرده اند.»

گلابه از رعایت نکردن کپی رایت

اظهارات علی محمودی درباره نبود حمایت دولت از فعالیت فرهنگی صورت گرفته در پاساژ مهستان در حالی صورت می گیرد که سیدمحمدجواد معصومی، یکی دیگر از مغازه داران قدیمی مهستان درباره مشکلات پاساژ مهستان به مشکلات ناشی از رعایت نکردن حقوق تولیدکنندگان (کپی رایت) می پردازد و می گوید: «در مهستان تعدادی از فروشگاه ها و مؤسسات با هدف افزایش تأثیرگذاری محصولات مذهبی که تولید می کنند، خلاقیت بسیاری در تولید آثار خود به خرج می دهند که این خلاقیت هزینه های بالایی نیز در پی دارد؛ ولی متأسفانه مغازه ها و فروشگاه هایی نیز وجود دارند که «کپی کار» هستند.»



می کند: «بعضی مغازه داران هیچ کار خاصی روی محصولات نرم افزاری که به مشتریان می فروشند انجام نمی دهند؛ ولی مغازه دارانی نیز پیدا می شوند که با نیت ارتقای کیفیت محصولات نرم افزاری ارائه شده در پاساژ، زحمات بسیاری می کشند تا کیفیت کار افزایش پیدا کند و مصرف کنندگان به اصطلاح نگویند، نرم افزار ایرانی «آب زرشکی» است؛ ولی حمایتی از این تلاش ها صورت نمی گیرد؛ در صورتی که اگر حمایتی از انسان های بانگیزه و خلاق صورت بگیرد، این کار می تواند نقش مهمی در افزایش کیفیت محصولات ارائه شده در این پاساژ داشته باشد.»

آلودگی صوتی، از صبحگاه تا شامگاه

یکی دیگر از مغازه داران فعال در این پاساژ که نخواست به نام او اشاره ای شود، آلودگی صوتی را یکی از بزرگ ترین مشکلات فعالیت در پاساژ مهستان دانست و تصریح کرد: «بعضی از فروشگاه ها در این پاساژ، صبح تا شب صدای ضبط را برای جلب توجه مشتری بالا می برند، بدون اینکه به این توجه داشته باشند، پاساژ مهستان یک مکان در بسته است و سر و صدا در آن می پیچید.»

این مغازه دار میانسال می افزاید: «بسیاری از مغازه دارانی که در پاساژ مهستان فعالیت می کنند، جوان هستند و تحمل سر و صدای زیاد را دارند، ولی کسانی که سن و سالی از آنها گذشته است، تحمل این قدر سر و صدا را ندارند.»

وی با طرح این پرسش که آیا تلاش برای فروش بیشتر آن هم به قیمت ایجاد آلودگی صوتی و نارضایتی دیگران درست است، اظهار می دارد: «بعضی ها فکر می کنند، فروش با بلند کردن صدای نوار بیشتر می شود؛ در صورتی که روزی انسان دست خداست. ما اینجا فروشنده ای داریم که وقتی می بیند، مغازه ای که با آن رقابت دارد، شلوغ شده و مشتری بیشتری جذب کرده است، صدای بلندگوهایش را برای جلب توجه تا آخر زیاد می کند، به جای اینکه برود تلاش کند، در تولید محصولات مذهبی خود خلاقیت به خرج دهد و صبح زودتر سر کار بیاید.»

بنابر اظهارات این مغازه دار قدیمی، تذکرات داده شده تاکنون به نتیجه ای نرسیده است و آلودگی صوتی اصلی در مهستان در دوره هایی مثل ایام محرم به اوج خود می رسد.

وی با اشاره به اینکه ادامه فعالیت در پاساژ مهستان بسیار سخت شده است، می گوید: «شما نمی دانید آلودگی صوتی یعنی چی؟ شما صبح تا شب مجبورید، صدای بلند یک مداحی را هر چقدر هم که دوست داشته باشی، به صورت یکنواخت گوش کنی. به نظر من آلودگی صوتی در پاساژ مهستان از آلودگی هوای تهران هم بدتر است؛ چون ما حتی وقتی که به خانه هم می رویم، باز

مدیرعامل مؤسسه فرهنگی نورالزهراء (س) که به گفته خودش، قوی ترین آرشيو سخنرانی های مذهبی را در ایران دارد، تصریح می کند: «ما این مشکل بزرگ را داریم که در ایران قانون کپی رایت اعمال نمی شود و بعضی از مغازه داران نمی خواهند خلاقیت به خرج بدهند و برای ایده های جدید هزینه کنند؛ به همین علت منتظر می نشینند تا مؤسساتی نظیر ما تولید کنند و آنها محصولات مذهبی ما را سریع کپی کنند و به فروش برسانند! همین مسئله باعث شده است تا بعضی از مغازه داران برای خلاقیت هایی که تاکنون کرده اند بدهکار و به شدت با مشکلات مالی روبه رو شوند.»

معصومی نیز با اشاره به اینکه حمایت از مؤسساتی که محصولات خلاقانه و به روز مذهبی تولید می کنند، باعث می شود، فعالیت آنها جان بگیرد و تقویت شود، می افزاید: «ما جزو معدود مؤسساتی در ایران هستیم که تاکنون محصولات فرهنگی-مذهبی مهم بسیاری را با هزینه خودمان تولید کرده ایم؛ ولی همیشه از نظر مالی مشکل داریم؛ چون نهادهای فرهنگی از ما حمایتی نمی کنند.»

معصومی که به صورت تخصصی ۸ سال در زمینه تولید نرم افزارهای مذهبی فعال است، تصریح

می‌دهند؛ مثل آنها رفتار می‌کنند و مثل آنها لباس می‌پوشند؛ بنابراین می‌دانیم که اگر سی‌دی آنها را توزیع کنیم، عامل ترویج برخی رفتارها خواهیم شد.»

وی می‌گوید: «ما هم احتیاج مالی داریم و از پول بدمان نمی‌آید؛ ولی این‌طور نیست که برای پول هر چیزی را به اسم کالای مذهبی دست مردم بدهیم.» به گفته وی، پاساژ مهستان هر چند تولیداتی دارد که برای بسیاری از خانواده‌ها نقش کمکی مهمی در مسائل تربیتی داشته است، در همان حال محصولاتش نیز در این پاساژ ارائه می‌شود که بروز برخی مشکلات را باعث شده و در آینده نیز می‌شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین محسن تاج، یکی از روحانیانی که اخبار فعالیت‌های پاساژ مهستان را به‌دقت دنبال می‌کند، در گفت‌وگو با خیمه، درباره بازدهی پاساژ مهستان با تأکید بر ضرورت اعمال نظارت بر محتوای برخی سی‌دی‌ها می‌گوید: «در پاساژ مهستان سی‌دی‌های «اهل‌بیتی» و سی‌دی‌های «غیر اهل‌بیتی» با هم ادغام شده است؛ همین مسئله باعث شده است که پاساژ مهستان آن بازدهی مطلوبی که از آن انتظار می‌رود، نداشته باشد.»

وی تأکید می‌کند: «من با پاساژی برای عرضه محصولات دینی مخالف نیستم. بعضی از مغازها هستند که به‌راستی محصولات خوبی عرضه می‌کنند؛ ولی محصولات ناخالصی که در کنار سایر اقلام توزیع می‌شود، به محصولات خالص ضربه می‌زنند.»

حمایت بیشتر، نظارت بیشتر

در مجموع باید گفت، انگیزه اولیه برای ارائه محصولات دینی-فرهنگی، جمع شدن مغازه‌داران برای فعالیت در پاساژ مهستان، به‌کارگیری خلاقیت برای تولید محصولات جدید و استقبال عمومی از کالاهای مذهبی تولیدشده در این پاساژ، از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که باعث شده است، پاساژ مهستان از زمان آغاز به‌کار آن در سال ۱۳۷۹ تا به امروز، روزبه‌روز پیشرفت درخور توجه‌تری را شاهد باشد؛ با وجود این، باید به مشکلات کسبه فعال در این پاساژ که مسائل مالی، نبود حمایت دولت و نهادهای فرهنگی از تولیدکنندگان محصولات مذهبی، رعایت‌نکردن حقوق مؤلفان (کپی‌رایت)، آلودگی صوتی و سد معبر مهم‌ترین موارد آن است، توجه ویژه‌ای مبذول شود.

همچنین با توجه به حساسیت فوق‌العاده ارائه محصولات فرهنگی-مذهبی و تبعاتی که یک گفتار یا بدعت نادرست می‌تواند در دین و مذهب ایجاد کند، ضرورت «نظارت» بر محصولات ارائه‌شده در پاساژ مهستان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. ■

جویا می‌شوی، به مسائل در خور تأملی اشاره می‌کنند.

محمد احسان‌بخش، جوانی ۲۲ ساله است که در حال تماشای سی‌دی مداحی یکی از مداحان معروف کشور از طریق تلویزیون آویزان‌شده بر دیوار یک فروشگاه است.

او با انتقاد از نبود نظارت در مورد سی‌دی‌های که به اسم سی‌دی مذهبی در پاساژ مهستان توزیع می‌شود، می‌گوید: «هرچند در پاساژ مهستان محصولات دینی و فرهنگی ارزشمندی توزیع می‌شود، متأسفانه به دلیل نبود نظارت بر محتوای محصولات فرهنگی-مذهبی، برخی مغازه‌داران پاساژ مهستان «فرهنگ» را «تجارت» می‌کنند و تنها با هدف کسب درآمد هر نوع سی‌دی مداحی و سخنرانی را که محتوای آنها چه از نظر سبک مداحی و چه از نظر مطالب بیان‌شده در سخنرانی، خالی از حاشیه نیست، می‌فروشند و در سطح جامعه توزیع می‌کنند.»

این جوان می‌افزاید: «من تاکنون چندین بار به مغازه‌دارانی که «سی‌دی»های حاشیه‌دار می‌فروشند، گفته‌ام که شب اول قبری نیز وجود دارد؛ ولی در پاساژ مهستان بعضی از مغازه‌داران حساسیت‌های شغل خود را درک نمی‌کنند و با هدف کسب درآمد سی‌دی‌هایی می‌فروشند که پُر فروش هستند؛ ولی محتوای بعضی از آنها خالی از ایراد نیست.»

سی‌دی‌های پر فروش، اما حاشیه‌دار

دیدگاه این مشتری جوان را یکی از مغازه‌داران نیز تأیید می‌کند و می‌گوید: «من خودم از فروش سی‌دی‌هایی که احساس می‌کنم، حاشیه آنها زیاد است، هر چقدر هم که پر فروش باشند، خودداری می‌کنم؛ چون ممکن است من و امثال من عامل ترویج یک سری بدعت‌هایی باشیم که در این نوع سی‌دی‌ها دیده می‌شود و در آینده به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را جبران کرد.»

این مغازه‌دار جوان می‌افزاید: «چند مداح هستند که اگر ما می‌خواستیم، سی‌دی آنها را بفروشیم، شاید میلیون‌ها تومان نیز فروش می‌کردیم؛ ولی قید این پول را زدیم؛ چون سبک مداحی بعضی از آنها از نظر ما خجالت‌آور است و انحراف ایجاد می‌کند.

من می‌بینم، بسیاری از مشتریان جوان ما در این پاساژ، بعضی از مداحان جوان را الگو قرار

■ با توجه به حساسیت فوق‌العاده

ارائه محصولات فرهنگی-مذهبی

و تبعاتی که یک گفتار یا بدعت نادرست

می‌تواند در دین ایجاد کند

ضرورت «نظارت» بر محصولات ارائه‌شده

در پاساژ مهستان

از اهمیت به‌سزایی برخوردار است ■

سر و صداها در ذهن ما می‌پیچد. این مسئله به صورت غیرمستقیم روی رفتار من و بسیاری دیگر از همکارانم تأثیر گذاشته و آنها را پرخاشگر کرده است. کار به جایی رسیده است که حتی با مشتری نیز پرخاشگری می‌کنند. کافی است اولین حرف نامالایم را بشنوند تا عصبانی بشوند!»

رعایت نکردن نظم و انضباط

آن‌طور که یکی دیگر از مغازه‌داران جوان در مغازه‌های انتهایی طبقه آخر پاساژ می‌گوید: مغازه‌داران شاغل در پاساژ مهستان به جز آلودگی صوتی با مشکلات دیگری درباره سد معبر نیز دست به گریبان هستند. او که نخواست به نامش اشاره‌ای کنیم، در این باره گفت: «وقتی به بسیاری از پاساژهای بزرگ و معروف در تهران وارد می‌شوید، می‌بینید که آنها ظاهر بسیار شیک و مرتبی دارند؛ ولی در پاساژ مهستان برخی قسمت‌ها بیشتر شبیه کارگاه است که همین مسئله باعث شده است، ظاهر پاساژ بسیار نامرتب جلوه کند.»

نگاهی به وضعیت انتهای سالن طبقه آخر تأییدکننده اظهارات این مغازه‌دار جوان است؛ جایی که بنرهای تبلیغاتی بزرگی روی زمین پهن شده است که صرف‌نظر از فضایی که اشغال کرده‌اند، بوی رنگ استفاده‌شده روی آنها نیز نفس کشیدن در نزدیکی آنها را کمی مشکل می‌کند.

این مغازه‌دار با مقایسه شرایط ظاهری پاساژ مهستان با پاساژ قدس قم می‌گوید: «پاساژ قدس قم هم مثل پاساژ مهستان فعالیت مشابهی دارد؛ ولی چنین مسائلی اصلاً در آن پاساژ وجود ندارد، چون هیئت‌مدیره پاساژ از ابتدا بسیار سفت و سخت برخورد کرد؛ ولی اینجا از همان ابتدا سر سد معبر و سر و صدا همیشه اختلاف وجود داشته و هنوز هم وجود دارد؛ مشکلی که هنوز راه‌حلی برای آن پیدا نشده است.»

نگاه مردم به کالاهای پاساژ مهستان

پاساژ مهستان هرچند به دلیل ماهیت فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی متنوعی که در آن صورت می‌گیرد، در تمام طول سال، رفت‌وآمد مشتریان بسیاری را شاهد است، در زمان‌های خاص به‌ویژه در دهه اول محرم که به تعبیر بسیاری از فعالان مذهبی، المپیک فعالیت‌های مذهبی در ایران آغاز می‌شود، جای سوزن‌انداختن در آن وجود ندارد؛ درحالی‌که در مناسبت‌هایی مثل ایام فاطمیه، نیمه شعبان و همچنین در جریان برخی مناسبت‌های غیر مذهبی مثل روز دانش‌آموز، عید نوروز و ... که سفارش هدایای تبلیغاتی فرهنگی-مذهبی به اوج می‌رسد نیز مراجعه به پاساژ برای سفارش اقلامی نظیر سرسیدهای مذهبی بسیار زیاد می‌شود؛ مراجعه‌کنندگانی که وقتی به سراغ آنها می‌روی و نظر آنها را درباره کالاهای مذهبی در حال عرضه در پاساژ مهستان

بررسی اقلامی که برای راهاندازی یک هیئت جمع‌وجور لازم است



نیت خالص، همت عالی، بودجه‌کافی

نیت که درست باشد، همه چیز جور می‌شود
خواننده عزیز می‌باشد که به فکر راه‌انداختن یک هیئت هستی، همیشه این موضوع را به یاد داشته باش که اولین و مهم‌ترین قدم در تأسیس یک هیئت «عشق و نیت» است. بعضی‌ها از یک هیئت قهر می‌کنند و می‌خواهند برای روکم‌کنی و حفظ غرورشان هیئت جدید تأسیس کنند! بهتر است جزو این دسته نباشیم؛ چون این کار از اساس غلط است و از عشق بی‌بهره!
هر چند این عده ممکن است در ابتدا مردم زیادی را هم دور خود جمع کنند، گذر روزگار ثابت کرده است که این هیئت‌ها عمر چندانی نمی‌کنند و حتی اسمی نیز از آنها نمی‌ماند. این مسئله را گفتیم تا از همین ابتدا تکلیف خودتان را مشخص کنید.

این هدف را نداشته باشیم که هیئت‌های دیگر را خالی کنیم، بلکه باید به گونه‌ای عمل کنیم تا کسانی را که به هیئت نمی‌روند، جذب کنیم تا رونق مجالس ابی‌عبدالله (ع) بیشتر شود؛ پس قبل از اینکه به فکر تهیه لوازم موردنیاز و

محمد خویان

ادامه می‌یابد؛ ولی یک لحظه صبر کنید؛ اگر جزو آن دسته از کسانی هستید که به راحتی تسلیم نمی‌شوید و هنوز در آرزوی این هستید که یک هیئت جمع‌وجور برای خودتان راه بیندازید، این گزارش را دنبال کنید.

ما مهم‌ترین راز و رموز تأسیس یک هیئت جمع‌وجور و روش‌های نگهداری از تجهیزات مورد استفاده در آن را به شما می‌آموزیم.

■ **اولین و مهم‌ترین قدم در تأسیس یک هیئت «عشق و نیت» است**

بعضی‌ها از یک هیئت قهر می‌کنند و می‌خواهند برای روکم‌کنی و حفظ غرورشان هیئت جدید تأسیس کنند بهتر است جزو این دسته نباشیم چون این کار از اساس غلط است و از عشق بی‌بهره ■

بسیاری فکر می‌کنند که راه‌انداختن یک هیئت، کار سختی است. وقتی به سراغ همین عده می‌روی و به آنها پیشنهاد می‌دهی یک هیئت جمع‌وجور برای خودتان دست و پا کنی، آنها در جواب می‌گویند: «چرا وقتی می‌توان بدون هیچ دردسری در یک هیئت شرکت کرد، باید به فکر راه‌انداختن هیئتی بود؟ واقعاً چرا وقتی می‌توانی هر وقت دوست داری در هیئت سر کوچه یا خیابان شرکت کنی، یک شب به این هیئت بروی و یک شب به هیئتی دیگر، خودت را زیر بار مسئولیت‌ها بگیری؟! هیئت راه‌انداختن که فقط مردم را دور هم جمع کردن نیست. پول می‌خواهد، لوازم می‌خواهد، مداح و سخنران می‌خواهد، پذیرایی لازم دارد و ...»

شنیدن چنین جواب‌هایی و بالا و پایین کردن آنها، بسیاری را قانع می‌کند و همین عده نیز وقتی کس دیگری به آنها پیشنهاد تأسیس یک هیئت جدید را می‌دهد، همین جواب‌ها را آن‌چنان بر فرق سر آن بنده خدا می‌کوبند که دیگر چنین فکری به سرش خطور نکند! و این چرخه همین‌طور

۳. از گذاشتن اجسام داغ و از اتوکردن البسه روی فرش خودداری کنید.

۴. از قراردادن وسایل گرمازا (مثل بخاری) به صورت مستقیم روی فرش خودداری کنید؛ چراکه باعث می‌شود، سطح فرش زرد شود.

۵. به منظور جلوگیری از سایش موضعی، فرش‌ها را هر چند وقت یک‌بار سر و ته کنید.

۶. هر چند وقت یک‌بار گرد و غبار و ذرات ریز که به مرور زمان داخل پرز فرش شده‌اند، به کمک جارو برقی با قدرت مکش قوی خارج کنید.

۷. هنگام حمل و نقل و جابه‌جایی فرش، آن را رول (لوله) کنید؛ چراکه تا نمودن به فرش آسیب می‌رساند.

موکت

اگر قدرت خرید فرش ندارید و نتوانستید آن را از دوستان و آشنایان قرض بگیرید، می‌توانید از موکت استفاده کنید. موکت را، هم می‌توانید بخرید

و هم می‌توانید قرض کنید؛ ولی اگر می‌خواهید آن را بخرید، این نکته را به یاد داشته باشید که به‌طور معمول در مکان‌های پررفت‌وآمدی مثل هیئت از کفپوش‌های سخت و بادوام استفاده می‌شود؛ پس از خرید کفپوش‌های تزئینی پرهیز کنید و به‌دنبال خرید موکت کارخانه‌هایی مثل «ظریف مصور» یا «پالاز موکت» نیاشید.

کسی که آمده است، در هیئت ابی‌عبدالله (ع) شرکت کند، از شما انتظار ندارد، موکت صادراتی زیر پای او بیندازد. این نکات را نیز حتماً به یاد داشته باشید تا موکتی که خریده‌اید یا به امانت گرفته‌اید، آسیب نبیند و به‌زودی از قیافه نیافتد:

۱. خواب پُرزهای همه موکت‌ها باید به یک سمت باشد. هنگام نصب موکت‌ها در کنار یکدیگر حتماً به سمت خواب پُرزها دقت کنید.

۲. از آنجایی که قرار است، موکت بخش زیادی از فضای هیئت را بپوشاند، باید در هنگام انتخاب موکت، اصول مربوط به رنگ مناسب را نیز در نظر گرفت. این نکته مهم در مورد رنگ موکت وجود دارد که زمانی که پس از خریداری به خانه آورده می‌شود، روشن‌تر از زمانی است که همان موکت در مغازه بوده است.

همیشه رنگی که در مغازه می‌بینید، تیره‌تر از رنگی است که در خانه یا هیئت خواهید دید. این یک نوع خطای دید طبیعی است و شما هنگام انتخاب رنگ موکت باید آن را در نظر بگیرید.

نکته دیگر اینکه باید دقت کنید، رنگ موکت چگونه در مقیاس فضای یک هیئت خودنمایی می‌کند و چه تأثیری بر فضای کل هیئت دارد؛ برای مثال، موکت‌هایی با رنگ روشن، فضای هیئت را بازتر نشان می‌دهد و موکت‌های تیره باعث می‌شود، دیوارها نزدیک‌تر به هم به

گرسنه بروند. نمی‌شود مردم را دعوت کرد؛ ولی مداح و سخنرانی نیاورد تا برای آنها مداحی یا سخنرانی کند. مداح و سخنران که نمی‌توانند گلوی خود را پاره کنند تا صدای آنها به آخر مجلس برسد. فقط یک شب که نیست. مداح یا سخنران باید دست کم ۱۰ شب، آن‌هم نه فقط در مجلس شما، بلکه در سایر هیئت‌ها نیز مداحی و سخنرانی کنند؛ پس به یک سیستم صوتی مناسب نیاز دارید.

موضوع دیگر اینکه نمی‌شود مردم را روی کف خیابان و زیر سقف آسمان نشانند. باید به فکر فرش، موکت و سقفی برای آنها بود. هول نکنید. اینها را نمی‌گوییم تا بترسید و بی‌خیال شوید. می‌گوییم تا بدانید چه چیزهایی ضروری است و چه چیزهای را هم می‌شود بی‌خیال شد. ما در اینجا بیشتر روی نیازها و لوازم اساسی تمرکز می‌کنیم:

فرش

هرچند انتخاب یک فرش عالی مستلزم در نظر گرفتن چند عامل اساسی از قبیل رنگ، اندازه، طرح و بودجه است، به یاد داشته باشید، مردمی که می‌خواهند پا به درون هیئت شما بگذارند، انتظار ندارند که فرش دستباف ۷۰۰ شانه یا فرش زمرد مشهد زیر پای آنها پهن کنید.

می‌توانید با توجه به فضایی که می‌خواهید در آنجا هیئت برگزار کنید، چند فرش ۹ متری تهیه کنید؛ چون حمل و نقل و شست‌وشوی آن راحت‌تر است. اگر هم دوست دارید می‌توانید از فرش ۱۲ متری استفاده کنید.

این روزها با ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان می‌توان فرش‌های عادی ۹ و ۱۲ متری خرید؛ البته تأکید می‌کنیم، فرش «عادی و معمولی»؛ تازه چانه هم می‌توانید بزنید و به مغازه‌دار بگویید با چه نیتی خرید می‌کنید. اگر قدرت خرید فرش ندارید، می‌توانید آن را از دوستان و آشنایان قرض بگیرید.

مطمئن باشید، بسیاری حاضرند، برای صوابش هم که شده برای ۱۰ روز فرش خانه‌شان را به شما قرض بدهند. فقط در هنگام پذیرایی احتیاط کنید تا فرش کثیف نشود؛ چون تمیز کردن آن، کار سختی است؛ پس حواستان را جمع کنید و فقط به دنبال بهترین نباشید تا اگر یک وقت پایتان پیچ خورد و سینی چای یا شربت بر روی فرش ریخت، همان‌جا از ترس خشکتان نزنند!

این ۷ نکته را هم حتماً به یاد داشته باشید تا بتوانید از فرشی که خریده‌اید، بیشترین استفاده را بکنید تا خیالتان از خرید فرش برای چند سال آینده راحت باشد.

۱. از قراردادن فرش در مکان مرطوب و نمدار و یا در مقابل نور مستقیم خورشید خودداری کنید.
۲. بهتر است اندازه فرش با مکان مورد استفاده متناسب باشد که در آن تاخوردگی به وجود نیاید.

رونق هیئت خود باشید، نیت خودتان را از صافی رد کنید و ببینید هدف شما از راه‌اندازی یک هیئت چیست؟

نباید این هدف را داشته باشید که چون دیگران هیئت دارند، ما هم باید هیئت داشته باشیم. اگر نیت درست باشد، برکت هم می‌آید و همه چیز به‌سادگی جور می‌شود.

هیئت، بزرگ‌تر می‌خواهد

اگر جوان هستی و می‌خواهید یک هیئت راه بیندازید، قبل از شروع کار به فکر پیدا کردن یک بزرگ‌تر هم برای هیئت خود باشید. نگویید، ما خواستیم هیئت راه بیندازیم که از دست بزرگ‌ترها خلاص شویم و هرطور که دلمان خواست، مجلس بگیریم. هیئت بهتر است که ریش سفید داشته باشد. چرا؟ به چند دلیل:

■ دلیل اول: هیئت در عین حال که وسیله خوبی برای رسیدن به خداست، می‌تواند وسیله‌ای برای به انحراف کشیدن جوان‌های کم‌سن و سال نیز باشد. وقتی یک جوان هیئت به راه می‌اندازد و بر سر زبان‌ها می‌افتد، خطر گیر افتادن در دام غرور، همیشه در کمین اوست. در هیئت وقتی بزرگ‌تری حضور داشته باشد، می‌توان خاطر جمع بود که وقتی اشتباهی می‌کنی، تذکری هم به شما بدهد.

■ دلیل دوم: با مشورت با یک بزرگ‌تر نه تنها می‌توانید، بسیاری از موانع را پشت سر بگذارید، بلکه می‌توانید از اعتبار او نیز استفاده کنید و بسیاری از نیازهایتان را برطرف کنید. بیشتر مردم وقتی ببینند که بزرگ‌تری در هیئت وجود دارد، راحت‌تر اعتماد می‌کنند و لوازم مورد نیازتان را به شما امانت می‌دهند.

■ دلیل سوم: وجود یک بزرگ‌تر به هیئت نظم می‌دهد. اگر کمی دقیق نگاه کنید، می‌بینید در بسیاری از هیئت‌های تازه‌تأسیس بی‌نظمی بیداد می‌کند؛ چون همه می‌خواهند که کاری انجام دهند؛ ولی به دلیل تجربه‌نداشتن دچار اشتباهات فراوان می‌شوند؛ اشتباهاتی که ممکن است، از همان ابتدا روی مخاطب تأثیر بدی بگذارد و به قول معروف، آنها را پُر بدهد.

هیئت که بزرگ‌تر داشته باشد، مسئولان آن می‌دانند هر کاری را به چه کسی بسپارند و وقتی مشکلی پیش آمد، چطور آن را رفع و رجوع کنند؛ البته دلیل‌های دیگری نیز وجود دارد که ما به همین سه دلیل اکتفا می‌کنیم.

نیازهای اولیه هیئت چیست؟

هیئت راه‌انداختن صرف‌نظر از مسائلی که بدان اشاره کردیم، نیازهای سخت‌افزاری هم دارد. هرچند هیئت راه‌انداختن فقط مردم را دور هم جمع کردن نیست، وقتی همین مردم دور هم جمع می‌شوند، لازم است به فکر پذیرایی و رفاه آنها نیز باشیم. نمی‌شود مردم تشنه بیایند و

زیادی حفظ شود و هرچه زیرسازی موکت بهتر و باکیفیت‌تر باشد، آن موکت راحت‌تر و نرم‌تر خواهد بود و در برابر فرسودگی مقاوم‌تر است.

داربست و برزنت

اگر برای برپایی هیئت، مکان سرپوشیده مناسبی در اختیار ندارید، لازم نیست قید هیئت را بزنید؛ به‌ویژه اگر ماه‌های محرم و صفر با ماه‌های سرد سال هم‌زمان نیست. وجود خانه یا اتاق دائمی از اهمیت کمتری نیز برخوردار است، هرچند در ماه‌های سرد سال نیز می‌توان با تمهیداتی یک مکان موقت ایجاد کرد.

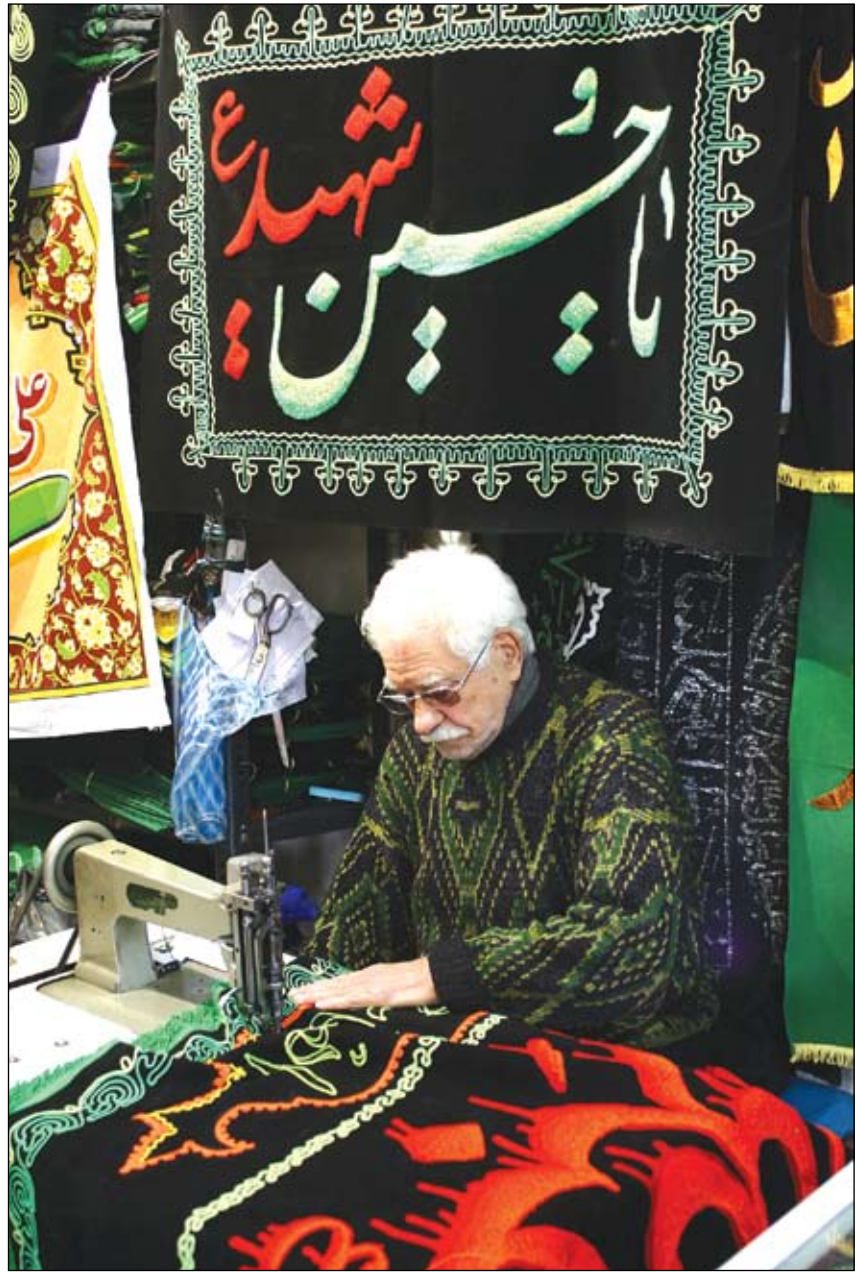
امروز شرکت‌های زیادی وجود دارند که در زمینه اجاره و نصب داربست فعالیت می‌کنند. فقط کافی است چند روز جلوتر از اینکه می‌خواهید هیئت خود را برپا کنید، سری به نیازمندی‌های روزنامه‌ها به‌ویژه روزنامه همشهری بزنید تا بتوانید نزدیک‌ترین شرکت را به محلی که قصد دارید در آنجا هیئتی برپا کنید، شناسایی کنید.

فقط این نکته را به یاد داشته باشید که داربست را ماهیانه اجاره می‌دهند؛ نه روزانه؛ یعنی شما چه بخواهید ۱۰ روز داربست اجاره کنید یا ۳۰ روز باید هزینه اجاره یک ماه را کامل پرداخت کنید؛ البته بسیاری از شرکت‌های داربست‌زنی برای هیئت‌ها تخفیف ویژه‌ای قائل هستند.

شما باید بیشتر از اینکه نگران قیمت باشید به فکر مکانی باشید که می‌خواهید هیئت خود را در آنجا برپا کنید. اگر می‌خواهید هیئت را در یک مکان پرتردد برپا کنید، بهتر است این کار را بگذارید برای آخرین روزهای قبل از عزاداری.

همان روزهای آخر هم اگر صبر کنید تا شب شود، بهتر است. در ضمن یادتان باشد، در ورودی را طوری طراحی کنید که پشت سر مخاطبان باشد تا آنها که دیرتر می‌آیند، حواس بقیه را پرت نکنند.

نکته آخر درباره داربست اینکه، نصب داربست را به یک روز مانده به شروع کار هیئت موکول نکنید. همیشه چند روز قبل از برپایی هیئت، داربست را نصب کنید تا فرصت کافی برای نصب برزنت و سیاه‌کاری داشته باشید. داربست را که نصب کردید، باید به فکر پوشش در و دیوار آن نیز باشید. معمولاً برای پوشش داربست از برزنت



است، پس از خرید موکت با آن روبه‌رو شوید، حمایت می‌کنند. هرچه کیفیت موکت افزایش یابد، حمایت‌های ضمانت پس از فروش آن نیز افزایش می‌یابد.

۴. یکی از مواردی که باید به آن توجه شود و بسیار مهم است، قسمت پشت موکت است که چون دیده نمی‌شود زیاد هم به آن توجه نمی‌شود؛ در صورتی که از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرسازی موکت، قسمتی از موکت است که بین موکت و زمین قرار دارد و تفاوت اصلی یک موکت معمولی و یک موکت عالی در این قسمت مشخص می‌شود. زیرسازی خوب در یک موکت باعث می‌شود، جلوه موکت تا مدت

نظر برسند و یک نوع احساس صمیمیت را در محیط القا می‌کنند. کارشناسان دکوراسیون داخلی معتقدند، رنگ‌های خنثی بهترین گزینه برای رنگ موکت هستند؛ زیرا رنگ‌های خنثی به راحتی با رنگ‌های دیگر هماهنگ می‌شود و اگر رنگ موکت هیئت خنثی باشد، راحت‌تر می‌توانید از طیف‌های رنگی متنوع برای رنگ دیگر وسایل استفاده کنید.

۳. مسئله ضمانت پس از فروش یکی از مواردی است که هنگام خرید موکت نباید آن را نادیده گرفت. محصولات مختلف دارای ضمانت فروش و گارانتی‌های گوناگون هستند که شما را در مورد مشکلات احتمالی که ممکن

■ **هیئت در عین حال که وسیله خوبی برای رسیدن به خداست، می‌تواند وسیله‌ای برای به انحراف کشیدن جوانان کم سن و سال نیز باشد**
وقتی یک جوان هیئت به راه می‌اندازد و بر سر زبان‌ها می‌افتد خطر گیر افتادن در دام غرور همیشه در کمین اوست ■

بعدها در جلسات ماهیانه و هفتگی هیئت هم می‌توانید از این پرچم برای نشانی استفاده کنید. سعی کنید پرچم‌هایی را بخرید که قابلیت شست‌وشو داشته باشند و بعد از باز کردن زیاد چین و چروک نشوند.

سیستم صوتی

سیستم صوتی هم از آن دسته تجهیزاتی است که الزامی به خرید آن ندارید؛ البته آن را امانت هم نمی‌توان گرفت؛ چون وسیله‌ای نیست که کسی آن را در ماه محرم امانت بدهد. (خودشان لازم دارند.)

برای انتخاب سیستم صوتی می‌توانید به سراغ نیازمندی‌های روزنامه همشهری بروید یا سری به میدان جمهوری بزنید. بورس چنین تجهیزاتی آنجاست. برای اجاره سیستم صوتی لازم است، چک ضمانت بدهید و مهر هیئت را هم نشان بدهید. دیگر اینکه چه سیستمی انتخاب کنید به عهده خودتان است.

ما نمی‌توانیم به شما بگوییم، از چه سیستمی استفاده کنید؛ هم خارجی دارد و هم ایرانی؛ ولی تو رو به خدا سیستمی اجاره کنید که هر شب خراب نشود یا دائم خش خش نکند. این طوری اعصاب مردم به هم می‌ریزد و شما هم باید به این فکر باشید که به جای رسیدگی به سایر کارها به فکر تعمیر باندها باشید. آخر کار هم می‌بینید که با هزینه‌ای که بابت تعمیر کرده‌اید، می‌توانستید، یک سیستم صوتی حرفه‌ای اجاره کنید.

معمولاً برای هیئت‌ها یک جفت باند و یک دستگاه آمپلی‌فایر کفایت می‌کند. اینکه میکروفن، بی‌سیم باشد یا معمولی، دیگر به سلیقه خودتان بستگی دارد. صرف‌نظر از اینکه شما چه سیستمی اجاره می‌کنید، این چند نکته را به یاد داشته باشید:

۱. همیشه یک نفر را که به کار با میکروفن و سیستم صوتی آشناست، در کنار دستگاه بگذارید تا بتواند صدای سوت، قطع و وصل شدن صدا و هر جور مشکل ناگهانی دیگری را به سرعت برطرف کند.

۲. سیم‌های ارتباطی را از زیر فرش و موکت رد کنید تا پای کسی به آن گیر نکند و دم و دستگاه صوت بر فرق سر یک بنده خدای از همه‌جا بی‌خبر فرود نیاید. با این حال اگر اتفاقی افتاد و صدا قطع شد، اصلاً دستپاچه نشوید. مشکل را با آرامش برطرف کنید. این جور حادثه‌ها در هر هیئتی اتفاق می‌افتد.

۳. بلندگوها را در دو طرف مجلس بگذارید، طوری که صدا بیچد؛ البته آنها را پشت سر مردم نگذارید که گوششان کُر شود. در ضمن به فکر همسایه‌ها نیز باشید. حواستان باشد که شما در یک منطقه مسکونی هیئت دارید؛ پس نباید با سر و صدای زیاد همسایه‌ها را اذیت کنید.

■ معمولاً برای پوشش داربست از برزنت استفاده می‌کنند ولی در چند سال اخیر مشمع ضدآب ضخیمی نیز وارد بازار شد که به «مشمع کانتینری» معروف است مشمع نسبت به برزنت این مزیت را دارد که به راحتی می‌توانید آن را سال بعد در انباری نگاه دارید ■

بافت آن بیشتر شبیه پارچه توری می‌شود تا پارچه مشکی؛ رنگ سیاه آن هم چنگی به دل نمی‌زند؛ پس دست‌کم، این یک قلم را خوب انتخاب کنید تا بتوانید برای سال‌های بعد هم از آن استفاده کنید. طوری از پارچه سیاه استفاده کنید که هم همه‌جا را بپوشاند و هم اسراف نکرده باشید.

بعد از اینکه داربست و برزنت را نصب کردید، با حوصله همه‌جا را اندازه بگیرد و بعد بریدن پارچه را شروع کنید؛ به این ترتیب، هم وقت شما کمتر گرفته می‌شود و هم دیوارهای هیئت پر از وصله‌پینه نمی‌شود.

قشنگی پارچه سیاه به یک‌دست بودن آن است. اگر پارچه را بد برش بزنید و آنها را به هم وصله‌پینه کنید، مخاطب را شاید یاد شلوار «الیور توئیست» بیندازد. همین‌طور مهم است که وقتی محرم تمام شد و جمع کردن وسایل را شروع می‌کنید، حواستان باشید که هر پارچه مال کجا بوده است؛ وگرنه سال بعد گیج می‌زنید و یکجا پارچه زیاد می‌آورد و یکجا کم.

اصلاً بهتر است روی پارچه‌ها شماره بزنید تا سال بعد مثل قطعات پازل آنها را به هم وصل کنید. پارچه سیاه را که به در و دیوار نصب کردید، چند کتیبه بزرگ نیز در قسمت‌های مختلف هیئت آویزان کنید. این طوری هیئت بسیار شکیل‌تر می‌شود و بیشتر جلب توجه می‌کند.

امروز با وجود آنکه کتیبه‌های متعدد و رنگارنگی در بازار وجود دارد؛ ولی همان کتیبه‌های قدیمی و سیاه و سفید مثل «باز این چه شورش است...» بیشتر از کتیبه‌های رنگی به دل می‌نشیند. پرچم‌ها را هم جایی نصب کنید که دیده شوند. یک پرچم خاص را بزنید سر در حسینی تا علامت مشخصه هیئت شما باشد.

■ برای پارچه سیاه هزینه کنید

و جنس خوب بخرید

چون هر چه قیمت ارزان‌تر می‌شود

بافت آن بیشتر شبیه پارچه توری می‌شود

تا پارچه مشکی

رنگ سیاه آن هم چنگی به دل نمی‌زد ■

استفاده می‌کنند؛ ولی در چند سال اخیر مشمع ضدآب ضخیمی نیز به بازار وارد شد که به «مشمع کانتینری» معروف است. مشمع نسبت به برزنت این مزیت را دارد که به راحتی می‌توانید آن را جمع کنید و تا هیئت سال بعد در انباری بگذارید؛ ولی برزنت چون به علت بارش برف و باران خیس می‌شود، باید حتماً آن را خشک کنید و بعد جمع کنید.

ما پیشنهاد می‌کنیم که برای برای سقف هیئت از مشمع ضدآب استفاده کنید و برای دیوارهای آن از برزنت. با این روش دیگر نگران خیس شدن برزنت سقفی نیستید و برزنت نیز بهتر جلوی نفوذ سرما را از اطراف هیئت می‌گیرد؛ به این ترتیب شما می‌توانید برای سقف هیئت از مشمع درجه یک استفاده کنید و برای دیوارها از برزنت درجه دو.

این‌طور شاید بتوانید در هزینه‌ها صرفه‌جویی کنید تا بتوانید یک چایخانه و طاق نصرت هم برای هیئت خود برپا کنید. در ضمن مراقب باشید جایی از برزنت سوراخ نباشد تا باران به داخل چکه کند. برزنت را هم محکم ببندید و مراقب باشید شکم نیندازد؛ چون موقع بارندگی آب توی گودی‌ها جمع می‌شود و اگر پاره شود، وای به حال آنهایی که آب بر سر آنها می‌ریزد. بهتر است حواستان را از همان ابتدا جمع کنید تا مجبور نشوید کلی از آنها عذرخواهی کنید!

راستی مواظب باشید، بخاری را نزدیک برزنت نگذارید. هیئت‌ها و تکایای سوگواری باید از نظر مکانی در موقعیت مناسب و به‌گونه‌ای برپا شوند که امکان دسترسی آتش‌نشانان به هنگام حادثه احتمالی امکان‌پذیر باشد و سد معبر و یا مختل کردن رفت‌وآمد خودروها را باعث نشوند.

برپای تکایا نباید در زیر تیرهای چراغ برق و یا در مجاورت منازل مسکونی باشد؛ زیرا در صورت بروز هرگونه آتش‌سوزی احتمالی، امکان گسترش آتش به منازل مسکونی هم‌جوار وجود دارد. وقتی مشغول نصب داربست می‌شوید، نکاتی که بدان اشاره شد، حتماً رعایت کنید.

پارچه سیاه، کتیبه و پرچم

پارچه سیاه، نماد رسیدن ماه محرم است. نمی‌توانید آن را قرض بگیرید. باید دست به جیب شوید و بخرید؛ آن هم به مقدار زیاد تا رنگ سیاه سرتاسر فضای هیئت شما را فرا بگیرد. خدا را شکر، همه جنسی و با هر قیمتی نیز وجود دارد؛ از متری ۳۰۰ تومان دارد تا چند هزار تومان.

هرچند با آغاز ماه محرم تقاضا برای خرید پارچه‌های مشکی و سبز به شدت افزایش می‌یابد و قیمت کمی بالا می‌رود؛ ولی ما پیشنهاد می‌کنیم که برای پارچه سیاه هزینه کنید و جنس خوب بخرید؛ چون هر چه قیمت ارزان‌تر می‌شود،

کاری نکنید همسایه‌ها از اینکه به شما کمک کرده‌اند، پشیمان شوند.

سیستم گرمایی

هیئت را نمی‌توان با شوفاژ گرم کرد. از بخاری برقی هم نمی‌توان استفاده کرد، چون مصرف برقیش بالاست و اصلاً کفاف جمعیت را نمی‌کند. بهترین وسیله برای این کار بخاری گازی است. در قدیم بسیاری از هیئت‌ها از بخاری نفتی استفاده می‌کردند؛ ولی این روزها کمتر هیئتی را می‌توان پیدا کرد که در آن از بخاری نفتی استفاده شود؛ با وجود این هنگامی که قصد خرید یا اجاره بخاری را دارید، این نکات را از یاد نبرید:

۱. یکی از فاکتورهای انتخاب بخاری، در نظر گرفتن مترائ هیئت یا فضایی است که می‌خواهید با بخاری گرمش کنید. برای اینکه بفهمید، عددی که به منزله میزان تولید حرارت روی بخاری نصب شده است، برای فضای شما مناسب است یا نه، می‌توانید این عدد را (که واحدش کالری است) بر عدد ۲۴ تقسیم کنید.

از طرف دیگر، مترائ هیئت را در عدد ۳ ضرب کنید. حاصل ضرب این دو عدد باید با حاصل تقسیم اولی برابر یا نزدیک به آن باشد؛ برای مثال اگر مترائ فضای هیئت شما ۷۰ متر است، حاصل ضرب آن در ۳ می‌شود ۲۱۰.

حالا اگر بخاری‌ای که می‌خواهید بخرید ۴۸۰۰ کیلوکالری گرما تولید می‌کند، حاصل تقسیم این عدد بر ۲۴ می‌شود ۲۰۰ که با ۲۱۰ اختلاف چندانی ندارد؛ پس این بخاری مورد مطلوبی برای گرم کردن فضای هیئت شماست. اگر مترائ هیئت شما بزرگ‌تر است می‌توانید بخاری‌هایی با برچسب تولید حرارت بیشتر تهیه کنید.

۲. موقع خرید بخاری به جز توان گرمایی آن به رده مصرف انرژی آن نیز حتماً توجه کنید. اصلاح الگوی مصرف فقط مختص به امسال نیست. ثروت ملی را که نباید بیهوده سوزاند، حتی اگر برای مجلس امام حسین (ع) باشد. رده انرژی بخاری با یک برچسب شفاف روی آن مشخص می‌شود.

روی این برچسب، رده انرژی را با حروف انگلیسی نشان می‌دهند که هرچه به ابتدای الفبای انگلیسی نزدیک‌تر باشد، بازده خالص بخاری بیشتر و هرچه به حروف آخر الفبا نزدیک باشد، بازده خالص آن کمتر است. رده‌های A و B به ندرت در ایران یافت می‌شوند، پس بهتر است بخاری‌هایی با رده انرژی C, D, E, F, G تهیه کنید. در صورت استفاده از بخاری‌های گازی و پس از نصب بخاری و اطمینان از عملکرد صحیح آنها مراقب باشید که شیر فلکه

سیستم صوتی‌ای که اجازه می‌کند

به گونه‌ای باشد که هر شب خراب نشود

یا دائم خش خش نکند

این طوری اعصاب مردم به هم می‌ریزد

و شما هم باید

به جای رسیدگی به سایر کارها

به فکر تعمیر باندها باشید

گاز مخصوص دستگاه در معرض دستکاری بچه‌ها و آسیب‌های فیزیکی قرار نگیرد. ۳. داشتن سیستم ایمنی ترموکوپل که در صورت خاموش شدن بخاری، جریان گاز را به طور اتوماتیک قطع می‌کند، برای تمام تولیدکننده‌های بخاری گازی اجباری است؛ اما دقت کنید که بخاری را حتماً از فروشگاه‌های معتبر بخرید.

از اعتبار مارک بخاری و استاندارد بودن آن اطمینان حاصل کنید. چیزی که در بخاری‌های بدون دودکش اهمیت دارد، به کارگیری سیستم ایمنی ODS است. این سیستم به محض اینکه، به هر دلیل، اکسیژن محیط به ۱۸ درصد و پایین‌تر برسد، جریان گاز ورودی به بخاری را قطع می‌کند و تا زمانی که ترکیب هوا مناسب نشده است و روشن شدن بخاری خطرناک باشد، حتی برای روشن کردن آن هم اجازه نمی‌دهد.

اگر هیئت شما در یک مکان بسته برگزار می‌شود، حتماً مراقب باشید که از چه مدل بخاری‌ای استفاده می‌کنید. درست است که مردم برای مجلس عزاداری آمده‌اند؛ ولی مراقب باشید تا مراسم، خدای نکرده، به مجلس عزای خودشان تبدیل نشود.

۴. اگر در هیئتتان احياناً از بخاری نفتی استفاده می‌کنید، آن را حتماً روی سینی مخصوصی قرار دهید تا در صورت نشست احتمالی نفت، محیط آلوده و آماده آتش‌گیری نشود. در ضمن از گازسوز کردن بخاری‌های نفتی و دیگر وسایل گرمازا بدون رعایت دستورات کارخانه سازنده خودداری کنید. مخزن نفت بخاری را هم در زمان روشن بودن بخاری پر نکنید.

همچنین در زمان استفاده از بخاری‌های نفتی تمام درها و پنجره‌ها و یا در چادری تکاپا را نبندید و مسیری را برای ورود هوای تازه به

از قبل حتماً چندین جلسه

پای صحبت سخنران و مداحی مداح بشنیدید

یک مداح اعصاب خردکن

که برای درآوردن اشک مردم

هزار قصه و افسانه بی‌سند از جیبش در می‌آورد

به تنهایی می‌تواند

همه زحمات شما را خشتی کند

محیط باز بگذارید تا اکسیژن کافی محیط تأمین شود.

مداح و سخنران

همه این وسایل را که تهیه کردید، نوبت به آن می‌رسد که یک مداح و روحانی را نیز به مجلس خود دعوت کنید.

هرچند بسیاری دوست دارند، برای رونق هیئتشان از مداحان و سخنرانان معروف استفاده کنند، همان‌طور که در شروع مطلب گفتیم، نیت باید خالصانه باشد. اگر هیئت گرفته‌اید تا مداح یا سخنران معروف دعوت کنید و پُزش را بدهید، به بی‌راهه رفته‌اید. حضور فلان مداح یا سخنران معروف، شاید هیئت را شلوغ کند؛ ولی قرار نیست، برکت بیاورد.

خودتان باید دستتان بیاید چه جور جمعی دارید و چند نفرید. برای همین، دنبال مداح و سخنرانی بگردید که به تیپ هیئت شما بخورد. در ضمن از قبل، حتماً چندین جلسه پای صحبت سخنران و مداحی مداح بشنیدید تا بدانید چه وضعیتی دارد. این کار را حتماً باید خودتان کنترل کنید و نمی‌شود روی حرف بقیه حساب کرد. یادتان باشد که مهم‌ترین قسمت کار همین قسمت است.

یک مداح اعصاب خردکن که برای درآوردن اشک مردم هزار قصه و افسانه بی‌سند از جیبش در می‌آورد، به تنهایی می‌تواند، همه زحمات شما را خشتی کند.

مداح و سخنران خوب که انتخاب کردید، به فکر زمان‌بندی هم باشید. اینکه سخنران چه زمانی بالای منبر برود و بعد از او مداح کی کارش را شروع کند، بسیار مهم است. برای این کار یک ساعت بزرگ را طوری آویزان کنید تا کسی که روی منبر است، به راحتی آن را ببیند و زمانش را تنظیم کند.

ترافیک و احتمال دیرآمدن مداح و سخنران را نیز مدنظر داشته باشید؛ پس یک مداح کمکی و البته محلی دست و پا کنید تا اگر مشکلی برای مداح اصلی پیش آمد و دیر رسید یا اصلاً نرسید، بتواند مجلس را بگرداند. خواندن قرآن یا زیارت عاشورا یا نماز مغرب و عشاء، یا همه اینها با هم، می‌تواند نشانه آغاز کار رسمی هیئت باشد و بعد از آنها، سخنرانی شروع شود.

پذیرایی

پذیرایی، آخرین مرحله است؛ ولی شما از همان ابتدای کار باید معلوم کنید، چند روز می‌خواهید غذا بدهید. در قدیم بسیاری از هیئت‌ها آشپز مخصوص داشتند.

هنوز هم همین‌طور است و بسیاری از هیئت‌ها با نذرهایی که از مردم دریافت می‌کنند، خودشان آشپزی می‌کنند؛ ولی این روزها شرکت‌های بسیاری وجود دارند که با قیمت‌های مناسب، سفارش‌های زیاد را با کیفیتی مناسب انجام می‌دهند؛ تازه اگر

نمی‌توان مدعی شد، تمام فوت‌وفن‌های لازم برای برگزاری یک هیئت را می‌توان در چند صفحه آورد.

در کنار این توضیحات به شما توصیه می‌کنیم از تجربیات و نظریات هیئت‌داران قدیمی که الحمدالله تعدادشان در جامعه ما کم هم نیست، نهایت استفاده را ببرید.

این استفاده از تجربیات آنها می‌تواند به صورت مستقیم در قالب استفاده از سخنان آنها و یا با حضور در هیئت‌هایشان و توجه به جزئیاتی که این هیئت‌های باتجربه در برپایی یک هیئت مدنظر قرار داده‌اند، محقق شود.

در پایان باز هم تأکید می‌کنیم، اگر نیت شما پاک باشد و همتان عالی، به‌طور قطع در کارتان موفق خواهید شد. ■

از این موضوع هم مطمئن شوید که تقسیم‌کنندگان غذا، حرفه‌ای و دقیق عمل کنند تا به همه به یک میزان غذا برسد. هیچ چیز به اندازه نگاه‌های نفرت آخر، آدمی را شرمند نمی‌کند.

می‌توانید از غذاهای خورشتی استفاده کنید تا اگر خورشت کم آمد، ملاتش را کنترل کنید تا به همه برسد.

به فکر تهیه چای، قند، استکان و نعلبکی هم باشید. هرچه به روزهای تاسوعا و عاشورا نزدیک شوید، می‌بینید هزینه پذیرایی بالاتر می‌رود. آن‌طور که چند نفر از مسئولان هیئت‌ها در گفت‌وگو با ما اعلام کرده‌اند، هزینه‌های برپایی هیئت در مقایسه با سال گذشته حدود ۲۰ درصد افزایش یافته است؛ پس به فکر مدیریت هزینه‌های هیئت باشید.

همه مواردی که به آن اشاره شد، نما و شمایی کلی از برپایی یک هیئت به شما می‌دهند و

سفارش از سوی هیئت باشد، شاید تخفیف‌های خوبی هم بدهند؛ پس می‌توانید از همان ابتدا خیال خودتان را راحت کنید و به جای تلاش برای انتخاب یک آشپز مناسب، با یک شرکت قرارداد ببندید تا به این ترتیب دیگر دغدغه تهیه ظرف و ظروف را نیز نداشته باشید و از ظروف یک‌بار مصرف استفاده کنید. انتخاب در این مورد با خودتان است.

این موضوع را فراموش نکنید که تعداد حاضران در هیئت در شب‌ها یا روزهایی که اطعام می‌کنید، بیشتر می‌شود. حواستان باشد غذا کم نیاورید؛ چون باید بروید از سر کوجه پیتزا بخرید! به همین علت اول سوراخ و سمبه‌ها را ببندید و بعد بروید سراغ تقسیم غذا، چون اگر توی در و دیوار تکیه، حفره‌ای باشد، نمی‌توانید رفت‌وآمد را کنترل کنید و کنترل روند توزیع غذا از دستتان خارج می‌شود.

اقلام لازم برای برپایی یک هیئت ساده به همراه هزینه‌های تقریبی آنها

جنس	میزان مورد نیاز	قیمت واحد	قیمت نهایی	توضیحات
کتیبه افقی	۳۰ متر	متری ۶۰۰ به بالا	۱۸ هزار تومان	نبود هم ایرادی ندارد.
پارچه مشکی	دست‌کم ۲۰۰ متری، با عرض ۴۵	متری ۳۰۰ به بالا بسته به کیفیت	۶۰ هزار تومان	جنس خوب بخرید، بهتر است. ارزشش را دارد.
پارچه سبز رنگ با عرض ۹۰ س	دست‌کم ۲۰ متر	بین ۳۰۰ تا ۵۰۰	۶ تا ۱۰ هزار تومان	فضای مجلس را تشکیل می‌کند
بخاری	یک عدد بخاری گازی ۷۰۰۰		۱۰۲ هزار تومان	نباشد مردم می‌لرزند.
سیستم صوتی	بسته بزرگی هیئت‌تان فرق می‌کند.			واقعاً تنوع در این زمینه موج می‌زند.
فرش	دست‌کم ۲ تخته ۱۲ متری	بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان بسته به جنس	۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان	اندازه هیئت در این مورد بسیار مهم است.
موکت	۵۰ متر	متری ۱۰۰۰ به بالا	۵۰ هزار تومان	نکاتی را که گفته شد، رعایت کنید.
چای	یک کیلو برای ۳۰۰ نفر	چایی خوب کیلویی ۴ هزار تومان	۴ هزار تومان	جنس خوب بگیرید ثواب دارد
قند	۱۰ کیلو	کیلویی ۷۰۰ تومان	۷ هزار تومان	اندازه‌ها درشت نباشد.
مداح	۱۰ شب و هر شب نیم ساعت	بسته به مداح ۲۰ هزار تومان تا یک میلیون	۲۰۰ هزار تومان	پرونده دستمزد مداحان را در شماره ۵۳ خیمه مطالعه کنید!
سخنران	۱۰ شب و هر شب نیم ساعت	بسته به شهرت ۲۰ هزار تا ۵۰۰ هزار تومان	۲۰۰ هزار تومان	برای سخنرانان هنوز پرونده در نیابورده‌ایم!
غذا	۲۰۰ وعده هر شب و هر شب یک نوع غذای متفاوت	میانگین پرسی ۲ هزار تومان	۴۰۰ هزار تومان	
پرچم	۲ پرچم بزرگ یک در دو متر	۴ هزار تومان به بالا	۸ هزار تومان	کوچک‌تر و ارزان‌تر هم، می‌شود خرید

داربست	برای یک هیئت ۵۰ متری دست‌کم ۲۰۰ متر	متری ۶ هزار تومان	۱۲۰ هزار تومان	نگران نباشید جای تخفیف هم دارد
برزنت	دست‌کم ۲۰۰ متر	جنس خوب ضدآب متری ۳ هزار تومان	۶۰۰ هزار تومان	اگر بخواهید می‌توانید از برزنت درجه ۲ و ۳ هم استفاده کنید
مشمع کانتینری تکلا	فقط برای سقف ۵۰ متر	۳۳۰۰	۱۶۵ هزار تومان	کمی گران است؛ ولی ارزشش را برای یک بار خرید دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسن تاج:

باید فروش «سی‌دی» های مذهبی نظارت شود

۱۲ گروه جامعه‌شناسی: برگزاری هیئت و مجالس مذهبی در گذشته‌ای نه‌چندان دور، کار زیاد سختی نبود؛ چون بیشتر هیئت‌ها ساده و معمولی برگزار می‌شدند و تنها آویزان کردن یک پرچم «یا حسین» و مقداری پارچه مشکی در محل برگزاری هیئت، بسیار راحت مقدمه‌ای برای دعوت از مردم برای شرکت در مجالس عزاداری بود؛ ولی امروز اوضاع بسیار تغییر کرده است و گویی با گذر زمان و رشد فناوری، دامنه تغییرات، هیئت‌های مذهبی را نیز به شدت فرا گرفته است. هرچند هنوز هیئت‌هایی وجود دارند که بسیار معمولی برگزار می‌شوند، امروز در بیشتر هیئت‌ها از کالاهایی استفاده می‌شود که در گذشته خبری از آنها نبود و هرچه جلوتر می‌رویم، می‌بینیم این کالاها هم پُررنگ و لعاب‌تر شده و هم روزبه‌روز متنوع‌تر می‌شوند. در گذشته یک روحانی و مداح در جلسه شرکت می‌کرد و بعد از مداحی یا سخنرانی از مجلس خارج می‌شد و غایبان از حاضران می‌پرسیدند که حاج آقا چه گفت و رفت. امروز هنوز دو سه روز از برنامه نگذشته است، لوح فشرده (سی‌دی) صوتی و تصویری مجلس فلان مداح یا سخنران را می‌توانی از پاساژ مهستان بخری و بخش‌های جالب توجه آن را به صورت بلوتوث از دوستان دریافت کنی. داشتن سایت اینترنتی، توزیع سی‌دی سخنرانی یا مداحی بعد از جلسه و استفاده از علم، بتر، آلات موسیقی، تجهیزات پیشرفته فیلمبرداری، سیستم‌های حرفه‌ای صوتی و ... بخشی از تغییرات و کالاهایی هستند که در گذشته خبری از آنها نبود؛ ولی امروز استفاده از چنین کالاهایی در هیئت‌ها به مسئله‌ای معمولی تبدیل شده است؛ اقلامی که هرچند استفاده از آنها مزایای بسیاری دارد، پیامدهای منفی بسیاری نیز دارد که توجه به آنها ضروری است.

برای بررسی همین مسئله به سراغ حجت‌الاسلام والمسلمین محسن تاج، یکی از روحانیان باسابقه در زمینه تبلیغات دینی رفتیم؛ روحانی‌ای که اهل اینترنت و دارای دیدگاه جالبی نسبت به مسائل اجتماعی، دینی و فرهنگی است و سابقه تدریس در دانشگاه را هم دارد؛ ولی سخنرانی را بیشتر از هر چیز دیگر دوست داشته است و آن‌طور که خود می‌گوید، روضه‌خوانی برای امام حسین (ع) را بیشتر از هر لقب دیگری دوست دارد.

نوشته‌ها باید در هیئت‌ها استفاده شود؛ ولی من احساس می‌کنم که بعضی از این نمادها، دیگر از جنبه نمادبودن خارج شده‌اند.

خیابا منظور تان چیست؟

اینکه بعضی از هیئت‌ها مقید شده‌اند، حتماً نوگرا باشند و از وسایلی استفاده می‌کنند که هدفشان به‌جای اعتلای دین و اهداف امام حسین (ع)، بیشتر خودنمایی و روی آوردن به نوآوری به معنای منفی است؛ مثلاً استفاده از نمادی نظیر علم یکی از همین مواردی بود که

■ بعضی از هیئت‌ها مقید شده‌اند حتماً نوگرا باشند و از وسایلی استفاده می‌کنند که هدفشان به‌جای اعتلای دین و اهداف امام حسین (ع) بیشتر خودنمایی و روی آوردن به نوآوری به معنای منفی است ■

خیابا به نظر شما چقدر استفاده از وسایلی نظیر پارچه سیاه، زنجیر، کتل و ... که از گذشته تاکنون در مجالس اهل بیت (ع) مورد استفاده بوده است، در برپایی مجالس مذهبی ضرورت دارد؟ استفاده از چنین لوازمی بسیار مفید است. ما در روایات نیز داریم که در دهه اول محرم، امام رضا (ع) در مقابل منزل خود پارچه سیاه نصب می‌کردند که نشان‌دهنده برپایی مجلس عزای سیدالشهداء (ع) بود. این مسئله نشان می‌دهد که بعضی از نمادها مثل رنگ مشکی، پرچم و

■ اگر نمادها و وسایل مذهبی، «فرعی» باشند که مردم را به سوی «اصل» دعوت کنند استفاده از آنها خیلی هم خوب است ولی اگر این نمادها تبدیل به اصل قضیه شوند آن وقت استفاده از آنها نه تنها نفعی ندارد بلکه خطرناک است ■

خایه هر چند استفاده از نمادهای جدید عزاداری می تواند اقدام مفیدی باشد، آیا به نظر شما بهتر نیست، مسئولان امور دینی و فرهنگی جامعه و همین طور رؤسا و متولیان برگزاری هیئت‌ها به سمت هر چه ساده‌تر برگزار کردن چنین مجالسی گام بردارند؟

ساده برگزارشدن مراسم عزاداری بسیار مطلوب است و من هم با این مسئله موافقم؛ ولی همان‌طور که در ابتدا عرض کردم، نمادهایی باید باشند که مردم را به سوی عزاداری دعوت کنند. گاهی اوقات برخی تصور می‌کنند که برخی اقدامات در هیئت‌ها نوعی تجمل و اسراف است؛ ولی وقتی جنبه دعوت عمومی پیدا می‌کند، فکر نمی‌کنم، چندان مشکل ایجاد کند؛ با این حال من فکر می‌کنم، باید از طریق نهادهایی مثل سازمان تبلیغات اسلامی و سایر مراکز دولتی جلوی برخی تجملات را گرفت.

خایه به نظر شما، نقش علما درباره آگاه کردن مردم در استفاده نکردن از نمادهای غیرواقعی چیست؟

اول باید مردم را پای منبر بیاوریم تا علما بتوانند حرف خود را بزنند؛ ولی متأسفانه عزاداری‌های ما این ضعف را دارد که چندان تمایل ندارند، پای منبر بنشینند.

خایه به مسئله خوبی اشاره کردید. یکی از ظرفیت‌های جدیدی که علما می‌توانند از آن استفاده کنند و امروز شاهد آن هستیم

خایه مثلاً؟
مثل «بتر»؛ ما در گذشته استفاده وسیعی از تصاویر منتسب به امام حسین (ع) را شاهد بودیم؛ ولی امروز می‌بینیم که هیئت‌داران به سمت استفاده از بتر و چاپ احادیثی روی آن رفته‌اند که بیانگر اهداف آن حضرت است. «بتر» چیزی است که در گذشته شاهد استفاده از آن نبودیم؛ ولی امروز در مقیاس وسیعی استفاده می‌شود؛ البته شروع استفاده از بتر هم از چاپ عکس‌های آن چنانی منتسب به امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) بود که تناسبی با آن شخصیت‌ها نداشت؛ ولی با اقداماتی که صورت گرفت، این مسئله متوقف شد و چاپ احادیث آن حضرت بر روی بتر باب شد.

اگر ما بتوانیم مراکز پاساژ مهستان را که یک مرکز فرهنگی ارائه‌دهنده محصولات مورد استفاده در مجالس عزاداری است، به سمت وسوی مناسبی هدایت کنیم، نتایج مفیدتری بدست می‌آوریم؛ درحالی‌که همین مراکز نیز در صورت نبود هدایت درست، ممکن است به سمت تولید محصولات حاشیه‌ای حرکت کنند که حرکت در چنین زمینه‌هایی (تولید پوسته‌های منتسب به ائمه (ع) هم در این پاساژ صورت گرفته است)، انحراف ایجاد کند؛ بنابراین اگر ما بتوانیم مراکز مثل پاساژ مهستان را که فرهنگ عزاداری را از طریق چاپ پرچم، پوستر و ... عهده‌دار هستند، به سمت انتخاب احادیث ناب، تولید کتاب‌های شعر بامحتوا و ... هدایت کنیم، استفاده از نمادها و شیوه‌های جدید وسیله خوبی برای آشنا کردن بیشتر مردم با احادیث مذهب خواهد بود و خودبه‌خود، جای برنامه‌های خرافی و نمادهای غیرواقعی را خواهد گرفت.

بسیار زود استفاده از آن در هیئت‌ها مرسوم شد؛ ولی آیا علم به‌راستی یک نماد مذهبی است؟ در صورتی که طبق فرمایش شهید مطهری، یک نماد مسیحی است؛ با این حال ما شاهد بودیم که استفاده از علم بسیار سریع با افزایش تیغه‌های آن و سنگین‌تر شدن علم، جنبه زورآزمایی و خودنمایی پیدا کرد.

این واقعیت وجود دارد که علم چیزی نبود که مردم را به سوی اصل عزاداری دعوت کند، بلکه فرعی شد که کم‌وبیش جای اصل را گرفت؛ در صورتی که این اصل در هیئت‌ها وجود دارد که یک سخنرانی انجام شود و آن سخنرانی هم جنبه موعظه و بیان اهداف اهل بیت (ع) را داشته باشد و در کنار آن یک روضه‌خوانی هم انجام شود تا مردم اشکی بریزند و صواب ببرند.

در کل باید گفت نمادهای واقعی مثل پرچم سیاه و کتّل باید مردم را به سوی عزاداری دعوت کنند؛ ولی این واقعیت وجود دارد که نمادهای غیرواقعی جای نمادهای واقعی را گرفته‌اند که شما گاه در هیئت‌هایی می‌بینید، چهار تا پنج نفر پای منبر روحانی نشسته‌اند تا مجلس خالی نباشد؛ ولی ۳۰ تا ۴۰ نفر بیرون حسینیه یا تکیه سرگرم علم هستند تا وقتی سخنرانی و مداحی تمام شد و دسته می‌خواهد بیرون بیاید، هر کدام آماده باشند تا چند متری علم را حمل کنند.

در جمع‌بندی پاسخیم، می‌گوییم، اگر این نمادها و وسایل مذهبی «فرعی» باشند که مردم را به سوی «اصل» دعوت کنند، استفاده از آنها بسیار هم خوب است؛ ولی اگر این نمادها به اصل قضیه تبدیل شوند، آن وقت استفاده از آنها نه تنها نفعی ندارد، بلکه خطرناک نیز است.

خایه شما به این مسئله اشاره کردید که در گذشته بیشتر از نمادهایی نظیر پرچم، کتّل و ... استفاده می‌شد؛ ولی در حال حاضر شاهد هستیم، نمادهای جدیدی ایجاد شده‌اند که طبق گفته شما «فرعی» هستند که جای «اصل» را گرفته‌اند. در همین حال ممکن است در آینده نیز به‌وجود آمدن نمادهای جدیدی در هیئت‌ها را شاهد باشیم. به نظر شما برای جلوگیری از ایجاد سنت‌های غیر واقعی و استفاده از نمادهای غیر حقیقی چه باید کرد؟

من در کل با استفاده از نمادها و اقلام جدیدی که در هیئت‌ها استفاده می‌شوند، مخالف نیستیم؛ چون بعضی از آنها کارکردهای مفیدی دارند.





خیابا لطفاً کمی واضح تر منظور تان را توضیح دهید؟

مثلاً بعضی سی‌دی‌های سخنرانی که در آنها مطالبی بیان شده است که با وحدت سازگاری ندارد و در بین مسلمانان تفرقه ایجاد می‌کند. صرف‌نظر از این بحث سی‌دی‌هایی نیز در پاساژ مهستان توزیع می‌شود که مطالب بیان شده در آنها سوق‌دهنده مخاطبان به خرافات و عرفان‌های کاذب است.

خیابا می‌توانید مثالی بزنید؟

در یکی از سی‌دی‌های سخنرانی که در پاساژ مهستان توزیع شده بود، سخنران مدعی شده است که تا ۳ سال دیگر حضرت مهدی (عج) ظهور می‌کند؛ ولی الآن حدود ۸ سال از آن تاریخ می‌گذرد!

می‌خواهم به این موضوع اشاره کنم که گوش کردن به سی‌دی بسیار خوب است؛ ولی باید در این میان مدیریت نیز وجود داشته باشد. یک منبری ممکن است در یک جلسه چیزی بگوید؛ ولی آیا لازم است، مسئله‌ای که در یک جلسه خاص بیان شده است، در همه‌جا منتشر شود؟ یا مثلاً روضه‌ای هست که من در یک مجلس خصوصی می‌خوانم و می‌دانم این روضه از روضه‌هایی است که نباید منتشر شود؛ چون می‌تواند تبعات بدی داشته باشد.

وقتی نویسنده‌ای می‌خواهد کتابی را منتشر کند، باید کتاب خود را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بفرستد، سپس چند متخصص محتوا را بررسی می‌کنند و مجوز می‌دهند یا نقاط ضعف کتاب را مشخص می‌کنند و از نویسنده می‌خواهند کاستی‌ها را برطرف کند.

من فکر می‌کنم، همین نظارت باید درباره سی‌دی‌های سخنرانی و مداحی که در پاساژ مهستان توزیع می‌شوند نیز وجود داشته باشد؛ چون گاهی اوقات در بعضی سی‌دی‌های سخنرانی و مداحی مطالبی شنیده می‌شود که عوارض منفی دارد.

■ مطالب بیان شده
در بعضی سی‌دی‌های سخنرانی
با وحدت سازگاری ندارد
و در بین مسلمانان تفرقه ایجاد می‌کند
و گاه سوق‌دهنده مخاطبان به خرافات
و عرفان‌های کاذب است ■

که به طرز وسیعی در مراکز نظیر پاساژ مهستان عرضه می‌شود، لوح‌های فشرده مداح‌ها و سخنرانی‌های علماست. شما فکر می‌کنید چقدر گوش دادن به یک سی‌دی سخنرانی یا مداحی می‌تواند حال‌وهوای شرکت در یک مجلس عزاداری را برای مخاطب زنده کند؟

در قدیم مردم به نوار سخنرانی‌ها گوش می‌دادند؛ چون مانند امروز دسترسی به امکاناتی نظیر ویدئو و سی‌دی وجود نداشت. امروز چنین امکاناتی در بیشتر منازل وجود دارد و گوش دادن به چنین سی‌دی‌هایی اثرات مثبتی دارد؛ حتی شاهد هستیم که بعضی از قسمت‌های سخنرانی‌ها که بیشتر مورد توجه است، بی‌درنگ از طریق بلوتوث در گوشی‌های تلفن همراه در سراسر جامعه منتشر می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد، اگر سی‌دی‌ها محتوا داشته باشد و سخنرانان نیز از بیان خوبی برخوردار باشند، بدون معطلی اظهارات آنها در دل مردم جای می‌گیرد و در سراسر جامعه نیز منتشر می‌شود؛ اما در کنار تمام اثرات مثبتی که گوش دادن به چنین سی‌دی‌هایی به همراه دارد، مسئله‌ای نیز وجود دارد که ما نباید نسبت به آنها بی‌توجه باشیم.

یکی از همین مسائل که من بسیار به آن تأکید دارم، مدیریت مراکز نظیر پاساژ مهستان است.

خیلیا چرا؟

چون گوینده در حال وهوایی آن مطالب را بیان می‌کند که فضای لازم در مخاطب آن مجلس ایجاد شده است؛ ولی کسی که پای تلویزیون آن را تماشا می‌کند، آن حال وهوا در او ایجاد نشده است؛ بنابراین با این استدلال من معتقدم که پخش سی‌دی باید همانند انتشار کتاب از طریق نظارت و بررسی صورت بگیرد و قسمت‌های غیر ضروری باید قبل از توزیع عمومی حذف شوند.

در مجموع، این نظر را دارم که بعضی از مطالب ممکن است مشکلاتی داشته باشند که اگر نظارتی در مورد آنها صورت نگیرد و ویراستاری نشوند، ممکن است در بین مخاطبانی که در آن حال وهوا نیستند و مثلاً سر سفره در حال تماشای سی‌دی مداحی یا سخنرانی هستند، ایجاد ابهام کند.

بارها از شهرستان‌ها با من تماس گرفته‌اند و گفته‌اند، چرا فلان مداح در خلال یک مداحی فلان کار را کرده است؟!

وقتی حال وهوای مخاطبان در مجلسی در یک شهرستان با حال وهوای مخاطبان در مجلسی دیگر در تهران متفاوت است، نمی‌توان به‌درستی این موضوع را توضیح داد؛ بنابراین اصل کار ما در پاساژ مهستان باید مدیریت کردن محتوای محصولاتی باشد که می‌خواهیم آنها را در جامعه توزیع کنیم؛ حتی برخی ادعیه که در پاساژ مهستان چاپ و توزیع می‌شوند از ادعیه شیعه نیست؛ البته نظارت بر توزیع تمام کاری نیست که ما باید انجام دهیم، بلکه باید برای تربیت مستمع نیز برنامه‌ریزی داشته باشیم.

خیلیا منظور تان از تربیت مستمع چیست؟

کسی که می‌خواهد به یک سی‌دی سخنرانی یا مداحی گوش کند، باید برای این کار وقت مناسبی اختصاص دهد تا بتواند کاملاً مطالبی را که گوش می‌کند، بفهمد؛ نه اینکه هم‌زمان با ناهار یا شام خوردن سی‌دی هم گوش کند. انسان یا باید ناهارش را بخورد یا سی‌دی گوش کند؛ چون نمی‌شود هم ناهار خورد و هم سی‌دی سخنرانی یا عزاداری گوش کرد. همین‌طور که اطبای تغذیه امروز می‌گویند، موقع صرف غذا نباید تلویزیون تماشا کرد. وقتی مخاطب در شرایط خاص خود سی‌دی تماشا نکند، ممکن است تمرکز کافی نداشته

باشد و قسمتی از سخنرانی را بفهمد و جایی را نفهمد و بعدها بر اساس آن مطالبی که از سی‌دی شنیده است، در مجلسی نقل‌قولی بکند که مشکل‌ساز شود.

چنین است که هم در مورد تولید سی‌دی هم باید مدیریت وجود داشته باشد و هم باید فرهنگ درست تماشا کردن را ترویج کنیم. امروز در نرم‌افزارهای رایانه‌ای که در بازار فروخته می‌شوند می‌بینید که نحوه نصب برنامه را نیز در پشت قاب سی‌دی منتشر کرده‌اند؛ چه ایرادی دارد که ما در پشت سی‌دی‌های سخنرانی بنویسیم، در چه شرایطی و چگونه گوش کنیم؟ چه ایرادی دارد، این مسائل هم مکتوب شود و در اختیار مخاطبان قرار گیرد؟

خیلیا پیشنهاد شما در خور تأمل است؛ ولی فکر می‌کنید چقدر این پیشنهاد قابلیت اجرایی شدن دارد؟

لطفاً پاسخ به این پرسش را حمل بر خودستایی نگذارید؛ ولی من به این علت اجازه نمی‌دهم از جلسات سخنرانی‌های فیلمبرداری شود که احساس می‌کنم، در هر سخنرانی شرایط خاصی دارم و مطالب متفاوتی را بیان می‌کنم که باید قبل از انتشار در جامعه تفکیک شود و تفاوتی میان مطالبی که داخل مجلس شنیده می‌شود و مطالبی که بیرون مجلس قرار است شنیده شود، وجود داشته باشد.

به نظر من ما باید به خود سخنران اجازه دهیم که بگوید سخنرانی‌اش ضبط بشود یا نشود. این پیشنهاد را نیز دارم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به سخنرانان مجالس مذهبی امتیاز دهد.

خیلیا چه امتیازی؟

می‌خواهم بگویم، همان‌طور که در صداوسیما فهرستی از کسانی که باید و نباید با آنها مصاحبه شود وجود دارد، وزارت ارشاد هم فهرستی از سخنرانانی که سی‌دی‌های آنها باید توزیع شود یا نشود، تهیه کند. به نظر من وزارت ارشاد می‌تواند تصمیم بگیرد، چه کسانی این شایستگی را دارند که سی‌دی سخنرانی‌های آنها در جامعه توزیع شود و سی‌دی سخنرانی چه کسانی نباید در جامعه توزیع شود.

به نظر من این کار می‌تواند انگیزه بالایی ایجاد کند تا این عده نیز در گذر زمان، سطح علمی یا سبک خواندن خودشان را ارتقا دهند و هرچند وقت یک‌بار نمونه‌ای از کارهای خود را به وزارتخانه ارسال کنند تا تصمیم گرفته شود که آیا او این قابلیت را دارد که سخنرانی یا مداحی‌هایش پخش بشود یا خیر.

خیلیا با وجود همه مطالبی که شما بدان اشاره کردید، به نظر شما بهتر است مردم سخنرانی را از طریق سی‌دی گوش کنند یا به‌طور مستقیم در جلسات شرکت کنند؟

مسلماً بهتر است که مردم در جلسات شرکت کنند؛ ولی امروز دوره‌ای است که مردم به دلیل سختی‌ها و مشکلات زندگی چندان فرصت انجام این کار را ندارند. مشکلات زندگی امروز باعث شده است، درست زمانی که روحانی در مسجد در حال سخنرانی است، مردم در سر کار حضور داشته باشند. این عده مجبورند، برای ارضای تمایلات مذهبی خود، مثلاً از زمان‌های رفت‌وآمد خود در خودرو برای گوش کردن به سخنرانی یا زمان استراحت در منزل برای گوش کردن به سخنرانی استفاده کنند.

من بسیاری را می‌شناسم که خود را مقید کرده‌اند، سخنرانی‌هایی که صبح‌ها از تلویزیون در ساعت ۶:۳۰ پخش می‌شود، گوش کنند و بعد به سمت محل کار خود حرکت کنند. همان‌طور که عرض کردم، هرچند پای منبر به سخنرانی گوش کردن بهتر است، اگر فرهنگ صحیح گوش کردن سی‌دی‌های مذهبی نیز رواج پیدا کند، این روش هم بسیار مناسب است. این کار حتی چندین امتیاز نیز دارد.

■ امتیاز سی‌دی‌های سخنرانی

نسبت به حضور در مراسم این است

که انسان هر وقت بخواهد

می‌تواند به این سخنرانی‌ها

یا مداحی‌ها گوش دهد

در ثانی مردم حق انتخاب بیشتری

در انتخاب سخنران یا مداح دارند ■

از من پرسید سند این روضه کجاست، من چه بگویم؟ یکی از معضلاتی که همین نبود نظارت ایجاد کرده است، مسائل این چینی است؛ البته متأسفانه بعضی از نهادها به ترویج چنین مسائلی و گسترش سی‌دی‌های بدون نظارت کمک نیز می‌کنند؛ مثلاً رادیو معارف، امثال همین روضه‌ها را پخش کرد و سندی نیز برای آن ارائه نداد! درحالی که امروز رادیو معارف یک مرجع محسوب می‌شود.

چرا باید روضه‌های بی‌سند در رادیو معارف پخش شود؟ اینکه می‌گویم به ترویج سی‌دی‌های بی‌نظارت کمک هم می‌شود، منظورم همین بود؛ در نتیجه باز هم تأکید می‌کنم، اگر نظارت نباشد، روضه‌های دروغ رواج پیدا می‌کند و دیگر هم نمی‌توان جلوی آن را گرفت و کسانی

نیز که چنین مطالبی را بیان می‌کنند، برای جوان‌ترها سمبل هم می‌شوند. اینها همه به این دلیل است که نظارت وجود ندارد. یک مداح یا سخنران هر چقدر هم که خوب صحبت کند، اگر رفتار و منش او شبیه اهل بیت (ع) نباشد، نباید سی‌دی او در جامعه توزیع شود.

خایلیا در حال حاضر که نظارتی وجود ندارد، پیام شما به دست‌اندرکاران توزیع سی‌دی‌های مذهبی به‌ویژه در مراکز ماند پاساژ مهستان چیست؟

به نظر من دوستانی که در پاساژ مهستان زحمت می‌کشند، در کنار در نظر گرفتن جنبه تجاری کار، جنبه خدایی کار را نیز در نظر بگیرند.

ما باید به این یقین برسیم که روزی دهنده خداست و هر چقدر هم که ما بالا و پایین کنیم تا به روزی برسیم تا او امضا نکند، به نتیجه‌ای نمی‌رسیم؛ ولی خدا نکند که انسانی پایش را در زمینه‌های دینی کج بگذارد؛ زیرا این کار او به اسم دین تمام می‌شود؛ بنابراین چوب خطرناکی می‌خورد؛ از این‌رو، مردم باید در کسب درآمد به‌ویژه در زمینه‌های دینی بسیار احتیاط کنند. می‌خواهم بگویم که اگر می‌دانند، مطالبی که در فلان سی‌دی بیان شده است، بر خلاف مکتب ماست، هر چقدر هم که پرفروش است، نباید آن را توزیع کنند. ■



این نبود نظارت نه‌تنها باعث می‌شود سی‌دی‌های نامناسب در جامعه توزیع شود، بلکه باعث ترویج شخصیت‌سازی‌های منفی نیز می‌شود.

خایلیا منظورتان از شخصیت‌سازی منفی چیست؟

اجازه بدهید مثالی بزنم. اگر شما مثلاً در غسل کردن اشکالی یا سوالی داشته باشید، به سراغ رساله مرجع تقلید می‌روید و با فتوای مرجع تقلید نیز ایرادات را برطرف می‌کنید؛ اما امروز ما وقتی از یک مداح جوان و تازه‌کار به دلیل خواندن یک روضه بی‌سند انتقاد می‌کنیم، می‌گویید فلان مداح معروف آن را خوانده است و حتی اعتراض نیز می‌کند که شما برخلاف نظر آن مداح چنین چیزی را گفته‌اید؛ در صورتی که مداح، مرجع تقلید نیست.

یکی از روضه‌هایی که امروز بسیار هم خوانده می‌شود، روضه آمدن حضرت زهرا (س) بر سر پیکر مطهر حضرت عباس (ع) است. این روضه مشهوری است و همه آن را می‌خوانند، ولی اصلاً مدرک ندارد!

من خودم تمام مقاتل را زیرورو کردم که مدرکی برای این روضه پیدا کنم؛ ولی پیدا نکردم. من هم دوست دارم که از مردم گریه بگیرم. من هم دوست دارم روضه‌های قشنگ بالای منبر بخوانم؛ ولی وقتی که سند ندارد و من آن را بالای منبر بخوانم، اگر جوانی

خایلیا مثلاً چه امتیازهایی؟

اول اینکه انسان هر وقت بخواند می‌تواند به این سخنرانی‌ها یا مداحی‌ها گوش بکند. دیگر اینکه مردم حق انتخاب دارند که به سخنرانی کسانی که دوست دارند، گوش کنند. اکنون وقتی کسی در مسجد حضور پیدا می‌کند، باید به سخنرانی کسی که مسجد انتخاب کرده است، گوش کند؛ ولی سی‌دی، فرصتی است تا مخاطب به سخنان کسانی که آنها را می‌پسندد نیز دسترسی داشته باشد.

خایلیا شما در اظهارات خودتان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم چندین بار بر ضرورت نظارت بر محتوای سی‌دی‌ها اشاره کردید.

به نظر شما اگر مسئولان بر محتوای مطالب ارائه شده نظارت نکنند، چه مشکلاتی ممکن است، به‌وجود بیاید؟

من احساس می‌کنم، عواقب نبود نظارت متأسفانه به‌شدت دامنگیر جامعه شده است. وقتی مداحی می‌آید و برخلاف نظر مقام معظم رهبری - که چند سال پیش بحث نوآوری در خواندن را مطرح و تأکید کردند که نوآوری به این معنی نیست که سبک آن طرف مرزی را بیاورید و شعرش را تغییر دهید و اسمش را نوآوری بگذارید - عمل می‌کند، این نتیجه حاصل می‌شود که بسیاری از سبک‌های بسیار نامناسب را انتخاب کنند و سی‌دی آنها نیز در پاساژ مهستان توزیع شود.

موزه محرم؟!!

پیمان اسحاقی*

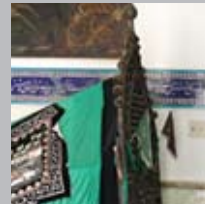
تشکیل موزه محرم را به علت منشاء و دلالت‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن می‌توان از نقطه‌نظرهای مختلفی بررسی کرد. در این بخش، این مفهوم را رویکردی مردم‌شناختی (Anthropological) بررسی می‌شود و شماری از نمونه‌هایی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم با این موضوع در ارتباط بوده، معرفی و بررسی شده‌اند.

هدف از آماده‌سازی این بخش، نه بررسی عمیق این موضوع، چنانکه شایسته آن باشد، بلکه فتح بایی برای تدقیق مفهومی است که از موزه محرم در نظر گرفته می‌شود. در این پرونده تلاش بوده است تا به این مفهوم از یک‌سو از جنبه نظری توجه شود و از سوی دیگر برخی از مهم‌ترین آثار و عناصر مرتبط با این مفهوم در شماری از موزه‌های معتبر داخل و خارج کشور بررسی و همچنین تعدادی از مراکزی که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با این مفهوم در ارتباط است، معرفی شود و همواره تلاش بوده است تا با حفظ توجه به عناصر نو و جالب توجه در این امر از بیگانه‌گرایی (Exotism) رایج در این امور، پرهیز شود، بلکه رویکردی واقع‌گرا بدان‌ها اتخاذ شود.

در این مختصر از موزه به منزله مفهومی شناخته‌شده در علوم انسانی سخن نگفتم، حال آنکه موزه با آنچه بیشتر در نظر گرفته می‌شود، از زوایای گوناگون، متفاوت است. درباره نفاث موجود در عتبات مقدسه کربلای معلی بحث نکردیم، با متخصصان دینی درباره دلالت‌های دستگاه پرشکوه عقاید و فقه شیعی درباره موزه سخن نگفتم، سرنوشت برخی اماکن درجه دومی را که مسئولان ایجاد موزه محرم را وعده داده‌اند، پی‌گیر نشدیم و مسائل مطرح‌شده در این بخش را در غایت اختصار به علاقه‌مندان عرضه کردیم.

من تلاش کرده‌ام تا بتوانم، تقریری دقیق از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها و عناصر مادی مرتبط با مناسک سوگواری حسینی داشته باشم و شرایطی را فراهم آورم که علاقه‌مندان به این مهم و نیز مسئولان ذی‌ربط بتوانند تصمیمی منتج از اصلی‌ترین تجربیات و افکار در این زمینه را داشته باشند.

در پایان، ضمن پوزش از کاستی‌های این پرونده و تأکید بر این نکته که خطاها و ضعف‌های این نوشتار همگی متوجه بنده است، از بزرگوارانی که به صورت‌های گوناگون مرا در تهیه این پرونده یاری رسانند؛ بیش از همه سیدحسین میررضی که عمده زحمات این پرونده را متقبل بودند و حجت‌الاسلام علی‌اکبر مهدی پور، حمید کریمی، دکتر جبار رحمانی (آثار عاشورایی، شبه‌قاره هند)، غلام‌رضا حسینی معز، دکتر بیوک جامعی (آثار عاشورایی در شهر اردبیل)، دکتر سعید نائینی و نبی‌الله صباغان (کتابخانه و موزه ملی ملک)، محمدجواد غم‌پرور و بهرام محمدی (حسینیة اعظم زنجان)، صغری مینائی و اکرم فیاض (موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان) و مریم ابوالفتحی (موزه محرم تبریز) تشکر و سپاس بسیار دارم و اجر تلاش و برآوردگی حاجات ایشان را از لطف مدام حضرت کشته اشک‌ها، خامس اصحاب کسا، کشتی نجات و چراغ هدایت، ابوعبدالله حسین بن علی علیهما السلام مسئلت دارم؛ گرچه: «خلق می‌داند که در بهداری قرب حسین / دردها را اکثراً عباس درمان می‌کند» ■



مطالب این شماره گروه مردم‌شناسی به موضوع «موزه محرم» اختصاص یافته است. در ابتدا درباره موزه محرم تبریز سخن گفته‌ایم، سپس از موزه محرم در شرف تأسیس حسینیة اعظم زنجان بحث کرده‌ایم. معرفی تالار عاشورای موزه مردم‌شناسی تهران، اشیای مرتبط با مناسک سوگواری حسینی در موزه ملک، مراسم عزاداری امام حسین (ع) در اردبیل و همان اشیا در موزه بریتانیا بخش‌های دیگری از این پرونده هستند. مصاحبه با دکتر سعید نائینی و طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران در این باره بخش‌های بعدی این پرونده هستند.

قدم‌های اولیاء

پروژه‌ای مرعش‌شناسانه

نگاهی به موزه مردم‌شناسی محرم تبریز

گروه مردم‌شناسی: موزه مردم‌شناسی محرم تبریز یکی از نمونه‌های اولیه از مجموعه آثار مرتبط با مناسک سوگواری حسینی در کشور و شاید بزرگ‌ترین این مجموعه‌ها در جهان باشد. موزه مردم‌شناسی محرم در بنایی که در گذشته و نیز امروز به مثابه منزل-حسینیه شناخته شده بوده است، شماری از عناصر مادی مرتبط با عزاداری امام حسین (ع) را در بخشی از حوزه فرهنگی شمال غرب کشور شامل می‌شود.

میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی، انگیزه ایجاد این موزه را «رونق بخشیدن به آنها، جلوگیری از نابودی و از بین رفتن یک سری وسایل قدیمی عزاداری که از صدها سال قبل و به‌طور خاص از زمان صفویه در دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری حسینی به کار رفته است و همچنین جلوگیری از به فراموشی سپرده شدن یا از بین رفتن نوحه‌ها و اشعار مربوط به اهل بیت (ع) که معمولاً در کتب خطی از شعرای قدیمی باقی مانده است» می‌داند و درباره مراحل شکل‌گیری این موزه می‌گوید: «وسایل مربوط به دسته‌ها و هیئات عزاداری حسینی را از شهرها و روستاهای مختلف استان جمع‌آوری کردیم.

همچنین کتاب‌های نوحه و بسیاری از وسایلی را که نذر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شده است و در هیئت‌ها و یا دسته‌های عزاداری، دیگر از آنها استفاده‌ای نمی‌شد و با وسایل جدید جایگزین شده بودند، جمع‌آوری کردیم... ما به این علت برای جمع‌آوری وسایل قدیمی اقدام کردیم که بسیاری از این وسایل در معرض نابودی قرار داشتند... وی همچنین می‌افزاید: «خانه را مرمت کردیم و وسایل مربوط به دسته‌ها و هیئات عزاداری حسینی را از شهرها و روستاهای مختلف استان جمع‌آوری کردیم. همچنین کتاب‌های نوحه و بسیاری از وسایلی را که نذر حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شده است و در هیئت‌ها یا دسته‌های عزاداری، دیگر از آنها استفاده‌ای نمی‌شد و با وسایل جدید جایگزین شده بودند، جمع‌آوری کردیم.»

مهندس محمدی درباره اهداف این موزه می‌گوید: «بحث اصلی ما در این موزه، بحث معنوی و حفظ آیین‌ها و سنت‌هاست تا آنها را زنده نگه داریم؛ به همین علت یک حسینیه نیز در طبقه زیرین این موزه در نظر گرفته‌ایم که همیشه آماده برگزاری مجالس عزاداری هیئت‌های حسینی و

خرید و جمع‌آوری این آثار، محدوده سرزمین استان آذربایجان شرقی، اعم از شهرهای بزرگ و روستاهای دوردست، را شامل می‌شد که دو سال به طول انجامید.

در نهایت در نوزدهم بهمن سال ۱۳۸۷ «موزه مردم‌شناسی محرم» تبریز در منزل مرحوم صحتی و در فضایی به مساحت ۵۴۰ متر مربع به‌طور رسمی افتتاح شد و زیرزمین بنا، حسب وصیت، به منزله حسینیه به هیئت‌های عزادار تحویل شد.

موزه مردم‌شناسی محرم تبریز در خیابان شهید مطهری، انتهای خیابان راسته، نبش ایستگاه آتش‌نشانی، داخل کوچه شهید احمد گوگانی، پلاک ۲۲ قرار گرفته است.^۱

مهندس تراب محمدی، مدیریت کنونی سازمان

موزه مردم‌شناسی محرم در منزل اجدادی مرحوم پروفسور صحتی، نخبه ایرانی ساکن آلمان تأسیس شده است. منزل مرحوم صحتی یکی از نمونه‌های زیبای معماری و خانه‌سازی شهر تبریز در اواخر دوران قاجار است که قدمتی بیش از یک قرن دارد. این بنای سه طبقه‌ای در تمام حیات کم‌وبیش یک قرن خود، در همه طبقات و در اوقات خاص عزاداری، به مثابه مکانی برای برقراری مجالس عزاداری استفاده می‌شد.

این بنای تاریخی در سال ۱۳۷۴ به سازمان میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی اهدا شد تا برای فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی استفاده شود، مشروط به اینکه همواره در بخشی از آن، مراسم سوگواری شهادت امام حسین (ع) برگزار گردد.

پس از تحویل این منزل مسکونی، اداره میراث فرهنگی شهرستان تبریز، مرمت و بهسازی این بنا را بر عهده گرفت که این کار در سال ۱۳۸۶ به پایان رسید. پیش از این، این بنا در سال ۱۳۷۸ با شماره ۲۳۳۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده بود.

از سوی دیگر از سال ۱۳۸۴ کارشناس مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی استان، خرید و جمع‌آوری آثار و عناصر مربوط به مناسک سوگواری حسینی را آغاز کرده بود. عملیات

شمار زیادی از پژوهشگران استادان و دانشجویان

از وجود و یا امکانات این موزه بی‌اطلاع‌اند درحالی‌که این موزه می‌تواند نقش درخشانی در پژوهش‌های مناسک سوگواری حسینی

به طور عام

و در حوزه فرهنگی شمال غرب کشور
به طور خاص داشته باشد

حوزه فعالیت‌های فرهنگی این موزه خبر می‌دهد و آرزو می‌کند، روزی بتواند شرایط برگزاری مجالس، برگزاری نمایشگاه‌های موضوعی، گالری‌های نقاشی، ثبت چندرسانه‌ای آواهای سنتی عزاداری، پرده‌خوانی‌های عاشورایی و مستندسازی زندگی پرده‌خوانان آذربایجان شرقی در این موزه فراهم شود.

از ایشان درباره جالب‌ترین شیء این موزه از نظر وی می‌پرسیم و او به «پرده رنگ و روغن واقعه کربلا» اشاره می‌کند و معتقد است این تابلو به تنهایی عناصر زیادی از این واقعه را به یک‌باره در منظر دید بینندگان قرار می‌دهد.

مدیر موزه مردم‌شناسی تبریز با انتقاد از ضعف امکانات اطلاع‌رسانی این موزه، آن را محدود به برخی نقاط فرهنگی شهر تبریز می‌داند و امیدوار است، روزی به کمک صدا و سیما مرکز آذربایجان شرقی بتواند این موزه را به اقشار وسیع‌تری از هم‌وطنان معرفی کند.

به هر صورت باید به این حقیقت اذعان کرد که حتی شمار زیادی از پژوهشگران، استادان و دانشجویانی که می‌توانند از این موزه بهره ببرند نیز از وجود و یا امکانات این موزه بی‌اطلاع‌اند؛ درحالی‌که این موزه می‌تواند، نقش درخشانی در پژوهش‌ها درباره مناسک سوگواری حسینی به طور عام و مناسک سوگواری حسینی در حوزه فرهنگی شمال غرب کشور داشته باشد.

توجه به این نکته نیز لازم است که این موزه می‌تواند از نظر مطالعات مردم‌شناسی به‌ویژه مطالعات تطبیقی در حوزه فرهنگی آناتولی و قفقاز نیز به شکلی مطلوب استفاده شود؛ چنان‌که بورجای آنکر، باستان‌شناس و مدیر موزه دولماباغچای ترکیه، پس از بازدید از این موزه، ضمن برشمردن مشترکات موزه زیر نظر مدیریت خود با موزه مردم‌شناسی محرم تبریز تصریح می‌کند: «تطابق این دو موزه از جنبه‌های فرهنگی، نشان‌دهنده نزدیکی فکر و روحيات مردم دو کشور دوست و همسایه است.» (فرهنگ... ۱۳۸۸) ■

پی‌نوشت:

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر و یا بازدید از این موزه می‌توانید با این شماره‌ها تماس بگیرید و یا از این وبلاگ بازدید کنید:

۵۲۳۴۷۳۸-۰۴۱۱ ساعت بازدید ۹ الی ۱۵، <http://mohammuseum.blogfa.com>

منابع:

«فرهنگ مشترکمان را بیشتر بشناسیم»، جام جم، چهارشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۸
«هدف از تأسیس موزه «محرم» ماندگاری آیین‌های عاشورایی بود»، خیمه، شماره ۵۴، تیرماه ۱۳۸۸



در مراسم عزاداری، اقسام پنجه‌های برنجی و مسی، علم‌های پارچه‌ای، ظروف پذیرایی در ماه محرم تا پرده نقاشی رنگ و روغن از واقعه کربلا با قدمت حدود نیم‌قرن و عکس‌هایی از مراسم عزاداری در چهار شهرستان مهم استان آذربایجان شرقی به نمایش درآمده است.

مریم ابوالفتحی، مدیر موزه مردم‌شناسی محرم تبریز، وسایل موجود در این موزه را بیشتر خریداری شده و شمار محدودی را نیز اهدایی علاقه‌مندان می‌داند و به این نکته اشاره دارد که علم‌های پارچه‌ای موجود در این موزه بیشتر از مناطق روستایی آذربایجان تهیه شده‌اند.

ایشان قدیم‌ترین اشیایی را که در این موزه قرار دارد، سرطوقی قدیمی که تاریخ ۱۲۴۳ ق. بر آن منقش است و نیز یک ظرف شرب‌خوری می‌داند که همان تاریخ را بر روی خود دارد. وی معتقد است که آن ظرف شرب‌خوری ۱۳ روز جلوی حسینه‌های تبریز قرار داده می‌شد و عزاداران به تبرک از آن ظرف آب می‌نوشیدند.

ابوالفتحی با بیان اینکه موزه مردم‌شناسی محرم تبریز پذیرای اشیای اهدایی مرتبط با مراسم عزاداری امام حسین (ع) از سوی علاقه‌مندان است، از علاقه خود برای گسترش

پذیرایی از دوستداران اهل بیت (ع) است تا آنها بتوانند در مناسبت‌های مختلف مذهبی برای عزاداری و حفظ شعائر اسلامی فعالیت کنند ...

ما هم خواستیم تا با موزه‌ای کردن ابزار و وسایل مرتبط با این مسئله و جمع‌آوری وسایلی که مرتبط با عاشورا است، به نسل جوان در شناخت هرچه بیشتر شعائر اسلامی کمک و زمینه را برای گسترش هرچه بیشتر فرهنگ عاشورا فراهم کنیم؛ چون اصالت ما در زنده نگه داشتن آیین‌ها و سنت‌های قدیمی ماست.»

گرچه این موزه در حال حاضر با مدیریت مستقیم سازمان میراث فرهنگی استان اداره می‌شود، مهندس محمدی از علاقه‌مندی این سازمان برای همکاری با هیئت مردمی در اداره موزه سخن می‌گوید: «ما از مجموع دسته‌ها و هیئات حسینی استان آذربایجان شرقی هم دعوت کردیم و آنها نیز از موزه بازدید کردند و همین‌جا اعلام می‌کنیم، آماده‌ایم تا در صورتی که آنها مشتاق باشند، مدیریت و اداره این موزه را به صورت هیئت امنایی به آنها تحویل دهیم.»

وی درباره کارکردهای ایده‌آل این موزه نیز چنین توضیح می‌دهد: «یکی از کارکردهای این موزه می‌تواند به نمایش گذاشتن آیین‌ها، سنت‌ها و ایجاد شرایطی برای مقایسه رسوم مختلف در نزد مخاطبان و بازدیدکنندگان باشد.

در ضمن این برنامه را هم داریم که در حسینه‌ای که در زیر موزه قرار دارد، برنامه‌های سخنرانی علما و استادان حوزه و دانشگاه را درباره فرهنگ غنی عاشورا و آشنایی بیشتر با آموزه‌های اهل بیت (ع) برگزار کنیم.» (هدف ... ۱۳۸۸: ۲۳-۲۲)

در این موزه آثار متنوعی از انواع طوق، علم، پرچم، گهواره‌های کوچک نذری، شمع و چراغ، ظروف مسی و برنجی، انواع زنجیر مورد استفاده

■ این موزه می‌تواند از نظر مطالعات مردم‌شناسی به‌ویژه مطالعات تطبیقی در حوزه فرهنگی آناتولی و قفقاز کاملاً استفاده شود ■

یکی داستان است پیرا حاتم

بررسی مراحل تأسیس موزهٔ تعزیه در حسینیهٔ اعظم زنجان



۱۲ حسینیهٔ اعظم زنجان یکی از مهم‌ترین حسینیه‌های کشور است که به‌ویژه در ایام محرم، برگزاری یکی از بزرگ‌ترین تجمعات سوگوار امام حسین (ع) را در جهان شاهد است.

افزون بر برگزاری مراسم سوگواری، هدای تعداد زیادی ذبایح حیوانی در قالب نذورات توسط مؤمنین، این مکان را به یکی از بزرگ‌ترین قربانگاه‌های جهان تشیع تبدیل کرده است.

سید حسین میررضی

دربارهٔ حسینیهٔ اعظم زنجان

تاریخ بنای حسینیهٔ اعظم زنجان که در حقیقت به منزلهٔ مجموعه‌ای فرهنگی-مذهبی، «حسینیه»، «مسجد» و «مدرسه علمیه» را شامل بوده است، به‌درستی مشخص نیست. قدیمی‌ترین سند مکتوبی که به وسیلهٔ آن می‌توان اطلاعاتی دربارهٔ تاریخ بنای این حسینیه به دست آورد، سند مکتوبی است به مهر «حاج میرزا لطف‌الله شیخ‌الاسلام» و «آخوند ملاکاظم» به تاریخ صفر المظفر ۱۲۹۵ هجری قمری که در زیر وقفنامه، نام دو خَیّر و نیکوکار به نام‌های «حاج میرزا محمد نقی» و «حاج میرزا بابایی» که دو باب دکان را وقف صحیح شرعی کرده‌اند، درج شده است.

در این وقف‌نامه قید شده است که «آخوند ملا علی‌اصغر» روضه‌خوان، در راه جناب ابی عبدالله الحسین (ع) در تکیهٔ حسینیه: «خرج و



از سال‌ها قبل قرار شد تا با مرمت این حمام، برخی اشیای قدیمی مرتبط با مراسم عزاداری امام حسین (ع) موجود در حسینیة اعظم به اضافه شمار زیادی از این وسایل که در هیئت‌های عزاداری امام حسین (ع) در زنجان موجود است، به همراه اشیایی از این دست که از قدیم در خانواده‌های زنجانی باقی مانده است، به صورت موزه‌ای شامل اشیایی مرتبط با مناسک سوگواری حسینی سامان یابد.

حمام حسینیة اعظم یکی از حمام‌های تاریخی در شهر زنجان است که بنا به کتیبه سنگی به‌جامانده، تاریخ اتمام بنای آن به سال ۱۲۹۲ (ه‌ق) می‌رسد. بانی این حمام ملک التجار بوده است.

این حمام تاریخی ۲۳ مرداد ماه سال ۱۳۸۷ به شماره ۲۳۷۹ در

فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است و تا چند سال اخیر بهره‌برداری می‌شد که استفاده مستمر از این بنا، تغییرات سیستم آبرسانی از شکل سنتی به شیوه لوله‌کشی نوین، تغییر نوع سوخت مصرفی، عوامل دیگری چون روشنایی، سبب ایجاد تغییراتی در چهره حمام شده بوده است.

این بنا با مساحت تقریبی ۳۲۰ مترمربع نزدیک کمربندی جنوبی شهر و در کنار مسجد حسینیة واقع شده است که متأسفانه طی فرآیند توسعه حسینیة اعظم به شکل نامناسبی مدفون شده است. مواد و مصالح به کار رفته در حمام از سنگ، آجر (جوش- معمولی) آهک (به صورت آندود)، ساروج، سفال، کاه و گل و انواع ملات‌های آب بند در سازه دیوارها و طاق و تویزه‌ها بوده و پی از سنگ لاشه و ملات آهک ساخته شده است و دیوارها ترکیبی از سنگ و آجر است.

در این طرح اقدامات مختلفی انجام شده است که برگرداندن بنا به اصالت واقعی خود با حذف الحاقات و بازسازی بخش‌های فرو ریخته، بررسی، خاکبرداری، دست یافتن به اجزا معماری مدفون شده در زیر آوار و اصلاح بخشی از مرمت‌های غیراصولی انجام‌شده طی سال‌های گذشته از جمله احیا حوض ۸ ضلعی وسط سربینه، اجرای آندود در بدنه داخلی، کف‌سازی با آجرهای ختایی، اصلاح کانال ناکش، مرمت طاق و تویزه‌ها و اجرای سکوی آجر فرش در ایوان‌های فضای سربینه از جمله این اقدامات است.

برای اجرای طرح احیا، طراحی درب متناسب با ساختار بنا، نورپردازی و ساخت ویتروین اشیا در دست اقدام است و تاکنون ۷۵ میلیون تومان از محل اعتبارات استانی برای انجام این طرح مرمتی، هزینه شده است.^۲

هر سال جمع کثیری از مردم شهر زنجان و نواحی اطراف و فراتر از آن شهرستان‌های دوردست، در مراسم عزاداری که در حسینیة اعظم برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند و جمعیت بسیاری، از داخل و خارج کشور، نذورات خود را بیشتر در قالب ذبایح حیوانی به این حسینیة تقدیم می‌کنند.

در عاشورای سال قبل (۱۳۸۷) حدود دو هزار رأس گوسفند، گاو و شتر به این حسینیة اهدا شد. این ذبایح به کمک حدود دو هزار خادم و فعال دینی، پس از ذبح و پوست‌کنی و معاینه پزشکی، همانند سال‌های گذشته، در بسته‌های نیم‌کیلویی، به منزله تبرک و تحفه حسینی، در میان منازل محلات زنجان توزیع شد.

حمام تاریخی حسینیة

مجموعه حسینیة اعظم زنجان، همان‌گونه که مطرح شد، از چند بنا با کاربری‌های متفاوت تشکیل شده است که از جمله می‌توان به یک حمام سنتی در میان آن اشاره کرد.

- امید عمده مسئولان حسینیة اعظم
- برای ایجاد موزه‌ای مرتبط
- با مناسک سوگواری حسینی
- بر همکاری مردم استان زنجان
- و اهدای آن وسایل به موزه حسینیة است

احسان کند از اول ماه محرم تا دوازدهم محرم هر قسم مصلحت بداند صاحب اختیار است.» دومین سند مکتوب که با مهر آقایان «سید عبدالرحیم مجتهد» و «آقا سید علی و آقا شیخ ابراهیم» مهور شده است، شوال ۱۳۲۲ هجری قمری را نشان می‌دهد که کسی به نام «حاج محمد هاشم شریف العلماء»: «وقف صحیح شرعی و حبس مخلد نموده همگی مساحت شش دانگ و یک شعیر و دو ثلث شعیر قریه دهجلال از قراء سجاسرود خمه را با کافه توابع و ملحقات و مزارع مائیه و دعیه و مراتع و معالف و بسائین و میاه و عیون و انهار و املاک... و عمارات و محل اکداس و طراقین بر حضرت سیدالشهداء ارواح العالمین له الفدا» تا عواید آن به برخی بناهای مذهبی شهر زنجان از جمله مدرسه و مسجد حسینیة اعظم برسد.

افزون بر آن سنگ‌نوشته‌ای نیز در راهرو و مدخل ورودی مسجد حسینیة بر دیوار وجود دارد که تاریخ ۱۲۶۱ق. را نشان می‌دهد. فراتر از آن، بر روی یکی از اشیای اهدایی به مسجد تاریخ ۱۲۲۱ ق. نیز آمده است.^۱

حسینیة اعظم که در جنوب شهر زنجان واقع است، افزون بر مراسم ماه محرم، برخی دیگر از مراسم مربوط به امام حسین (ع) از جمله مراسم ولادت امام حسین (ع) در سوم شعبان هر سال و برخی مراسم دیگر اسلامی همچون آداب دینی ماه مبارک رمضان، قرائت هفتگی ادعیه‌ای چون دعای ندبه، زیارت عاشورا و ... را در خود برگزار می‌کند.



موزه حسینیه اعظم زنجان

در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ «یحیی رحمتی» رئیس وقت سازمان میراث فرهنگ و گردشگری استان زنجان اعلام کرد که مرمت حمام قدیمی این حسینیه تا پایان سال به اتمام می‌رسد و به موزه تبدیل می‌شود.

وی با بیان اینکه اعتبار پیشنهادی برای اجرای این پروژه ۴۰۰ میلیون ریال است از اختصاص ۳۰۰ میلیارد ریال نیز برای تأمین تجهیزات این موزه خبر داد. با وجود این، این اتفاق نه تنها در آن سال، بلکه در سال‌های بعد نیز به وقوع نپیوست.

آقای محمدجواد غم‌پرور، مدیر هیئت امناء حسینیه اعظم زنجان، ضمن انتقاد از به طول انجامیدن مراحل مرمت حمام تاریخی این حسینیه، علت آن را دیوان‌سالاری طولانی و تعویض پیمانکار مسئول مرمت بنا می‌داند.

بنا به اظهار وی، مرمت این بنای تاریخی به هدف ایجاد موزه‌ای مرتبط با مراسم سوگواری حسینیه، در سال‌های اخیر نیز با فراز و فرودهایی روبه‌رو بوده است. وی با بیان به اینکه هم‌اکنون حدود ۷۰ درصد کار مرمت پایان یافته است، به تفاهم‌نامه‌ای میان حسینیه اعظم زنجان و سازمان میراث فرهنگی شهرستان زنجان اشاره می‌کند که بر اساس آن بازسازی این حمام بر عهده سازمان میراث فرهنگی و مدیریت آن بر عهده حسینیه اعظم زنجان خواهد بود.

غم‌پرور، با تأکید بر اینکه امید عمده مسئولان حسینیه اعظم برای ایجاد موزه‌ای مرتبط با مناسک سوگواری حسینیه، بر همکاری مردم استان زنجان و اهدای آن وسایل به موزه حسینیه است، اشیای موجود در حسینیه را در حال حاضر در اندازه‌ای نمی‌داند که بتواند عناصر و اشیای موزه‌ای درخور را فراهم آورد.

امید عمده مسئولان حسینیه اعظم برای ایجاد موزه‌ای مرتبط با مناسک سوگواری حسینیه بر همکاری مردم استان زنجان و اهدا آن وسایل به موزه حسینیه است.

بنا به اشاره وی، مسئولان حسینیه اعظم در حال تدوین آیین‌نامه‌ای هستند که بر اساس آن اشیای اهدایی نفیس مردمی به نام ایشان ثبت و برای همیشه توسط این حسینیه محفوظ بماند و در معرض دید علاقه‌مندان قرار بگیرد. وی برای نامی اولیه، از موزه تعزیه یا موزه عاشورا برای اشاره به این طرح استفاده می‌کند.

در حال حاضر دارایی‌های نفیس حسینیه مرتبط با مناسک سوگواری حسینیه ثبت شده است و در حال کارشناسی مردم‌شناختی و موزه‌نگارانه است. در میان اشیای موجود که قابلیت استفاده در موزه حسینیه را دارند، می‌توان به چند علم و علامت که به اعتقاد غم‌پرور متعلق به دوران قاجار است، سماورهای قدیمی، شماری زنجیر و کلاهخود و امثال آن اشاره کرد. بر روی یکی از علم‌های ۵ تیغه این حسینیه سال ساخت آن ۱۳۲۳ ق. درج شده است.

امید است مسئولان سازمان میراث فرهنگی استان زنجان با تسریع مرمت حمام قدیمی این حسینیه، گامی عملی در مسیر ایجاد این موزه بردارند تا مسئولان حسینیه بتوانند به صورت عملی اسباب حفظ همیشگی این وسایل نفیس را فراهم آورند. ■

پی‌نوشت:

<http://www.haz.ir>

این حسینیه در زنجان، خیابان فردوسی، مسجد حسینیه اعظم زنجان واقع شده است و با تلفن ۰۲۴۱-۳۲۲۳۰۳۰ و پست الکترونیک info@bmhaz.com می‌توان با آن تماس گرفت.

۱. خبرگزاری فارس (farsnews.com)، ۲۴ مرداد ۱۳۸۸، خبر شماره ۸۸۰۵۲۴۰۴۸۶ ساعت ۱۱:۱۴
۲. خبرگزاری فارس (Farsnews.com)، ۱۹ مهر ۱۳۸۵، شماره خبر ۸۵۰۷۱۹۰۰۶۵ ساعت ۱۰:۵۶

■ امید است
مسئولان سازمان میراث فرهنگی
استان زنجان، با تسریع مرمت
حمام قدیمی این حسینیه
گامی عملی در مسیر ایجاد
این موزه بردارند ■



عکس: حسین اینانلو

انز در موزه تا امروز

نگاهی به تالار عاشورای موزه مردم‌شناسی کاخ موزه گلستان تهران

دید می‌شود.

موزه‌داران موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان معتقدند که این نخل در زمان ناصرالدین شاه قاجار از یزد خریداری شده است و در مراسم عزاداری منعقد در تکیه دولت استفاده می‌شود. بعد از تخریب تکیه دولت ظاهراً این نخل در مراسم سوگواری حسینی استفاده نشده است و هم‌اکنون در این موزه نگهداری می‌شود.

تابلوهای نقاشی که در این تالار موجود است به دوران قاجار تعلق دارد که شماری از آنها بر دیوارهای تالار عاشورا و تعدادی دیگر در انبار موزه نگهداری می‌شوند. این تابلوها حوادث و وقایع روز عاشورا را نشان می‌دهند و در اطراف خود اشعاری در مرثیه امام حسین (ع) دارند. ■

منبع:

(*) http://www.golestanpalace.ir/Fr_Site/collections/abyaz.htm

نمایش آثاری مرتبط با مناسک سوگواری حسینی اختصاص یافته است.

۹ نمونه علم در این تالار موجود است که ابعاد، تیغه‌ها و تاریخ‌های ساخت متفاوتی دارد. برخی از این علم‌ها ترکیبی هستند و از قسمت‌های مختلف متصل به همی تشکیل شده‌اند. برخی از این علم‌ها دارای تزییناتی پارچه‌ای یا تسبیح‌گونه هستند. موزه‌داران معتقدند که دانه‌های تسبیح‌گونه و نیز پارچه‌هایی که به این علم‌ها آویخته شده است، اغلب قدمتی کمتر از علم‌ها دارند.

بزرگ‌ترین این علم‌ها، پنج تیغه دارد و قدیمی‌ترین آنها تاریخ ۱۱۱۶ ق. را بر خود دارد که علمی تک شاخه است. بر روی بخش دیگری از این علم عبارت ۱۳۳۴ ق. آمده که نشان می‌دهد، بخشی از این علم بعدها به قسمت اصلی متصل شده است.

نخل موجود در این تالار، بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، فاقد تاریخ ساخت است؛ اما به‌شدت فرسوده شده است و اثرات حمل و نقل و نیز دخیل‌های متعددی که مردم بر آن پسته‌اند، بر آن

گروه مردم‌شناسی: پس از ارسال هدایای شاه سلطان عبدالحمید عثمانی به ناصرالدین شاه قاجار، در اواخر دوره حکومت او، با توجه به این که کم‌وبیش همه کاخ‌ها و تالارهای سلطنتی با اثاثیه متعددی پر شده بود، ناصرالدین شاه مصمم شده در جنوب غربی کاخ گلستان واقع در محوطه بازار سنتی تهران که پیش از این محل گلاب‌فرنگی یا برج آغامحمدخانی بود، کاخی، مخصوص قرار دادن اثاثیه هدایای شاه عثمانی بنا کند. این کاخ تازه‌تأسیس که به سبک بناهای قرن هیجدهم میلادی گچ‌بری شده بود، کاخ ایبض نام گرفت و از زمان ساخت خود به محل کار صدراعظم‌ها اختصاص یافت.*

این کاخ از سال ۱۳۱۴ به مثابه موزه مردم‌شناسی ایران استفاده شد. این موزه در دو طبقه واقع شده است و آثار متعددی از فرهنگ‌های محلی ایران را در دوران کهن و معاصر شامل می‌شود.

یک از اتاق‌های بزرگ طبقه دوم این موزه با قراردادن شماری از علم‌ها، نخل سوگواری و نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با عنوان «تالار عاشورا» به



انرملکهند تا موزۀ ملک

داستان سفر پرچم عزاداری و کتیبه محتشم کاشانی از ایران به هند، اروپا و موزۀ ملک

گروه مردم‌شناسی: کتابخانه و موزۀ ملی ملک، واقع در مجموعه باغ ملی، یکی از مراکز مهم فرهنگی شهر تهران است. این کتابخانه و موزه، که هم‌اکنون با وابستگی سازمانی به آستان قدس رضوی، به فعالیت می‌پردازد، یکی از موزه‌های مهم تهران و مراکز اصلی تهیه نسخ خطی در کشور به شمار می‌رود.

شد به نیزه سر آن بزرگوار / خورشید سر برهنه برآمد
ز کوهسار / موجی به جنبش آمد و برخاست کوه /
ابری به بارش آمد و بگریست زار زار / گفتی تمام
زلزله شد خاک مطمئن / گفتی فتاد از حرکت چرخ
بی‌قرار / عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر
/ افتاد در گمان که قیامت شد آشکار / آن خیمه‌ای
که گیسوی حورش طناب بود / شد سرنگون ز باد
مخالف حباب‌وار.

متأسفانه این دو اثر هنوز برای بازدید عموم به
نمایش درنیامده‌اند و امید است در آینده، دست‌کم
در نمایشگاه‌ها به بازدید عموم درآیند. ■

پی‌نوشت:

* امام‌بارها بناهایی در هندوستان هستند که کارکردی مشابه
حسینیه‌ها و تکایا دارند. درون امام‌بارها همواره با حجم زیادی
از اشیای نمادین شامل ماکت حرم‌های مقدسه که تزیین نامیده
می‌شود، پرچم‌ها و علم‌ها در اندازه‌های مختلف روبه‌رو هستیم.

مهم، تا اندازه‌ای به بررسی محتوای آنها بپردازیم.
اثر اول پرچمی است مثلثی شکل با ابعاد ۳۰۰
در ۳۷۰ در ۱۸۰ سانتیمتر با زمینه سفید و قلمکار
با رنگ‌هایی متنوع. این اثر که خوشبختانه سالم به
دست ما رسیده است، حاوی تاریخ تولید و کارگاه
سازنده است و روی آن عبارت «از کارخانه حاجی
عبدالوهاب، سری کار اصفهان، سنه ۱۳۲۱ ق.»
منقش است. درون طرح‌های این پرچم یک شیر
و در پشت آن نیمه‌ای از یک خورشید قرار دارد و
کلمات الله، محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین با
خط ثلث بر بدن شیر نقش بسته است.

اثر دوم کتیبه‌ای است قلمکار حاوی مرثیه معروف
محتشم کاشانی به ابعاد ۳۶۲ در ۵۵ سانتیمتر که بر
فراز آن عبارت «یا ابا عبدالله الحسین» نقش بسته
و در زیر آن نشان شیر و خورشید وجود دارد. در زیر
آن هم کتیبه‌هایی حاوی مصرع‌های مرثیه محتشم
نقش بسته است. این اشعار عبارت‌اند از: روزی که

محل سابق این کتابخانه در بازار بین‌الحریمین
تهران که منزل مسکونی مرحوم حاج آقا حسین
ملک بود و در زمینی به وسعت ۱۷۰۰ متر مربع،
دارای سه حیاط اندرونی و بیرونی شامل اطاق‌ها و
تالارهایی بنا شده بود که قدمت بنای آن به دوره
قاجاریه می‌رسید. ساختمان جدید این کتابخانه و
موزه اما در زمینی به مساحت شش هزار متر مربع
و زیربنایی به مساحت ده هزار متر مربع به‌وسیله
متخصصان آستان قدس رضوی بنا شده است و در
زمستان ۱۳۷۵ بهره‌برداری شد.

در گذشته‌ای نه چندان دور مجموعه‌ای از
سوی دکتر علی حجت‌زاده، فرهیخته ایرانی ساکن
اتریش، به این موزه اهدا شد که در میان آنها دو
عنصر مرتبط با مناسک سوگواری حسینی - که
پیش از این در امام‌بارهای* در هندوستان نگه‌داری
می‌شد - وجود داشت.

در اینجا قصد داریم، ضمن معرفی این دو اثر



دربارهٔ پرچم و علم‌های بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی

خبرنامه‌ای عزاداران...

حسینی در اردبیل قطع نکرده‌اند و هر سال در ایام محرم، عزاداران از آنها بهره می‌گیرند و تا محرم سال آینده به رسم امانت درون مجموعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌مانند. ■

پی‌نوشت:

- این عبارت بخشی از بیته مشهور است که با قرائت آن عزاداری امام حسین (ع) در شهر اردبیل به‌طور رسمی آغاز می‌شود. متن کامل این بیت چنین است: «خبردار ای عزاداران حسینون یاشی باشلانندی / اولسون عالمه اعلان حسینون یاشی باشلانندی» و معنای آن چنین است: «ای عزاداران خبردار باشید که عزای حسین [ع] شروع شد / به عالم اعلام شود که عزای حسین [ع] شروع شد»
- منبع این عکس دومین ویژه‌نامهٔ محرم در اردبیل در نشریهٔ *آوای اردبیل*، دی‌ماه ۱۳۸۷ است.

بازدید و صورت‌برداری در سال ۱۳۱۴ به موزهٔ ایران باستان تهران انتقال داده شده است. (علائی ۱۳۴۲)

در تصویر ارزشمند فوق، این دو علامت به همراه پرچم نشان‌گر دسته‌های عزاداری امام حسین (ع) دیده می‌شود. این تصویر حضور محلهٔ عالی‌قاپو در مسیر محلات ششگانه و بازار اردبیل را در روز چهارم محرم سال ۱۳۳۷ را نشان می‌دهد.^۲

در این تصویر علاوه بر اشیایی نفیس مرتبط با مناسک سوگواری حسینی که خوشبختانه تاکنون محفوظ مانده است، شماری از بزرگان دینی، دولتی و اجتماعی شهر اردبیل دیده می‌شوند؛ برای نمونه در مرکز تصویر، حضور مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمد ظاهر در میان عزاداران مشخص است.

ویژگی درخور توجهی که می‌توان به اشاره کرد این است که این اشیاء به همراه علم نفیس دیگری که در مسجد پیرعبدالملک شهر اردبیل وجود دارد، ارتباط کارکردی خود را با مناسک سوگواری

گروه مردم‌شناسی: شهر اردبیل به مثابهٔ مهد خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مؤسسان دولت صفویه در ایران، همواره از نظر اینکه نقش زیادی در فراگیری عمومی مناسک سوگواری حسینی در حوزهٔ فرهنگی ایرانی داشته، مورد توجه بوده است؛ چنان‌که می‌توان آن را، در ابعاد، یکی از کانون‌های بسط و اشاعهٔ شماری از آیین‌ها و مناسک سوگواری حسینی به شمار آورد.

یکی از ابزارهای مرتبط با مناسک سوگواری حسینی که از دیرباز در این شهر مورد استفاده بوده و خوشبختانه بعد از گذشت قرن‌ها در امان مانده است، دو طوق عزاداری و پرچمی خاص این امر است که عموماً قدمت آن را به دورهٔ صفویه نسبت می‌دهند. این دو طوق هم‌اکنون درون بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در کنار شمار زیادی از اشیاء نفیس این بقعهٔ نگه‌داری می‌شود.

از دیرباز اشیاء فراوانی از دورهٔ صفویه در این بقعه موجود بوده که برای نمونه شماری از آنان از جمله یک «پنجهٔ علم» پس از

ذکر مصیبت‌ها

بررسی عناصر مادی سوگواری حسینی در موزه بریتانیا

گروه مردم‌شناسی: ماجرای وجود اشیای نفیس مرتبط با مراسم سوگواری حسینی، پرماجرا، شنیدنی و جالب است. یکی از اماکنی که تعداد درخور توجهی از این شمار اشیاء را در خود دارد، موزه بریتانیا در شهر لندن انگلستان است که از دیرباز به گردآوری و نگهداری آثار اسلامی و نیز ایرانی شهرت داشته است.



ایران باستان و نیز بخش اسلامی بسیار غنی است که از جمله نفایس آن می‌توان به یکی از قدیمی‌ترین قرآن‌های موجود به خط کوفی در بخش هنر اسلامی آن اشاره کرد.

اشیای عاشورایی در موزه بریتانیا

در اینجا تنها نمونه‌هایی از آثار مرتبط با مناسک سوگواری حسینی را به صورت اجمالی معرفی می‌کنیم. توضیحات درباره هر یک از این اشیا بر اساس داده‌های رسمی موزه بریتانیاست.

موزه بریتانیا

موزه بریتانیا (British Museum) یکی از مهم‌ترین و غنی‌ترین موزه‌ها و مجموعه‌های نفیس جهان است که بیش از ۷ میلیون اثر را متعلق به فرهنگ‌ها و زمان‌های گوناگون در خود جای داده است. این موزه در نیمه قرن هجدهم میلادی در شهر لندن تأسیس شد. موزه بریتانیا دارای بخش‌های مختلفی است از آن جمله می‌توان به بخش هنرهای اسلامی و بخش مردم‌شناسی اشاره کرد. این موزه در بخش‌های

نقاشی «حسین سیدالشهداء» اثر آنه محمد تاتاری، نقاشی معاصر ایرانی، در سال ۱۹۹۸م. ترسیم شده است. این نقاشی که چهره‌ای آبستره از امام حسین (ع) را ترسیم می‌کند، با ادعیه و زیارات پوشیده شده است. ابعاد این نقاشی ۸/۴۷ در ۳۴ سانتیمتر است. این نقاشی که در سال ۲۰۰۰ م. به موزه بریتانیا وارد شده، تاکنون در سه نمایشگاه وابسته به این موزه به نمایش درآمده است. «حسین سیدالشهداء» به شماره ثبتی ۰۱، ۷۲۴، ۰، ۲۰۰۰ در بخش خاورمیانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

شیء سوم: پنجه‌ای فولادی



این پنجه برنجی که علامت عزاداری امام حسین (ع) به حساب می‌آید، از جنس مس با تکنیک قلم‌کار متعلق به قرن هجدهم و نوزدهم میلادی است. کارشناسان، این پنجه برنجی را مورد استفاده در ایران یا عراق می‌دانند. در یک سمت این پنجه، اسامی امامان شیعی (ع) و در سوی دیگر آن اسب‌های بالداری قرار دارد. این بنای گنبدی احتمالاً قبة الصخره باشد. این نوع پنجه‌ها که در عزاداری‌های شیعی استفاده می‌شود، عموماً به منزله نمادی از دست‌های حضرت عباس (ع) شناخته می‌شود. این شیء هم‌اکنون در بخش خاورمیانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. ارتفاع این پنجه ۴۱ سانتی‌متر است. در سال ۲۰۰۳ م. این شیء در نمایشگاهی در دانشگاه ملبورن / استرالیا به نمایش در آمد و قرار است، در سال ۲۰۱۰ م. در شهرهای نیوکاسل و منچستر / انگلستان در نمایشگاه «تختی: قهرمان ایران مدرن» هم به نمایش درآید.

شیء اول: پوستری از حرم امام حسین (ع)



تصویر فوق، تابلویی است از جنس کاغذ و تهیه شده با تکنیک چاپ سنگی که «کارخانه بالتوت فال» (Bolton FAL Works) در شهر «تاردنو» (Tardeo) چاپ و شرکت «همچاندر بهارگایا» (He-Chander Bhargava) در شهر «دریبا» (Dariba) منتشر کرده است.

این اثر که در اوایل قرن بیستم چاپ و منتشر شده است، حرم امام حسین (ع) و محیط اطراف را به صورتی ساده شده نشان می‌دهد. زیر این تصویر نوشته‌هایی به زبان‌های عربی، نگری و رومی وجود دارد. این تصویر که ۷/۳۵ طول و ۲۶ سانتیمتر عرض دارد، هم‌اکنون در بخش آسیای موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این اثر با شماره ثبت ۰، ۲۹، ۰۷۰۷، ۰، ۱۹۹۰ در سال ۱۹۹۰ م. وارد موزه بریتانیا شده است.

شیء دوم: یک نقاشی درباره امام حسین (ع)



شیء پنجم: علمی از دکن



تصویر حاضر علمی برنزی را نشان می‌دهد که قلع‌اندود شده است. این علم که در دکن ساخته شده است. دکن و مرکز آن شهر حیدرآباد از دیرباز محل حضور شمار زیادی از شیعیان شبه‌قاره هند بوده است. این علم از مقطعی در پایین و زبانه‌هایی در بالا تشکیل شده است. بدنه قلع‌اندود این علم، ساییده شده است. طول این علم ۲۱۴/۵ (با پایه و ۲۰۲/۵ بدون پایه) عرض آن ۷۳/۸ سانتی‌متر است. این علم در ۱۹۲۰ م. به‌وسیله آنم‌هایتان (Mrs. Hallinan) به موزه بریتانیا اهدا شده است.

شیء چهارم: علمی از جنس طلا و برنج



این علم از جنس طلا و برنج و به صورت طلاکار ساخته شده است. بر روی این علم از قسمت پایینی تا بدنه بالایی نقوشی وجود دارد که مضمون آن عبارت‌اند از: «یا الله، محمد، علی، فاطمه، الحسن، الحسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، الحسن، علی، الله» دایره بالایی این علم عبارت‌های «الله» و «علی» نقش بسته است. این علم را در سال ۱۸۸۸ م. سر آگوستوس ولستون فرانکس (Sir A. gustus Wollaston Franks) به موزه بریتانیا وارد کرده و تاکنون در سال‌های ۲۰۰۳ م. در دانشگاه ملبورن / استرالیا و در سال ۲۰۰۵ م. در موزه هنرهای اسلامی / مالزی به نمایش درآمده است.

شیء هفتم: اثری چاپی از دوره قاجار



تصویر حاضر اثری است چاپی، نشان‌دهنده عزاداری‌های حسینی در عصر قاجار که در مکتب قاجار نقاشی شده است. اصل این تصویر چاپی، یک نقاشی رنگ و روغن است از پنج پسر بچه که دور یک علم سینه می‌زنند. این علم با پارچه‌های سبز و قرمز و پرهای سفید پوشانده شده است. پشت آن به انگلیسی نوشته شده است: «یک دسته‌گردانی در محرم». قطع این تصویر ۱۵/۵ در ۱۱/۵ سانتیمتر است. این اثر متعلق به حدود ۱۸۵۰ م. است و در سال ۲۰۰۶ م. به موزه بریتانیا وارد شده است. اثر حاضر به شماره ثبت ۲۰۰۶،۰۳۱۴،۰۰۱ در بخش خاورمیانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.

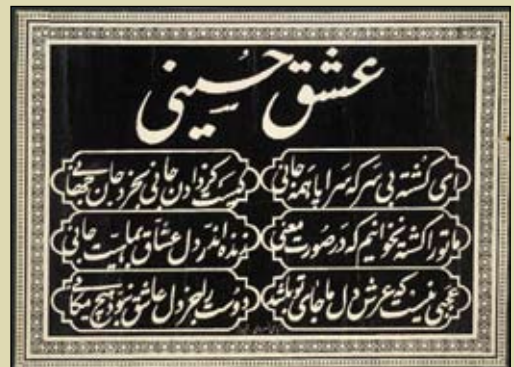
شیء ششم: علمی از طلا و برنج



این علم از جنس برنج است و طلاکاری شده است. ساختش در ایران بوده و به خط نسخ و ثلث عباراتی بر آن نقش بسته است. این علم ۱۲۷ سانتیمتر طول دارد و در سال ۱۸۸۸ م. سر آگوستوس ولستون فرانکس (Sir. Augustus Wollaston Franks) آن را به موزه بریتانیا اهدا کرده است.

شیء هشتم: پوستری حاوی مرثیه

این پوستر کاغذی در دهه ۱۹۷۰ میلادی در ایران به چاپ رسیده است. ابعاد این پوستر ۹/۲۲ در ۹/۳۱ سانتیمتر است. اشعار این پوستر به این شرح است: «ای کشته بی‌سر که سراپا همه جانی / کیست کز دادن جانی بخرد جان جهانی / ما تو را کشته نخوانیم که در صورت معنی / زنده اندر دل عشاق به ماهیت جانی / عجبی نیست که عرش دل ما جای تو باشد / دوست را جز دل عاشق نبود هیچ مکانی» این پوستر را در سال ۲۰۰۵ دکتر ونتا پورتر (Dr. Venetia Porter) به موزه بریتانیا اهدا کرده است. ■





بر موزه محرم بدینیم

گفت‌وگوی گروه مردم‌شناسی ماهنامه خیمه با دکتر سعید خودداری نائینی

رئیس سابق کتابخانه و موزه ملی ملک تهران

باشیم که از نظرمان قشنگ، دیدنی و تاریخی است؛ درحالی‌که در حقیقت به این کار مأمور نیستیم و باید رویکردمان به چنین اماکن مقدسی، قدسی و در برخی موارد عبرت‌آموز باشد.

از سوی دیگر، درباره مفهوم موزه محرم، باید به این نکته اساسی اشاره کنم که ما حق نداریم، برخی مفاهیم مقدس را از بدنه فرهنگ خود جدا کنیم و به درون موزه‌ها ببریم.

محرم درون جامعه ماست و با تاروپود فرهنگ ما عجین است و باید همواره به مثابه امری زنده درون جامعه ما باقی بماند. ما حق نداریم، آن را درون دیوارهای موزه محصور کنیم؛ اگر ما موزه محرم بسازیم، در حقیقت به جداساختن محرم از درون حیات فرهنگی جامعه خود دست یازیده‌ایم. به این

گروه مردم‌شناسی: بحث درباره امکان موزه محرم را این بار با یکی از متخصصان موزه‌داری که دارای سابقه مدیریتی در یکی از معتبرترین موزه‌های کشور است، در میان گذاشتیم. دکتر نائینی، با تسلط و اعتقادی جازم دیدگاه‌های خود درباره موزه محرم را مطرح کرد و دلالت‌های ویژه‌ای را در این باره بیان داشت. رویکردهایی که به صورتی دقیق، یکی از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها درباره ایجاد موزه محرم و موزه‌های مذهبی را در خود داشت. متن حاضر ماحصل گفت‌وگوی گروه مردم‌شناسی با دکتر نائینی است که در دفتر کار ایشان در موزه ملک انجام شد.

داعیه موزه‌رفتن داشته باشیم و موزه‌رفتن را کاری تفریحی می‌دانیم. در مورد دیگر اماکن فرهنگی-مذهبی نیز چنین رویکردی داریم؛ برای مثال اگر به مسجد یا بنای تاریخی دیگری وارد می‌شویم که باری مذهبی و معنوی دارد، هرگز در پی آن نیستیم که رابطه‌ای واقعی با آن بنا برقرار کنیم، بلکه این هدف را داریم که بازدید از جایی داشته

خیلیا برای اولین سؤال، برای ما جالب است بدانیم، شما درباره «موزه محرم» چه می‌اندیشید؟

در ابتدا باید بگویم که من نسبت به موزه محرم بدین هستم؛ به این علت که موزه هیچ‌گاه برای ما امری نزدیک و درونی شده نبوده است. در حال حاضر هم بیشتر به این دلیل به موزه می‌رویم که

■ ما حق نداریم برخی مفاهیم مقدس را

از بدنه فرهنگ خود جدا کنیم

و به درون موزه‌ها ببریم

محرم درون جامعه ماست و با تاروپود فرهنگ ما

عجین شده است

و باید همواره در جامعه زنده بماند ■

مفاهیم خبری نمانده است.

با این منطقی است که معتقدم، اگر موزه محرم تشکیل و روزی تعطیل شود، به علت فقدان رابطه ارگانیک و اندامی با مفهوم متعالی سوگواری حسینی، تغییری در مفهوم محرم در جامعه ما اتفاق نمی‌افتد که همان ضعف موزه محرم است.

خیلیا به هر صورت ما شاهد هستیم که برخی عناصر مادی در مناسک سوگواری حسینی در ایران و دیگر نقاط جهان وجود دارد که به اعتقاد مردم‌شناسان و متخصصان هنری و نیز عالمان دینی بسیار ارزشمندند. با این وصف آیا نمی‌توان به لزوم وجود سازهای واقعی برای حفظ و نگاه‌داری آنها قایل شد؟

مسئله چنین است و این کار لزوم درخور توجهی نیز دارد؛ اما باید درباره عنوان و اسم چنین مجموعه یا بنایی به دقت فکر و کنکاش کرد؛ زیرا نمی‌توان مسئله اسم و عنوان در موزه را امری ساده و پیش‌پافتاده در نظر گرفت. فراموش نکنید که اسم موزه، مفهوم بزرگی را نمایندگی می‌کند و به پیش می‌کشد، بلکه فراتر از آن، به موزه خط‌مشی کلی می‌دهد.

از سوی دیگر مطمئن باشید که نمی‌توانید موزه محرم را درون جامعه بیاورید و در خوشبینانه‌ترین حالت باید ادعا کنید که قصد دارید، یک قسمت و یا یک بعد از این مفهوم چندبعدی را به موزه داخل کنید. محرم مفهومی است قدسی که محتوای بسیار گوناگونی از جمله شهادت، امامت، پایداری و ایثار، ظلم‌ستیزی و در مراحل بعد مراسم تعزیه، علم،

■ معتقدم اگر موزه محرم تشکیل

و روزی تعطیل شود

به علت فقدان رابطه ارگانیک و اندامی

با مفهوم متعالی سوگواری حسینی

تغییری در مفهوم محرم در جامعه ما

اتفاق نمی‌افتد که

همان ضعف موزه محرم است ■

رویکردی شیء‌نگر و یا جمع‌دارانه (اصطلاحی در دانش موزه‌داری و کم‌وبیش معادل خزانه‌داری) نبوده است؛ یعنی همان رویکردی که ما هم‌اکنون در حال اختیار کردن آن در موزه محرم هستیم.

کسی هم به هدف بازدید از آن شیء نفیس که به لحاظ فنی یا تاریخی ارزشمند است، به آن مسجد، امام‌زاده یا حسینیه نمی‌رفته است، بلکه مردم از حیث انتساب آن شیء به مفهوم مقدس مافوق آن، بدان توجه می‌کرده‌اند؛ همان‌طور که اگر ضریح فولادی امام رضا (ع) را می‌بینند و یا اگر وسیله‌ای

نکنه باید دقت کرد که در سنت فرهنگی ما و در بسیاری از مواردی که ذکر شدنی است، ما در عمل مفاهیمی داشته‌ایم که چنان با کلیت فرهنگی سنت ما عجین بوده‌اند که هرگز نمی‌شده است، تفکیکی، ولو در حد تفکیک تخصصی و فنی، میان آنها و کلیت فرهنگی خود قائل شویم؛ چه برسد که بتوانیم آنها را به صورت انتزاعی در بنایی سنگی محصور کنیم؛ برای مثال ما در گذشته فرهنگی خود مفهومی به نام «هنرمند» آن‌گونه که هم‌اکنون از آن مراد می‌کنیم، نداشته‌ایم. آنچه بوده است، عده‌ای



متناسب به ایشان را ملاحظه می‌کنند، به آن احترام می‌گذارند، بلکه آن را متبرک می‌دانند.

این عملکرد با رفتار ما نسبت به اشیای موزه‌های مرتبط با مفاهیم قدسی و یا آنچه در موزه محرم گردآوری خواهد شد، مابین و اساساً با فکر دینی و فرهنگی ما مغایر است. چنین است که در حال حاضر شما می‌بینید، زائران امام رضا (ع) پس از زیارت، گاهی به بهانه اینکه اشیایی تاریخی، نفیس یا زیبا را ببینند، سری هم به موزه آستان قدس رضوی می‌زنند.

به این نکته دقت کنید که ما در پیشینه فرهنگی خود امری به نام هنر تزئینی صرف و مطلق نداشته‌ایم. آنچه ما داشته‌ایم، هنری کاربردی و در متن زندگی بوده است که رابطه‌ای تام با مفهوم متعالی فوق آن داشته است. گرچه امروز از این

دارای خلاقیت‌های هنری با جنس و سنخ دیگر مردمان بوده‌اند که فعالیت‌ها و خلاقیت‌های هنری خود را به صورتی کاملاً خودانگیخته و طبیعی و به دور از عنوان‌ها و حصارهای جدید به دیگران انتقال می‌داده‌اند.

خیلیا آیا می‌توان رویکردی را که شما بدان نظر دارید، نسبت به آنچه اشیای عاشورایی، لوازم و ابزارهای مرتبط با مناسک سوگواری حسینی و ادوات و ابزارهای مقدس می‌نامند نیز صادق دانست؟

دقیقاً همین‌طور است. به این نکته دقت کنید که اگر در بنایی مقدس مثلاً در مسجد، امام‌زاده یا حسینیه‌ای، چند شیء نفیس، قدیمی یا جذاب وجود داشته باشد، رویکرد مردم نسبت به آنها هرگز

کتل و امثال آن را در خود دارد. موزه محرم چگونه می‌خواهد اصلی‌ترین بخش را حفظ کند؟ یا باید ادعای حفظ مراحل معمولی‌تر این محتوا مثل دهل و زنجیر و اشیای مادی را داشته باشد یا اینکه تصور کنیم، خود ماه محرم در مفهوم عبرت‌آموزی و حفظ سنن یک رویداد موزه‌ای ایده‌آل است.

خایلیا می‌دانیم که مناسک سوگواری حسینی در اشیاء و حتی در عناصر مادی آن خلاصه نمی‌شود و بیشتر انتزاعی هستند. ابعادی از این مناسک گاه چنان پیچیده می‌شود که تاویل فرهنگی دقیقی را می‌طلبد. از نظر شما اساساً امر انتزاعی تا چه حد می‌تواند به امر عینی و شیئی تبدیل شود و آیا این تبدیل مستلزم تحویل نیست؟

در بیشتر موارد این امر ملموس است که به انتزاع تبدیل می‌شود و آن هم سیر تحول خاصی دارد. نه تبدیل و نه تحویل به شکل مطلق بد نیستند؛ البته این موضوع صورتی فلسفی دارد و بحث درباره آن وقت و زمان دیگری را می‌طلبد.

خایلیا با این وصف شما چه پیشنهادی درباره مجموعه‌ای که قصد دارد آثار و لوازم مرتبط با مناسک سوگواری حسینی را در خود داشته باشد، دارید؟

همان‌گونه که عرض کردم، درباره عنوان و نیز محتوای این موزه باید به دقت اندیشید؛ اما برای پاسخی موقت، من «موزه تعزیه» را پیشنهاد می‌کنم؛ زیرا تعزیه، تعزیت، عزاداری و سوگواری عناوین و مفاهیم وسیعی هستند که در جامعه ما طیف گسترده‌ای از آداب و مناسک را در برمی‌گیرند. از سوی دیگر تقدس ذاتی خاصی ندارند و ما می‌توانیم آثار و عناصر مادی مرتبط با مناسک سوگواری حسینی را در آنجا در قالب تعزیه و عزاداری جمع‌آوری کنیم. در هر صورت تعزیه به مثابه هنری نمایشی در نظر گرفته می‌شود که تقدسش از آنچه ما به نام مناسک سوگواری حسینی می‌شناسیم، کمتر است.

خایلیا درباره ابعاد مجموعه‌ای که قصد داشته باشد به جمع‌آوری آثار مرتبط با مناسک سوگواری حسینی بپردازد، چه نظری دارید؟

به نظرم این موزه کاملاً می‌تواند مدرن باشد و یا اینکه اصلاً پسوند موزه نداشته باشد. بار دیگر تأکید می‌کنم که موزه دست‌کم در خاطر ذهنی مشترک ما، مفهومی منفی و تحقیقی دارد؛ همان‌طور که می‌گوییم، فلان چیز یا فلان کس به درد موزه می‌خورد یا جایش در موزه است. این پنداره به این معناست که آن چیز، آن کس یا آن اندیشه کارکرد و استفاده لازم را در زندگی امروز ما ندارد، فاقد ارتباطی ارگانیک با بدنه جامعه است

■ **مطمئن باشید، نمی‌توانید موزه محرم را درون جامعه بیاورید و در خوشبینانه‌ترین حالت باید ادعا کنید که قصد دارید یک قسمت و یا یک بعد از این مفهوم چندبعدی را به موزه داخل کنید**

و باید به کناری نهاده شود. حال چگونه می‌توان عاملی بی‌نهایت مقدس و زنده را در کنار عنصری تحقیر شده قرار داد؟

از سوی دیگر من بر رویکردها و روش‌های مدرن در نشان‌دادن مناسک سوگواری حسینی و اشیاء و عناصر مادی مرتبط با آن تأکید دارم؛ مثلاً ما می‌توانیم از هنرهای مدرن یا هنرهای مفهومی و یا آنچه Video Art (استفاده از فیلم به هر حالتی در موزه) می‌نامیم، استفاده کنیم. صوت و تصویر را برای این کار به استخدام خود درآوریم و به این ترتیب تا آنجا که می‌توانیم این مناسک را برای غیر شیعه و یا کسانی که کمتر با این مناسک ارتباط دارند، «ترجمه» کنیم؛ مثلاً اگر کسی دهل‌زدن را دیده باشد، ولی پیشینه و معنای آیینی کهن آن را درک نکند، ما می‌توانیم در چنین بنایی از این عناصر برای ترجمه میراث اسلامی و ایرانی خود بهره ببریم.

خایلیا شما در جایگاه کسی که هم تحصیلات در زمینه موزه‌داری و هم سابقه مدیریتی و اجرایی در این زمینه دارید، تاکنون با این مسئله روبه‌رو شده‌اید که به علت فقدان مجموعه و یا سازوکاری برای حفظ اشیاء و عناصر مادی مرتبط با مناسک سوگواری حسینی، آنها از میان رفته و معدوم شده باشند؟

کاملاً؛ من نمونه‌های زیادی از این امر را در ذهن دارم. من تنها درباره شهر نائین که از آن اطلاع خوبی دارم، سخن می‌گویم. در این شهر چنچه‌های زیادی وجود داشته که متأسفانه از بین رفته‌اند.

چنچه وسیله‌ای چوبی، مانند دو تخته کوچک بوده است که در دهه اول ماه محرم در هیئت‌ها به جای زنجیر به علامت عزاداری به هم کوبیده می‌شد و هم‌اکنون در یکی از محلات شهر نائین، آن هم در یک شب از شب‌های محرم به کار گرفته می‌شود. با تمام تأسف باید بگویم که بیشتر چنچه‌های

■ **من در حد پاسخی موقت «موزه تعزیه» را پیشنهاد می‌کنم زیرا تعزیه، تعزیت، عزاداری و سوگواری عناوین و مفاهیم وسیعی هستند که در جامعه ما طیف گسترده‌ای از آداب و مناسک را در برمی‌گیرند**

قدیمی از بین رفته است، بلکه سوزانده شده‌اند. ممکن است شما بتوانید چنچه‌های تازه‌سازی را در بازار بیابید؛ اما آن چنچه‌های دست‌فروخته که سال‌های سال در مراسم عزاداری امام حسین (ع) در شهر نائین مورد استفاده بود، نایاب است؛ البته معتقدم هنوز هم اگر کسی درباره چنچه‌های قدیمی پرس‌وجو کند، می‌تواند نمونه‌های نابی از آنها را بیابد.

در ضمن به عقیده من اگر شمار زیادی از این اشیاء جمع‌آوری نشده و از میان رفته است، به این دلیل نیز بوده است که ما از نظر تئوری بدفهمی رایجی در این باره داریم. ما تنها به دنبال حفظ و نگهداری اشیایی هستیم که قدمت بسیاری دارند؛ درحالی‌که در مردم‌شناسی هر عنصری که در یک فرهنگ مورد استفاده و استعمال بوده است، جدی گرفته می‌شود و مورد توجه است.

ارزش تاریخی و هنری، جدا از ارزش معنوی و روحانی است که در مورد اشیای مقدس همیشه ارزش معنوی حاکمیت مطلق داشته است؛ به استثنای برخی قرآن‌های کوفی که معتقدم برای اینکه حفظ شوند، آنها را به ائمه (ع) منسوب می‌کردند یا اسم بناهای پیش از اسلام را مسجد و مقبره مادر سلیمان می‌گذاشتند. اصولاً تا دوران مدرن چندان به ارزش تاریخی و هنری کاری نداشته‌ایم.

خایلیا برای نمونه‌هایی در خارج از کشور، آیا موزه‌هایی مذهبی وجود دارند؟

بله؛ خود کلیساها در کشورهای غربی در بسیاری موارد محل نگهداری اشیای مذهبی و متبرک هستند.

خایلیا در حال حاضر ما موزه‌هایی مثل موزه قرآن و موزه امام علی (ع) هم داریم، آیا آنها را از حیث نظری و عملی موفق ارزیابی می‌کنید؟

خیر؛ موزه قرآن اول نام موزه ملی قرآن را داشت و بعدها خود را موزه بزرگ قرآن معرفی کرد. این موزه چگونه ادعای ملی بودن یا بزرگ‌بودن دارد؟ در صورتی‌که از حیث داشته‌های تاریخی با هیچ‌کدام از موزه‌های بزرگ ایران برابری نمی‌کند.

آستان قدس رضوی هزاران قرآن بیشتر از قرآن‌های موزه قرآن دارد و قرآن‌های نفیس هم بسیار بیشتر از موزه قرآن است. به نظرم این موزه، بیشتر موزه‌ای سیاسی است؛ اما موزه امام علی (ع) موفقیت نسبی و خوبی داشته است.

خایلیا درباره تجربه موزه محرم تبریز و موزه حسینی اعظم زنجان چه نظری دارید؟

در هر دو مورد آنها را ندیده‌ام؛ ولی عقیده دارم فرع بر اصل ماجرای محرم و تنها انتزاعی کوچک از محرم هستند. ■

موزه محرم باید یا نباید؟!؟

۱۲ گروه مردم‌شناسی: ماحصل دیدگاه‌ها درباره آنچه به طور موقت موزه محرم نامیده‌ایم، در این بخش گردآوری شده‌اند. مطالب این بخش از گفت‌وگوهای ماهنامه خیمه در شماره‌های اخیر، شماره حاضر و برخی نشست‌ها فراهم آمده است و می‌تواند به منزله خلاصه‌ای از اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه در نظر گرفته شود.

احیاکردن فرهنگ عاشورا ایجاد می‌شود.
حجت‌الاسلام سید مهدی حائری
خطیب و پژوهشگر دینی

به نظرم این موزه نه تنها باید عزاداری سنتی و درستی را که مورد تأیید اهل بیت (ع) بوده باشد، به تصویر کشد، بلکه باید برای محبان امام حسین (ع) به وضوح و به صورت عینی نشان دهد که یک مجلس یا جلسه خوب از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و باید بیانگر این واقعیت باشد که هدف از برپایی این گونه جلسات دعوت به سوی امام (ع) است.

حجت‌الاسلام سید مهدی حائری
خطیب و پژوهشگر دینی

من در سمینار محرم و مردم‌شناسی که در سال ۱۳۷۶ با حضور مردم‌شناسان برجسته برگزار شد، حضور داشتم. اجماع مردم‌شناسان در آن سمینار لزوم ثبت هر چه بیشتر مراسم عزاداری امام حسین (ع) در سراسر کشور بود. من معتقدم ما باید هر چه زودتر به ثبت این مراسم اقدام کنیم.

یکی از شیوه‌های ثبت این مراسم استفاده از روش‌های موزه‌دارانه است. به نظر می‌رسد به تدریج برخی عناصر جدید در حال ورود در عرصه عزاداری‌هاست که فرهنگ عزاداری‌ها را تغییر خواهد داد. این آیین‌ها در مناطق گوناگون کشور ما وجود داشته است و با این روند ممکن

کارهای بسیار خوب و کارهایی که شایسته امام حسین (ع) باشد، اقدام و از جمع‌آوری آثار سطح پایین خودداری کند.

استاد محمود فرشچیان، نقاش

چون عاشورا محدود به ایران نیست و در سراسر جهان، شیعیان با آداب و رسوم خاص خود برای حضرت امام حسین (ع) مراسم می‌گیرند، به نظرم اگر قبل از تشکیل این موزه، برای بین‌المللی شدن آن هم طرح‌ها و برنامه‌هایی در نظر گرفته شده باشد، بسیار بهتر است.

استاد محمود فرشچیان، نقاش

تشکیل این موزه از این نظر که می‌شود در تمام طول سال برای مسائل مختلف عاشورا در آن فعالیت کرد، می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود؛ مثلاً یکی از کارکردهای این موزه یا نمایشگاه می‌تواند این مسئله باشد که عملکرد سال جاری را بررسی کند و برای سال بعد برنامه‌ریزی کند و این برنامه‌ها را در اختیار هیئت‌ها، حسینیه‌ها و تکاپا بگذارد.

حجت‌الاسلام سید مهدی حائری
خطیب و پژوهشگر دینی

من فکر می‌کنم در صورتی که برای تأسیس این موزه از کمک مردم، سازمان‌ها و مراکز مختلف استفاده شود، موج قشنگی برای بهتر

از آنجایی که موزه محل تجلی آداب، رسوم و سنن ملی مذهبی انسان‌های گذشته و فرهنگستان تاریخ و اعصار و عبرت برای دنیای امروز است، به نظر می‌رسد، تشکیل موزه‌ای با هدف جمع‌آوری و ثبت آیین‌ها و مناسک عاشورایی بتواند نقش مؤثری در شناخت هر چه بیشتر آداب، رسوم و احوال فکری-معنوی مردم گذشته ایفا کند.

علی شاکر، پژوهشگر

به نظر من، از آنجا که متأسفانه بدعت‌ها و خرافه‌های زیادی به واقعه عاشورا وارد شده و گاهی نیز تلاش‌هایی برای تحریف پیام عاشورا در طول تاریخ صورت گرفته است، ضروری است که موزه‌ای تشکیل شود تا جریان‌های واقعی را از جریان‌های دروغین جدا و تحریف‌ها را بیش از پیش مشخص کند.

مجتبی آقایی

رئیس موزه هنرهای دینی امام علی (ع)

باید بگویم که هیچ زبانی برای بیان عظمت ایشان [=امام حسین (ع)] جوابگو نیست و اگر قرار است چنین موزه‌ای در این خصوص تشکیل شود، باید فراتر از چند تابلو، پرچم و وسایل قدیمی باشد. به نظر من باید عشق در این موزه و هرجای دیگری که می‌خواهند برای امام حسین (ع) کار کنند، موج بزند. در مجموع در جایگاه یک هنرمند، پیشنهاد می‌دهم که این موزه برای جمع‌آوری

است، عزاداری سنتی، تحجر و ارتجاع و حتی ضدآیین تصور شود؛ برای نمونه، ما نوحه‌ها و مرثیه‌های بومی بسیار زیبایی در سطح استان آذربایجان شرقی داریم که هم‌اکنون محجور واقع شده‌اند و به تدریج در حال اضمحلال هستند؛ البته بدیهی است، ما نمی‌توانیم مسئله محرم را با آن عظمت و شکوه در یک موزه محدود کنیم.

خود محرم نیز تنها یک واژه نیست، بلکه مفهومی وسیع و فراموش‌نشدنی است. شاید برایتان جالب باشد که بدانید وسعت مفهوم محرم در ذهن مؤمنان تا بدان اندازه بوده است که ظروف غذاخوری مسی فراوانی وجود دارد که وقف امام حسین (ع) شده‌اند. این امر نشان‌دهنده ارتباط تام امام حسین (ع) با زندگی روزانه مردم بوده است؛ به نحوی که حتی حاضر بوده‌اند وسایلی را که روزانه استفاده می‌کردند، برای امام حسین (ع) وقف کنند.

مریم ابوالفتحی
مدیر موزه محرم تبریز

عاشورا حماسه‌ای است که در طول تاریخ باعث می‌شود، زنگار از دل‌های آماده انسان‌های آزاده، در هر دینی که باشند، پاک شود؛ پس باید بگویم ضمن اینکه می‌شود، از زوایایی مانند جمع‌آوری آثار هنری نظیر نقاشی، خطاطی، هنرهای تجسمی، مسکوکات، هنرهای ساختاری مثل معرق، مشبک و ... نام موزه به آن اطلاق کرد، از منظر دیگر نیز می‌توان به آن موزه «آثار عاشورایی» گفت؛ ولی خود عاشورا امکان

ندارد که اسم موزه به خود بگیرد.

دکتر محمدصادق محفوظی
رئیس مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی
و صاحب موزه شخصی
اگر این موزه [= موزه محرم] بسیار بادقت و با انجام کار کارشناسی تأسیس شود، می‌تواند منشأ اتفاقات خوبی باشد و آن اعتباری که به اصطلاح موارد و مؤلفه‌های موزه‌ای دارند، بسیار می‌توانند الهام‌بخش انسان‌ها باشد؛ برای مثال خطاطی‌ها، نقاشی‌ها و نوع برگزیدن آثار، نوع نگاه و حتی نوع پرده‌هایی که در این مورد کشیده شده‌اند، می‌تواند نوع نگاه و دیدگاه تاریخی انسان‌ها را در گذر زمان نسبت به واقعه عاشورا روشن کند؛ بنابراین یک موزه می‌تواند سیر تحول دیدگاه‌های انسانی را درباره قیام عاشورا نشان دهد و در همین حال، به ناظران قدرت تمیز و تشخیص تحولات مربوط به آن را نیز بدهد.

دکتر محمدصادق محفوظی
رئیس مرکز دایرةالمعارف انسان‌شناسی
و صاحب موزه شخصی

ما...خواستیم تا با موزه‌ای کردن ابزار و وسائل مرتبط با این مسئله [=عاشورا] و جمع‌آوری وسایلی که مرتبط با عاشورا است، به نسل جوان در شناخت هر چه بیشتر شعایر اسلامی کمک کنیم.

مهندس تراب محمدی
مدیر کل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان آذربایجان شرقی

درباره عنوان و نیز محتوای این موزه باید به دقت اندیشید؛ اما در حد پاسخی موقت، من «موزه تعزیه» را پیشنهاد می‌کنم؛ زیرا تعزیه، تعزیت، عزاداری و سوگواری عناوین و مفاهیم وسیعی هستند که در جامعه ما طیف گسترده‌ای از آداب و مناسک را در برمی‌گیرند. از سوی دیگر تقدس ذاتی خاصی ندارند و ما می‌توانیم آثار و عناصر مادی مرتبط با مناسک سوگواری حسینی را در آنجا در قالب تعزیه و عزاداری جمع‌آوری کنیم. در هر صورت تعزیه به مثابه هنری نمایشی در نظر گرفته می‌شود که تقدسش از آنچه ما به نام مناسک سوگواری حسینی می‌شناسیم، کمتر است.

دکتر سعید نائینی
مدیر سابق کتابخانه و موزه ملی ملک تهران

موزه دست‌کم در خاطر ذهنی مشترک ما، مفهومی منفی و تحقیری دارد؛ همان‌طور که می‌گوییم فلان چیز یا فلان کس به درد موزه می‌خورد یا جایش در موزه است. این پنداره به این معناست که آن چیز، آن کس یا آن اندیشه کارکرد و استفاده لازم در زندگی امروزه ما ندارد، فاقد ارتباطی ارگانیک با بدنه جامعه است و باید به کناری نهاده شود. حال چگونه می‌توان عاملی بی‌نهایت مقدس و زنده را در کنار عنصری تحقیر شده قرار داد؟ ■

دکتر سعید نائینی
مدیر سابق کتابخانه و موزه ملی ملک تهران



حافظه تاریخی ادعیه خوانی را بمردم می‌گردانیم

مطهره آخوندی

«اداره کل نعمات آیینی» با رویکرد کلی تثبیت تمامیت ارضی کشور و تحکیم وحدت ملی یعنی شرکت‌دادن قومیت‌های مختلف مذهبی و ملی در فرهنگ عمومی کشور از سال ۸۳ فعالیت خود را آغاز کرده است. این اداره کل از آنجا که وظیفه حفظ و تثبیت نعمات و آواهای آیینی ما را که ممزوج از فرهنگ دینی ماست، بر عهده دارد، بر آن شدیم که مروری بر کارنامه چندین سال این اداره کل داشته باشیم.

منظور از نعمات آیینی مجموعه‌ای از مفاهیم بلند دینی، عرفانی و اعتقادی در هم آمیخته با هنرهای زیبای آواز (vocal)، هم‌خوانی (choral)، ادعیه‌خوانی، ابتهال، تلاوت و ... است که پخش و ترویج آنها به حضور هرچه بیشتر ایران و تحکیم جایگاه آن در منطقه به مثابه فرهنگ انحصاری کمک می‌کند.

«مهدی دهقان نیری» هم‌اکنون مدیریت اداره کل نعمات آیینی و رادیو نوا را بر عهده دارد. با هم گفت‌وگو کردیم تا به بررسی عملکرد این اداره بپردازیم.

خیابان ماهیت وجودی «اداره کل نعمات آیینی» و رادیو نوا در چیست؟

ایرانیان موسیقی بدون ساز را که مختص خودشان است، دارند. شیعه نیز اثر موسیقایی بدون ساز دارد که منحصر به فرد است که در زبان عامیانه آن را «مداحی» می‌نامیم. این مداحی در زمان عزاداری به مرثیه و هنگام جشن و سرور به مولودی تبدیل می‌شود. شیعیان تنها مدعیان مداحی هستند. در کشور ما این مداحی‌ها سینه‌به‌سینه منتقل شده و به ما رسیده و در طول این مدت فراز و فرودهایی داشته است؛ برای مثال در زمان قاجار چون اجازه نداشته‌اند که عزاداری برگزار کنند، مردم در منازل خود به‌طور پنهانی عزاداری برگزار می‌کردند.

تعداد محدودی از استادان مداح هستند که دستگاه را رعایت می‌کنند؛ برای مثال در عزاداری دستگاه شوشتری و سبک‌های سنگین و در ایام شاد به صورت شور اجرا کنند. مداحانی هستند که در عزاداری و مولودی‌خوانی یک سبک دارند و تفاوتی در مداحی آنها نیست؛ در نتیجه مردم، لذتی از این اثر موسیقایی بدون ساز نمی‌برند. برای اینکه سروسامانی



در این بخش ضمن گفت‌وگویی با «مهدی دهقان نیری»، مدیر اداره کل نعمات آیینی و رادیو نوا به نحوه تعامل اداره کل نعمات آیینی با هنرمندان و مسائلی از این دست پرداختیم. در این شماره یک گزارش تصویری از نشست‌های تحریریه خیمه با برخی استادان و مشاوران خیمه آورده‌ایم.

حسن ختام این بخش، گزیده‌ای از راهنمایی‌ها، انتقادات و پیشنهادات «دکتر محمدرضا سنگری» به تحریریه خیمه است.



و کارشناس برنامه به اصلاح آن بپردازد و این گونه به مخاطب به طور صحیح مداحی را آموزش بدهیم.

یکی از برنامه‌هایی که برای محرم در نظر گرفته‌ایم، آموزش دستگاه‌های آوازی برای مداحی هستند که رویکردی کارشناسی دارند.

خدیجه قصد وسعت رادیو نوا را ندارند؟

ما پی‌گیر آن هستیم که رادیو نوا موج مستقلی را برای خود داشته باشد؛ زیرا بر این موج از ۶ صبح تا ۵ بعدازظهر رادیو تجارت، از ۵ بعدازظهر تا ۱۲ شب رادیو آوا و ۱۲ شب تا ۶ صبح رادیو نواست.

به‌زودی رادیو نوا ۱۲ ساعته خواهد شد و موج مستقلی برای خود خواهد داشت که ۶ ساعت در روز و ۶ ساعت در شب برنامه دارد. برنامه‌های روزانه ما نیز کارکردی آموزشی و مخاطب‌محور دارند.

خدیجه مخاطب رادیو نوا یک اقلیت خاص بنا بر تعریف شما می‌شود. آیا دغدغه وسعت مخاطب ندارند؟

رادیو نوا مانند ماهنامه خیمه شماسنت که مخاطب خاص دارد که در برخی از اوقات سال مانند محرم و صفر، ممکن است مخاطبان دیگر نیز آن را مطالعه کنند. رادیو نوا ضمن آنکه رادیوست و پخش سراسری دارد، مخاطب خاص خود را دارد و بنا بر شرایط مناسبی مخاطب بیشتری داریم. بسیاری نیز مایل‌اند که کار موسیقایی بدون ساز را بشنوند؛ پس به رادیو نوا رجوع می‌کنند که آواز عرفانی، ادعیه، ابتهال را می‌شنوند.

حافظه مردم ما در گذشته نسبت به ادعیه بیشتر بوده است و اکنون نسبت به آن ادعیه بسیار حافظه‌شان کمتر شده است. بسیاری دعای سحر را از حفظ بودند؛ اما اکنون تعداد حافظان کمتر و سبک‌های خواندن ادعیه بسیار متعدد شده است. رادیو نوا در نظر دارد، این حافظه ادعیه‌خوانی را دوباره به مخاطب خود برگرداند و این، حافظه تاریخی ما را حفظ می‌کند.

با تغییر رویکرد رادیو نوا، مخاطب جوانی که به آموزش مداحی علاقه‌مند است نیز به جمع مخاطبان اضافه خواهد شد.

خدیجه وظیفه اداره کل نغمات آیینی چیست؟

از آنجا که تعداد شبکه‌های صدا و سیما زیاد است، اداره کل نغمات آیینی این وظیفه را دارد که کارهای مناسبی و آثار موسیقایی بدون ساز را مانند ادعیه، ابتهال، تواشیح و ... را برای شبکه‌ها تولید کند.

از آنجا که منابع تولید این برنامه‌ها وسیع نیست، واحد «تأمین» اداره کل نغمات آیینی به کمک ما

برنامه مناسبی دو ساعته، به صورت زنده پخش شد که ارتباط تلفنی و مستقیم با مساجد در نظر گرفته شد. دو شب از ایام فاطمیه و سه شب از ایام البیض را به صورت زنده پوشش دادند که مخاطب خود را یافت.

خدیجه آیا مخاطب این برنامه‌های مناسبی فقط مختص همان زمان خاص نمی‌شود و دیگر مخاطب ثابتی ندارد؟

بله؛ اما در ادامه، ۳۰ شب برنامه با نام «طلوع بندگی» با رویکرد نغمات برای سحرهای ماه رمضان در نظر گرفته شده است که ارتباط پایداری را با مخاطب خود برقرار می‌کند. در این برنامه مداحی‌ها و آثار نغماتی جدید پخش می‌شود. در ایام محرم نیز برنامه‌های زنده‌ای در نظر گرفته‌ایم که هدف آن تبیین مداحی‌های سالم و درست خواهد بود.

شعار رادیو نوا، «صدای سبز نیایش» است و از آنجایی که دیگر شبکه‌ها به تبیین آثار نغماتی نمی‌پردازند، در رادیو نوا رسالت تبیین، ترویج و توسعه نغمات آیینی را برعهده داریم. در آینده با مخاطب خود ارتباط تلفنی را در نظر گرفته‌ایم که برای مثال مخاطب یک بیت شعر را مداحی کند

■ شعار رادیو نوا

«صدای سبز نیایش» است
و از آنجایی که دیگر شبکه‌ها
به تبیین آثار نغماتی نمی‌پردازند
در رادیو نوا رسالت تبیین
ترویج و توسعه نغمات آیینی
را برعهده داریم ■

به مداحی در رسانه ملی داده شود، پیش از سال ۱۳۸۳، اداره‌ای به نام «گروه نغمات آیینی» در ابتدا به صورت «گروهی» شکل گرفت که زیرمجموعه رادیو قرآن بود.

به دلیل وسعت کار که در قالب یک گروه نمی‌گنجید و آنکه رادیو قرآن در حوزه تخصصی قرآن بود و در زمینه مداحی و موسیقی آیینی نمی‌توانست، فعالیت داشته باشد، این گروه از رادیو قرآن مجزا شد و در آذرماه ۱۳۸۳ به «اداره نغمات آیینی» تبدیل شد.

خدیجه چرا این بخش از رادیو قرآن مجزا شد؟

یکی از دلایل مجزاشدن این بود که پخش و تولید نغمات آیینی بر عهده این اداره بود و در ده ساختار تولید می‌شد که تنها یکی از ساختارهای آن «فراز تلاوت قرآن» است؛ آن هم آیات را به صورت موضوعی مورد بحث قرار می‌داد. ساختارهای دیگر مانند آواز عرفانی اعم از ملی و محلی، اذان، مداحی (مولودی و مرثیه)، ابتهال، دعا (بلند و کوتاه)، فراز سخنرانی، روضه‌خوانی در سخنرانی‌ها هستند.

رادیو قرآن چنین رویکردی نداشت و در آن آموزش قرآن شرط اصلی بود.

اداره نغمات آیینی، آثار فاخر موسیقایی بدون ساز را ضبط می‌کرد و به شبکه‌های مختلف برای پخش می‌داد. در ۱۹ اسفندماه سال ۱۳۸۶، برای متمرکز شدن این آثار در پخش، رادیو نوا تأسیس شد که این تولیدات را پخش کند. وکال (کار موسیقایی بدون ساز) و آکاپلا در رادیو نوا از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح بر روی موج اف ام ردیف ۲/۱۰۷ مگاهرتز پخش می‌شود.

در اولین سالگرد تأسیس شبکه، برای آنکه ارتباط با مخاطب بیشتر شود، تغییراتی در نظر گرفته می‌شد. برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ چهل

می‌آید که بخش دیگر برنامه‌ها را تأمین کند. دو واحد «تولید و تأمین» با کمک هم برای تمام مناسبت‌های سال برنامه تولید می‌کنند و در اختیار شبکه‌ها قرار می‌دهند. علاوه بر تولید مناسبتی، برنامه‌های موضوعی نیز در دستور کار است.

خایه فیلتر رسانه و نظارتی اداره کل نغمات آیینی درباره آثار رسیده چگونه است؟

در صدا و سیما باید از صدای تمام مداحان کشور سود جست. این همه استعداد داریم؛ اما هنوز رسانه، هم‌پای آن نتوانسته است که از آنها بهره بگیرد؛ زیرا آن استعدادها هنوز اشعاری که می‌خوانند، در دستگاه نیست و کار رسانه‌ای تولید نمی‌کنند.

برای پخش از رسانه شرایط فاخر بودن کار اصل است که شامل شش بخش است. یکی از بخش‌ها مستند بودن است، دیگری آنکه سازگاری میان شعر و دستگاه مورد استفاده باشد، گاهی می‌بینیم که نبود تناسب میان شعر و دستگاه به گیج شدن مخاطب در اینکه آیا این مرثیه است یا مولودی منتهی می‌شود.

وقتی شرایط رعایت شود، کار «رسانه‌ای» می‌شود. ما یازده هزار مداح ثبت‌شده داریم. بخش نظارتی برای آن است که این مداحان را رسانه‌ای خوان بکنیم.

یکی از طرح‌های سال جاری اداره کل نغمات آیینی این است که سیزده جلد کتاب و ۱۰ لوح فشرده که حاوی اشعار پیرغلامان است و اشعار پاکسازی شده و ناب را به تعداد مداحان موجود تکثیر کنیم و در اختیار ایشان قرار دهیم تا این اشعار مورد استفاده قرار بگیرد.

ساماندهی امور مداحی و آکاپلا بر عهده اداره کل نغمات آیینی است.

خایه آیا اداره کل نغمات آیینی گنجایش تبدیل شدن به سازمان رسمی آموزش مداحی در کشور را دارد؟

اگر هماهنگی و همکاری شود، به راحتی می‌تواند این اتفاق بیفتد.

اگر تجربه نهضت سواد آموزی را در نظر بگیریم، در ابتدا معلم پرورش داد و به روستاها اعزام کرد، این آموزش معلم‌ها محدودیت داشت. با تمام این فعالیت‌ها درصد پیشرفت سواد پایین بود؛ اما از زمانی که به این نتیجه رسیدند که آموزش را رسانه‌ای کنند و از طریق تلویزیون آموزش را سراسری کرد که با حجم کاری پایین ضریب گسترش سواد بالا رفت.

رادیو نوا یک استعداد آماده‌ای است که سازمان تبلیغات نیز می‌تواند در این امر از این رسانه بهره بگیرد و این آموزش‌ها در مداحی و همچنین

فعالیت‌های دیگر نظیر امور مساجد، اذان مساجد سود بجوید.

برای مثال اذان‌هایی که در مساجد پخش می‌شود، به جز اذان‌های رسانه‌ای که فاخر هستند، از لحاظ تجویدی باید مورد بررسی قرار بگیرند. در زمینه اذان دستگاه‌هایی که برای اذان صبح داریم با اذان ظهر متفاوت است که اداره کل نغمات آیینی دستورالعملی مبنی بر پخش اذان‌ها برای شبکه‌ها در نظر گرفته است که اذان‌ها اشتباه پخش نشوند.

روز جهانی اذان نیز ابتکار اداره کل نغمات آیینی است که روز فتح مکه و اذان گفتن بلال حبشی در نظر گرفته شده است.

خایه تعامل اداره کل نغمات آیینی با هنرمندان درباره تولید نغمات آیینی چگونه است؟

یکی از روش‌ها برای شناسایی هنرمندان، برگزاری همایش‌هاست؛ برای مثال «گردهمایی گروه‌های هم‌خوان کل کشور» به ما این اجازه را داد که بتوانیم استعدادها را گردهم آوریم و در قالب کارگاه‌های آموزشی آنچه مطلوب رسانه است آموزش دهیم و درباره نحوه همکاری ایشان با رسانه تصمیمی بگیریم.

با کشف این استعدادها و گرفتن تولیدات آنها دست اداره کل نغمات آیینی نیز در تنوع آثار بیشتر می‌شود. از دیگر همایش‌ها همایش پیرغلامان است که هفتمین دوره آن قبل از محرم برگزار می‌شود.

هدف ما از برگزاری همایش پیرغلامان که قبل از محرم ماه سال جاری برگزار می‌شود، تبیین مداحی سالم است. در گذشته اول صفر همایش پیرغلامان برگزار می‌شد که امسال با تغییر سیاست برگزاری این همایش برای رعایت اصول مداحی سالم در جامعه، قبل از محرم مبادرت به برگزاری آن کردیم.

تعداد کسانی که بتوانند تولیدات فاخر نغمات آیینی داشته باشند، انگشت‌شمارند و به این دلیل است که با وجود تلاش‌ها تولیدات کمی حاصل می‌شود. در این مدت نیز فقدان کار آموزشی نیز بوده است و به این دلیل رویکرد رادیو نوا به سمت آموزش محور بودن تغییر داده‌ایم که بتوانیم نیرو در این حوزه پرورش دهیم.

کشف استعدادها، جدید، آموزش و حمایت آنها از سوی سازمان صدا و سیما و سازمان تبلیغات، مورد نیاز است.

خایه آیا منابع انسانی مورد نیاز را در اختیار دارید؟

ما استادان حاذق انگشت‌شماری داریم که با این وجود از تمام وقت این استادان در پنج کمیته بهره می‌جویم. کمیته شعر که اشعار نغماتی و

آیینی در کمیته مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کمیته آواز در حوزه تولید، برای اشعار آهنگ‌سازی می‌کنند و خواننده مورد نظر را انتخاب می‌کنند و تبدیل شعر به ساز صورت می‌گیرد. کمیته ادعیه، اذان و ابتهاج رعایت خواندن ادعیه در دستگاه‌های مختلف و رعایت قواعد تجویدی و صوت و لحن را در نظر دارد. کمیته گروه‌های هم‌خوان نیز به ساماندهی کارهای هم‌خوانی می‌پردازد. در نهایت کمیته مداحی در حوزه تولید مداحی است. کمیته ارزیابی تولید نیز با حضور استادان زنده که به ارزیابی کارهایی می‌پردازند که خوشبختانه متوسط نمرات تولید شده از ۱۰۰ نمره ۷۵ است. هرچند که امکانات تولید، استودیوها کم هستند و تعداد دستگاه‌های متناسب ضبط موسیقی نیست.

کمیته ارزیابی تأمین نیز به بررسی آثار تأمین می‌پردازد. کمیته طرح و برنامه که قبل از تولید برنامه طرح برنامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. کمیته ارزیابی پخش نیز به بررسی و ارزیابی آثار پخش شده از رادیو نوا می‌پردازد و نکات مورد توجه به تهیه‌کنندگان گوشزد می‌شود.

خایه برای سؤال پایانی، اگر اداره کل نغمات آیینی را بخواهید نقد کنید چه می‌گویید؟

یک هنرمند نقاش را در نظر بگیرید که سوژه‌ای روبه‌روی آن است و می‌خواهد با داشته‌های آکادمیک خود طرح آن را بکشد. سوژه در مقابل هنرمند حاضر است و چون اصول کلاسیک را آموخته است، به نحو احسن سوژه را به نقش می‌کشد. برخی هنرمندان سوژه را از حفظ می‌کشند و برخی باید سوژه روبروی آنها باشد.

دلیل مورد توجه قرار گرفتن این اثر هنری، علاوه بر بعد اول (بعد علمی) بعد معنوی است که در حوزه کلاسیک یافت نمی‌شود. وقتی سوژه‌ای داشته باشی که غایب از نظر باشد؛ برای مثال امام زمان (عج) و یا امام حسین (ع) که تنها داستان‌هایی از ایشان شنیده‌ایم، این علم معرفتی است که در کنار علم کلاسیک تولید یک اثر فاخر را باعث می‌شود.

در حوزه مدیریت اداره کل نغمات آیینی نیز به این گونه است که به دلیل خاصیت وجودی بشر، همیشه آن ارتباط عمیق معنوی برقرار نیست؛ بنابراین برخی آثار به دل شنونده می‌نشینند؛ پس باید حجم آثار تولیدی فزونی یابد تا تعداد بیشتری به دل شنونده بنشینند.

نقدی که به اداره کل نغمات آیینی دارم این است که آثار آن، صددرصد آثار فاخر نیست و گاهی به دلیل تعجیل در کارها تولیدات کارخانه‌ای می‌شود. باید به جایی رسید که هنگامی که به آمادگی برای تولید آثار رسیدیم، آن وقت کارهایی که به دل می‌نشینند، تولید کنیم. ■



عکس: حسین اینانلو

از گوشه و کنار محرم

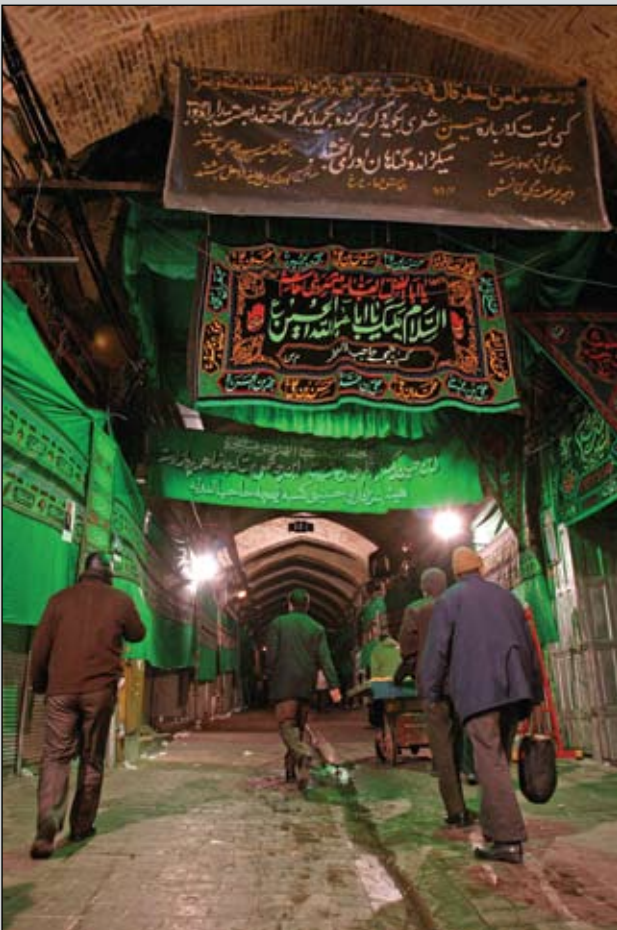
عکس: حسین اینانلو



عکس: پیام اکبری



▲ عکس: مجتبیٰ سرانجام پور



▲ عکس: امیر ادھم



▲ عکس: حسین اینانلو



▲ تقدیر از خیمه (برترین غرفه در حوزه دین و فلسفه) در شانزدهمین نمایشگاه مطبوعات



▲ غرفه خیمه در شانزدهمین نمایشگاه مطبوعات



▲ نشست تحریری خیمه با مهدی دهقان نیری (مدیر اداره کل نغمات آیینی و رادیو نوا)



▲ نشست تحریری خیمه با دکتر حسین انتظامی



▲ نشست تحریری خیمه با دکتر محمدرضا سنگری



▲ نشست تحریری خیمه با آقای کاووس طیب (کارشناس کمیته برنامه‌ریزی معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی)

فرصت تأمل‌های ژرف‌تر به آدمی می‌دهد... هرگز ارزش گفت‌وگو و مباحثه، معادل نوشتن یک مقاله نیست، این باید مرکز ثقل و لنگرگاه در تمام شماره‌ها باشد...

سه‌م مقالات باید در مجله معلوم و مشخص باشد تا مجله یک مجله علمی باشد...

نگاه جامعه‌شناسانه و بعد اجتماعی مجله، خیلی پررنگ است؛ درحالی‌که مباحث فلسفی، فقهی و... هم مورد نیاز است...

شما نباید فقط در مقوله عاشورا بمانید. به مباحث اطراف عاشورا هم باید توجه کنید؛ برای نمونه، مباحث جریان‌های فکری عاشورا، غدیر و عاشوراء، بعثت و عاشوراء، رجعت و عاشوراء، بحث اربعین، پیام‌ها، درس‌ها و عبرت‌های عاشوراء، اخلاق عاشورایی و... موضوعاتی هستند که باید به آنها بپردازیم...

در اصل، می‌خواهم مسئله را این‌گونه طرح کنم؛ آیا در حقیقت، دامنهٔ خیمه آن قدر وسیع نیست که امام صادق (ع) هم، زیر آن باشد؟ اگر ما به امام صادق (ع) بپردازیم، به خیمه نپرداخته‌ایم؟ به کربلا نپرداخته‌ایم؟ می‌خواهم بگویم، موضوع را خیلی وسیع‌تر و گسترده‌تر از این مسئله ببینید...

اگر امر به معروف و نهی از منکر از اهداف و از برنامه‌های اساسی حضرت اباعبدالله (ع) است، ما نمی‌توانیم، این مسئله را به شکلی دقیق، عالمانه، امروزی و با بصیرت، مطرح کنیم؟ و این یکی از مقوله‌های خیمه و یکی از محورهای کار باشد؟...

کربلا حادثهٔ ۶۱ هجری نیست. به‌طور دقیق همین امروز اتفاق افتاده است. عاشوراء، حادثه به دقیقه اکنون است. قصهٔ همین امروز است...

همچنان که شما بحث سیاست را از حیث یک پدیده، یک موضوع و یک مسئله، طرح می‌کنید؛ آیا این‌ها نمی‌تواند، مسئله ما باشد؟...

فرمود: «من می‌خواهم سیرت پیامبر را زنده کنم.» در آخرالزمان هم، قرار است سیرت پیامبر باشد، خوب، اگر مباحث مربوط به سیرت را مدنظر قرار دهیم، آیا این‌ها در زیرمجموعهٔ خیمه هست یا نیست؟...

کربلا پنج بعد مختلف دارد که باید به همهٔ آنها بپردازید؛ بعد سوگ، بعد حماسه، بعد پیام دادن، بعد عبرت گرفتن و بعد عرفان. نباید از بعد سوگ و تراژیک کربلا غافل شویم...

کربلا یک حماسهٔ بزرگ است...

بخشی را به بازشناسی خود کربلا اختصاص دهید؛ برای نمونه، بازشناسی گودال قتلگاه، بازشناسی منازل راه، بازشناسی چهره‌ها؛ برای نمونه، حضرت علی اکبر (ع)، حضرت قاسم... یا همین ایرانی بزرگ ما که در کربلا شرکت داشته، «اسلم بن عمرو» که من تحقیق کردم تا بفهمم این آدم از کجا حرکت کرده تا سرانجام در مدار کربلا قرار گرفته‌است. لازم است ما این اصحاب را معرفی کنیم...

ان‌شاءالله همیشه زیر این خیمه باشید، خیمه‌ای که باید آن را به وسعت جهان گسترش دهید. ان‌شاءالله. ■

عاشورا

حالت‌برد دقیقاً اکنون است



است؛ چون شما دربارهٔ بزرگ‌ترین حوادث آیندهٔ جهان کار می‌کنید. به همین دلیل هم رها از هر تعارف، من خیمه را ۶۳ امین خیمهٔ کربلا می‌بینم؛ زیرا در کربلا امام حسین (ع) ۶۲ خیمه داشت؛ ۶۲ خیمه که مجموعهٔ بارانش زیر آنها جمع شده بودند. آن خیمه‌ها به پنج شکل بودند. یک خیمهٔ دیگری که کنار آن خیمه‌ها قرار می‌گیرد، خیمهٔ شماسست و شما خیمه‌نشینان عاشورا هستید. ارزش خودتان را بدانید...

در عین حال، ما باید به گسترش کار هم فکر کنیم. چه طور است که ما برای ساده‌ترین مسائل و موضوعات دانشکده داریم؛ اما برای موضوعی با این عمق، وسعت و تأثیرگذاری، نداریم؟ آیا برای این موضوع و برای کسانی که دست‌اندرکار مجالس و محافل حسینی هستند و گاهی شعاع تأثیر گذاری‌شان از هر فعالیت فرهنگی دیگر بیشتر است، نیازی به برنامه‌ریزی و آموزش نیست؟...

وقتی یک موضوع تا این اندازه مهم و بزرگ است و تضمین‌کنندهٔ سلامت حرکت جامعهٔ ماست و همهٔ هویت انقلاب ما هم مبتنی بر عاشوراست... و ما هزار دلیل داریم که همه چیز ما ریشه در همین زلال دارد، چرا برای این مسئله دانشکده نداشته باشیم؟ چرا برای این موضوع، آموزش‌های عمیق، دقیق و سازماندهی وجود نداشته باشد؟ ما به‌واقع باید به این موضوع فکر کنیم...

آهنگ گفت‌وگو، تندتر از قلم است؛ بنابراین، قلم

بسیار خوش‌حالم که مجموعهٔ دوستان را ملاقات می‌کنم؛ هرچند شما مثل خونی که در رگ‌های این مجله سریان و جریان دارد، حضورتان را همیشه نشان می‌دهید و من پیش از این که شما را در این جمع زیارت کنم، درون مجله دیده‌ام...

اجازه می‌خواهم پیش از اینکه وارد هر بحث و گفت‌وگویی شوم، روی این نکته انگشت تأکید بگذارم که اگر خود ما ارزش‌های خودمان را ندانیم، هرچه بدانیم، هیچ نمی‌دانیم. این حرف بزرگی است که مولا (ع) به ما فرمود. حضرت می‌فرماید: «کفی بالمرء جهلا أن لا يعرف قدره»؛ «برای اثبات جهل یک انسان همین بس که قدر خودش را نداند.» جایگاه خودش را نداند؛ تأثیر وجودی خودش و کاری را که در حال انجام آن است، برای خودش تعریف نکرده باشد و در ابهام و در مه نسبت به اثر و کار خودش به‌سر ببرد. ما به‌واقع، بزرگ‌تر و عظیم‌تر از امام حسین (ع)، چیزی نداریم. یعنی خدا هم چیزی بزرگ‌تر از این ندارد. در سه اتفاق بزرگی که در آیندهٔ عالم اتفاق می‌افتد، محور حضرت اباعبدالله (ع) است. سه حادثه قرار است، اتفاق بیفتد؛ یکی ظهور، بعد رجعت و در نهایت قیامت. ما به جز اینها، حادثه‌ای نداریم و در این سه حادثهٔ بزرگ، مرکز و محور، حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) است...

محور و مرکز کار شما هم پرداختن به این مسئله (و البته پیوستارهای حادثهٔ کربلا که من به‌موقع به آنها هم اشاره می‌کنم)، است؛ پس کار شما بسیار بزرگ